فرهیختگان
روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان
فصل جدید رادیو مضمون: روایت سال‌های جنگ
شماره مسلسل ۴۷۵۱
سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۵
۲۱ نوامبر ۲۰۲۳
شماره ۴۰۱۳
www.Fdn.ir | Tue | 21 Nov 2023 | vol.15 | No. 4013 | 16 Pages

سهم تسهیلات مسکن در ۱۰ سال اخیر از کل تسهیلات بانکی آب رفته است

مانع تراشی بانک‌ها جلوی وام پروژه‌های مسکن

صفحه ۱۶

۱۳ میلیارد هزینه و بیننده‌های دورقمی

شکست پروژه تلویزیون اینترنتی کتاب

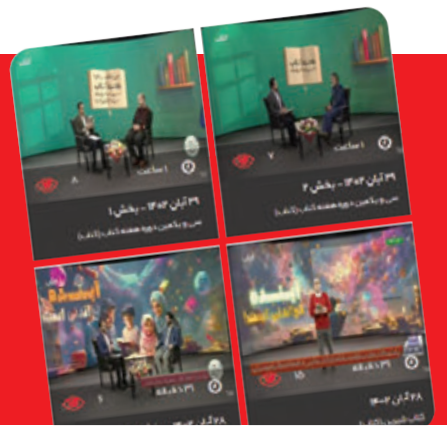

۱۲ و ۱۳

عصای موسی

تصاویر جدید انصارالله از کشتی اسرائیلی همزمان با بی‌سابقه‌ترین حمله موشکی به تل‌آویو منجر به دست‌بالای مقاومت در مذاکرات آتش‌بس می‌شود

۷و۲

آخرین آمارهای سامانه «آک» ایرانداک درباره وضعیت کتابخانه‌ها چه می‌گوید؟

کتابخانه‌های دانشگاهی آب رفتند!

۳

معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد در نشست خبری همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها»:

باید تعامل سازنده‌ای با دانشگاه‌های جریان مقاومت برقرار کنیم

۳

به بهانه بازگشت پیکر محمدعلی اسلامی ندوشن به ایران

در آغوش مادر بلاکشیده‌اش آرام گرفت

۱۳

درخواست محاکمه بایدن به جرم مشارکت در نسل‌کشی

یادداشت

میراحمدرضا مشرف
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در روزهای اخیر طرح شکایتی از بایدن رئیس جمهور آمریکا و چند تن دیگر از اعضای کابینه وی در دادگاه فدرال آمریکا ارائه شد که بازتاب فراوانی در رسانه‌های آمریکا داشت. درواقع این شکایت مورد توجه قرار گرفت؛ چراکه یک شکایت ساده و پیش‌پاافتاده نبود، بلکه طرح اتهامی سنگین یعنی مشارکت در نسل‌کشی فلسطینیان، به رئیس جمهور بایدن و بلینکن وزیر خارجه و آستین وزیر دفاع، دوتن از اعضای کابینه ایالات متحده بود. اگر به اطلاعات منتشر شده درباره این پرونده در «مرکز حقوق اساسی» ایالات متحده مراجعه کنیم، متوجه خواهیم شد که به چه میزان این پرونده مهم و حساس تلقی شده و چه استدلال‌های حقوقی در پس آن وجود دارد که می‌تواند دولتمردان ایالات متحده و شرکای آنها در تل‌آویو را به‌شدت دچار آشفتگی کند. در اینجا به برخی زوایای این پرونده می‌پردازیم که در سایت مرکز حقوق اساسی به‌عنوان یکی از طرف‌های ذی‌نفع، مورد اشاره قرار گرفته است.

اعلام اقامه دعوا علیه رئیس جمهور بایدن و وزرای کابینه وی

سایت مرکز حقوق اساسی آمریکا از شکایتی خبر می‌دهد که براساس آن تعدادی از فلسطینی‌ها از دادگاه فدرال ایالات متحده خواسته‌اند تا رئیس جمهور بایدن و وزیر امور خارجه بلینکن و آستین وزیر دفاع را از تداوم ارائه تسلیحات، پول و همچنین حمایت دیپلماتیک به رژیم صهیونیستی منع کند؛ چراکه یک نسل‌کشی آشکار به‌وسیله دولت اسرائیل علیه شهروندان غیرنظامی غزه درحال جریان است و مقامات آمریکایی قانونا وظیفه دارند تا از این جنایات جلوگیری کنند. در این پرونده به‌طور صریحی ذکر شده است که رئیس جمهور و وزرای ذکرشده در چهارچوب سمت رسمی‌ای که دارند، نه‌تنها در جلوگیری از یک نسل‌کشی آشکار، آن هم در شرایط برخورداری از نفوذ لازم بر دولت اسرائیل ناکام مانده‌اند، بلکه مستقیما با استفاده از سلاح، منابع مالی و پوشش دیپلماتیک در توسعه این نسل‌کشی سهیم شده‌اند. این شکایت نیز برمبنای نقض وظایف مندرج در کنوانسیون نسل‌کشی و حقوق بین‌الملل عرفی انجام گرفته است.

شاکیان چه کسانی هستند؟

این شکایت از طرف شاکیان و به‌واسطه مرکز حقوق اساسی و شرکت حقوقی «وان در هوت، ال ال پی» به دادگاه فدرال ارائه شده است. شاکیان تعدادی از اشخاص حقیقی فلسطینی- آمریکایی و همچنین برخی سازمان‌های حقوق بشری مانند بخش بین‌المللی دفاع از کودکان فلسطینی و موسسه الحق هستند. درمیان اشخاص حقیقی نام‌هایی چون دکتر عمر النجار، محمد احمد ابو رکبه، لیلا الحداد، باسم الکررا و یکی از شهروندان آمریکایی با نام اختصاری «ای.ان» به چشم می‌خورد. اغلب این افراد شهروندان ایالات متحده به‌شمار می‌آیند که با خانواده‌های خود در غزه سکونت دارند. تعدادی از آنها همه اعضای خانواده خود را از دست داده‌اند و شماری دیگر در غزه تحت محاصره قرار گرفته یا آواره شده‌اند. برخی نیز چون شهروند آمریکایی که نام مختصر آن ذکر شد، اقوامی در غزه دارند. دکتر عمر النجار پزشک ۲۴ ساله یک مجتمع پزشکی در خان‌یونس و یکی از شاکیان این پرونده، در رابطه با دلایل طرح شکایت خود این‌گونه می‌گوید: «صادقانه بگویم، بازبینی تمام صحنه‌های هفته گذشته دشوار است. وقتی آنها را به یاد می‌آورم درهایی به جهنم باز می‌شود. من پنج نفر از بستگان خود را از دست دادم، تعداد زیادی از کودکان را که تنها بازماندگان خانواده‌های خود بودند، درمان کردم. اجساد دانشجویان پزشکی و خانواده‌هایشان را تحویل گرفتم و دیدم که بیمارستان به پناهگاهی برای ده‌ها هزار نفر تبدیل شده است؛ چراکه همه ما سوخت، برق، آب و غذا را از دست داده‌ایم. ایالات متحده باید جلوی این نسل‌کشی را بگیرد. هر کسی در هر نقطه‌ای از دنیا وظیفه دارد آن را متوقف کند.»

چرا اقدامات اسرائیل نسل‌کشی محسوب می‌شود؟

در این دادخواست که خواهان اعلام و صدور حکم قضایی است، تاکید شده که به‌رغم توجه به اقداماتی که حماس مرتکب شده است، چنین اقداماتی از نظر قانونی نمی‌تواند اشکالاتی چون هدف قرار دادن کل جمعیت و مجازات دسته‌جمعی انجام گرفته توسط دولت اسرائیل را توجیه کند، چه برسد به اینکه توجیهی برای نسل‌کشی باشد. از ۸ اکتبر تاکنون رژیم صهیونیستی بیش از ۱۱۰۰۰ نفر فلسطینی را که اغلب آنها غیرنظامی و شامل ۴۶۰۰ کودک بوده‌اند، به قتل رسانده و بیش از ۱٫۵ میلیون نفر را آواره کرده است. هزاران فلسطینی همچنان مفقود هستند و تخریب بیمارستان‌ها، مدارس و بیشتر زیرساخت‌های غزه و همچنین محرومیت عمدی از دسترسی به آب، غذا، برق و دارو عملا زندگی در غزه را غیرممکن کرده است.

ارتش رژیم صهیونیستی مناطق غیرنظامی و زیرساخت‌ها را هدف قرار داده -حتی با بهره‌گیری از تسلیحات شیمیایی- و فلسطینی‌ها را از ضروریات اساسی محروم کرده است؛ آن هم در شرایطی که رویکرد انسان‌زدایی فلسطینی‌ها را در پیش گرفته و آنها را به‌عنوان «حیوانات انسان‌نما» که مستحق حمایت‌های بشری نیستند، معرفی می‌کند و سوگند می‌خورد که همه چیز را از بین ببرد. همه اینها روشن می‌کند که تاکید بر آسیب و نه دقت [مورد ادعای اسرائیل] است.

اینها شواهد گسترده‌ای هستند که اقدامات دولت اسرائیل یک نسل‌کشی آشکار است. کنوانسیون نسل‌کشی اقداماتی را که به‌منظور نابود کردن کامل یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از طریق کشتن، آسیب جدی جسمی و روانی بر یک گروه هدف یا ایجاد شرایطی از زندگی به‌منظور نابودی کامل یا جزئی آنها انجام می‌گیرد، به‌عنوان نسل‌کشی تعریف کرده است. اما درکنار همه این موارد، باید گفت که این پرونده با بیانیه‌ای از «ویلیام شاباس» متخصص برجسته حقوق در زمینه نسل‌کشی نیز همراه شده است. در این بیانیه وی ویژگی‌های اظهارات دولت اسرائیل، حملات نظامی مرگبار و محاصره کامل را نشانه‌های نسل‌کشی معرفی می‌کند و درعین‌حال نقض وظیفه قانونی از سوی ایالات متحده را مورد تایید قرار می‌دهد. علاوه بر این یک بیانیه تخصصی جداگانه نیز توسط جان کاکس، ویکتوریا سنفورد و بری تراختنبرگ دانشمندان حوزه مطالعات نسل‌کشی و هولوکاست ضمیمه دیگری از پرونده محسوب می‌شود که در آن توضیح داده شده که چگونه نیات و اقدامات نسل‌کشی رهبران اسرائیل، با دیگر نسل‌کشی‌های تاریخ معاصر مشابهت دارد.

مستندات اعلام جرم علیه بایدن و وزرای کابینه آمریکا

کاترین گالاگر، وکیل ارشد مرکز حقوق اساسی و یکی از وکلای این پرونده می‌گوید «در پنج هفته گذشته رئیس جمهور بایدن و وزرای خارجه و دفاع بلینکن و آستین، شانه به شانه در کنار حکومتی ایستاده‌اند که قصد خود را برای نابودی جمعیت فلسطینی در غزه آشکار کرده است. همان‌طور که محله به محله، بیمارستان به بیمارستان و به همراه آنها پناهگاه‌های فلسطینی‌های آواره بمباران شده‌اند و درحالی‌که مردم در محاصره و انسداد کاملی قرار داشتند که نیازهای انسانی ۲٫۲ میلیون انسان برای زندگی مورد انکار قرار می‌گرفت، آنها [بایدن و تیمش] همچنان به حمایت نظامی و سیاسی از کمپین نسل‌کشی در اسرائیل ادامه داده‌اند؛ درحالی‌که هیچ خط قرمزی نیز اعمال نکرده‌اند.»

در این مرحله است که بحث قانونی جرم‌انگاری این عمل رئیس جمهور مطرح می‌شود: «ایالات متحده یک تعهد واضح و الزام‌آور برای جلوگیری از نسل‌کشی دارد. آنها در انجام وظیفه قانونی و اخلاقی خود برای استفاده از قدرت قابل توجهی که برای پایان دادن به این وحشت دارند، شکست خورده‌اند. آنها باید این کار را انجام دهند. «ایالات متحده براساس ماده ۱ کنوانسیون نسل‌کشی موظف است مانع از اقدامات نسل‌کشی شده و مرتکبان را مجازات کند. ایالات متحده در سال ۱۹۸۸ و از هنگامی که کنوانسیون را پذیرفت و قانون اجرای آن را تصویب کرد، این تعهد را بر دوش گرفته است. به‌نظر می‌رسد نفوذ قابل توجه ایالات متحده بر اسرائیل این وظیفه بازدارندگی را دوچندان می‌کند. اما شاکیان می‌گویند که دولت بایدن نه‌تنها در جلوگیری از نسل‌کشی فلسطینیان توسط رژیم صهیونیستی ناکام بوده، بلکه به‌طور فعالی به آن کمک هم کرده است. از آغاز بمباران‌ها تاکنون بایدن بارها از طریق گفتار و عمل حمایت تزلزل‌ناپذیر ایالات متحده از اسرائیل را تایید کرده است. این در شرایطی رقم می‌خورد که دادگاه‌ها فراهم کردن سلاح و سایر مواد به عاملان نسل‌کشی را به‌عنوان یک همدستی تشخیص داده‌اند. برای مجرم دانستن ارائه‌دهندگان کمک، اساسا نیازی به سهیم بودن آنها در نیات نسل‌کشی دریافت‌کنندگان وجود ندارد. ویلیام شاباس، کارشناس بین‌المللی برجسته حقوق در زمینه نسل‌کشی در بیانیه خود در رابطه با این پرونده می‌نویسد: «من به این استنباط رسیده‌ام که خطر جدی نسل‌کشی علیه جمعیت فلسطینی غزه وجود داشته و ایالات متحده در معرض نقض تعهدات خود قرار دارد؛ تعهداتی که هم براساس کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ که عضو آن است و هم براساس قوانین بین‌المللی عرفی، متقبل شده تا از موقعیت نفوذ خود بر دولت اسرائیل و اتخاذ بهترین اقدامات در راستای ممانعت از وقوع این جنایت، بهره‌گیری کند.»

خالد قوزمر، مدیر اجرایی بخش بین‌المللی دفاع از کودکان فلسطینی می‌گوید کودکان فلسطینی در غزه بدون‌شک مورد حمله قرار می‌گیرند زیرا حملات متداوم ارتش رژیم صهیونیستی خانه‌ها، مدارس و محله‌های آنان را ویران می‌کند. نیروهای اسرائیلی از سلاح‌های ساخته‌شده آمریکا و حمایت مالی این کشور برای کشتن آنها و خانواده‌هایشان استفاده می‌کنند، آن هم در شرایطی که معاف از مجازات هستند. درحالی‌که مردم جهان برای اعتراض در خیابان‌ها به راه افتاده‌اند؛ رهبران جهان روزبه‌روز نشان می‌دهند برای خاتمه دادن به ویرانی فاجعه‌بار غزه و اوضاع بی‌سابقه فلسطینی‌ها در آن جسارت لازم را ندارند. ما برای پایان دادن به این نسل‌کشی نیاز به همراهی مردم آمریکا داریم. وکیل محلی شرکت حقوقی «وان در هوت» نیز معتقد است ایالات متحده برای جلوگیری از افزایش جنایات در غزه باید تعهدات خود را تحت کنوانسیون نسل‌کشی و حقوق بین‌الملل انجام دهد. به‌نظر وی اقدامات حماس هر قدر هم که وحشتناک بوده باشد، به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند قتل‌عام‌هایی را که اکنون توسط رژیم صهیونیستی و با رضایت و حمایت بی‌قید و شرط آمریکا انجام می‌شود، توجیه کند. اکنون وظیفه دادگاه‌هاست که ایالات متحده را به انجام تعهدات قانونی خود وادار کنند. محمد هرزالله، یکی دیگر از شاکیان پرونده که خانواده‌اش در غزه هستند، می‌گوید: «ما افراد زیادی را از دست داده‌ایم، اما هنوز افراد بی‌شماری هستند که زندگی می‌کنند و ما در قبال آنها این دین را داریم که همه اقدامات لازم برای پایان دادن به این نسل‌کشی را انجام دهیم. من هر کاری که از دستم بر می‌آمد، از شرکت در تظاهرات و اعتصابات و نامه‌نگاری به نمایندگان گرفته تا نافرمانی مدنی انجام داده‌ام. اکنون از دادگاه‌ها می‌خواهم تا به این نسل‌کشی دوام‌دار خاتمه دهند.»

درسی از اسلامی ندوشن

سیدسعید لواسانی
استاد دانشگاه

درباره هویت ایرانی تعبیر مرحوم اسلامی‌ندوشن تعبیر دقیقی است، ما باید «ناظر نگران» باشیم و به این دلیل هم خوبی‌های فرهنگ و هویت ایرانی را شناسایی کنیم و دنبال ترویج آنها باشیم و هم بدی‌ها و آسیب‌های آن را؛ و دنبال طرد آنها باشیم. نقد خلقیات ایرانیان در سیاست و فرهنگ و آموزش و زندگی روزمره خدمت به ایران و ایرانیان است و نباید از آن غفلت کرد و البته اصلی‌ترین نقد به فرهنگ و اخلاق شاهنشاهی و فرهنگ و اخلاق ارباب- رعیتی است که از درون به نبرد هویت ایرانی آمده است.

این تعبیر هم درست است که ایران چون اقیانوس محتومی است که باکی ندارد انگار تمام رودهای جهان فرهنگ را از هرجا که جوشیده باشند، در خود گرد آورد. این هم خوب است و هم باعث نگرانی است. نگرانی آنجاست که گروهی را مقلد می‌کند و این سم هویت ایرانی است. اما خوب است که راه را باز می‌کند تا بتواند فرهنگ خود را غنا بخشد.

اما با این نظر که «ایران، شرق را شرق نگه داشت و غرب را غرب، و خود او در این میان نیمه‌شرقی نیمه‌غربی شد و به‌طورکلی سرنوشتش آن گشت که بار دوگانه‌ای بر دوش داشته باشد.» هم موافق هستم و هم نقد دارم. شاکله هویت ایران «نه شرقی و نه غربی» است و از ابتدا چنین بود و هرگز نخواست رنگ دیگران را به خود بزند، بلکه تلاش کرد رنگ خود را به فرهنگ‌های دیگر بزند، حتی در رابطه با اسلام نیز چون آن را حق یافت با آن انس گرفت و عشق ورزید، زیرا کمال خود را در آن دید و به این دلیل اسلام اموی و عباسی را نپذیرفت و رو به اسلام علوی آورد که حق را جلوه می‌دهد و در آن آرامش گرفت و به این ترتیب اسلام یکی از اصلی‌ترین عناصر هویت ایرانی شد. البته ما نسل خوشبخت و تاثیرگذاری هستیم که انقلاب اسلامی را دیدیم تا بتوانیم هویت اسلامی- ایرانی را تحقق عینی ببخشیم، بعد از اینکه قرن‌ها به‌دنبال آن بودیم و البته باید تلاش می‌کردیم عناصر ناروا- و از همه مهم‌تر عنصر خطرزای فرهنگ و سیاست شاهنشاهی را- از هویت ایرانی بزداییم و این کار را با اسلام انجام دادیم. اما هنوز به مقصد و مقصود نرسیدیم و خطرها به راه است... و البته هویت ایرانی تضاد دوگانه خیر و شر و نبرد بی‌پایان سپنتامینو و انگره‌مینو را بر دوش می‌کشد تا درستی و راستی را در جان و سرزمین خود و جهان انسانی تحقق بخشد.

بنابراین باید ما با تکاپویی بی‌پایان، سرزمین مادری و خانه پدری خود را دوباره کشف کنیم و برای این مهم نباید سر از پا بشناسیم. در این مسیر سرزمین و مرزوبوم و خاک ایران هم مقدس می‌شود، نه اینکه خاکپرست شویم یا ایران‌پرست و پان‌ایرانیسم باشیم، بلکه هویت ایرانی را کشف کنیم که هیچ شباهتی با نژادپرستی و قوم‌گرایی و ناسیونالیسم ندارد، بلکه توجه به هویت حریرگونه ایران به‌مثابه جهانی در میان جهان بدون روح مدرن است که روحی زنده و پویا دارد که هرگز از پا ننشسته است و درعین‌حال که ایرانی است، اسلامی است و درعین‌حال که اسلامی است، جهانی است و خیر و نیکی را برای جهان می‌خواهد. خواست او سعادت کل بشریت است. این هویت نشان عالمی فوق فرهنگ است، بلکه فرهنگ را در خود دارد تا به هدفی متعالی برسد. آن عشق‌بازی با عنصر انس و انسانیت است که انسان ایرانی را به این باور رسانده که وظیفه‌ای بر دوش دارد که آن نه‌تنها رسالت اوست، بلکه اصالت اوست تا اولا ایران و ثانیا جهان بشریت را از پس هر ویرانی ققنوس‌وار از خاکستر خود برانگیزد و روزگار آباد و آزاد را به ارمغان آورد.

آری ما درباره هویت ایرانی «ناظر نگران» هستیم یا لابد باید باشیم. ازاین‌رو زبان ما هم زبان نقد است و هم زبان ستایش، بلکه زبان حکمت است، تا به ایرانیان نهیب زنیم و از وضع موجود- که دشمن ماست- برهانیم و او را به حرکت تحولی واداریم تا در زیر سیل بنیان‌برافکن جهان آشوبناک کنونی که جز ستم و فساد را نمی‌شناسد و جهان توهم و توهمات مضاعف است، دچار غفلت نشویم و زیر خروارها زر و زور و تزویر مدفون نشویم و به‌سوی وضع موعود رهسپار شویم.

این درسی است که از اسلامی‌ندوشن آموختم. آری او معلم بود و می‌گفت: «بیاموزید اما در معلم خود متوقف نشوید و روی شانه‌های او سوار نشوید، بلکه افق را پیدا و حرکت کنید.»

خدایش رحمتش کند.

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

تصاویر جدید انصارالله از کشتی اسرائیلی همزمان با بی‌سابقه‌ترین حمله موشکی به تل‌آویو
منجر به دست‌بالای مقاومت در مذاکرات آتش‌بس می‌شود

عصای موسی

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

بالاخره بعد از ۴۵ روز از آغاز عملیات طوفان الاقصی و حملات صهیونیست‌ها به غزه به نظر می‌رسد آنها ناچار به پذیرش وقفه‌ای بشردوستانه خواهند شد تا بخشی از اسرای اسرائیلی آزاد شود و کمی از فشار افکار عمومی دنیا روی خود را کم کنند. احتمالا بخشی از مفاد این توافق نیز ناظر به آزادی اسرای صهیونیست و کم کردن محاصره غزه برای ورود دارو و سوخت اتفاق خواهد افتاد. به نظر می‌رسد شرایط آن‌طور که مورد انتظار صهیونیست‌ها بود پیش نرفت. درحالی‌که عملیات زمینی به غزه و ورود به بیمارستان الشفا نیز اسرائیلی‌ها را به هدف خود نرساند. به نظر می‌رسد صهیونیست‌ها مجبور خواهند شد آتش‌بس موقت را بپذیرند. برای بررسی استراتژی و پاسخ صهیونیست‌ها پای حرف منصور براتی و محسن فائضی دو نفر از کارشناسان حوزه اسرائیل نشسته‌ایم. مشروح این گفت‌وگوها را در ادامه می‌خوانید.

وقفه بشردوستانه در غزه دستور کار غربی‌ها

براتی، کارشناس مسائل اسرائیل ضمن محتمل دانستن برقراری یک آتش‌بس موقت به این موضوع تاکید کرد که غربی‌ها به دنبال تحقق یک وقفه بشردوستانه و نه آتش‌بس به مفهوم واقعی آن هستند. وی افزود: «به نظر می‌رسد زمینه‌ها برای دست‌کم یک وقفه در جنگ در حال فراهم شدن است، مساله‌ای که برای غربی‌ها و در فضای بین‌المللی تعیین‌کننده است، این است که رژیم صهیونیستی جنگ را آغاز نکرده و این حماس بوده که جنگ را آغاز کرده است، در کنار همین ماجرا کشورهای غربی از جمله بریتانیا، آلمان و آمریکا تاکید می‌کنند که نباید آتش‌بس برقرار شود؛ چراکه آتش‌بس توافقی کلی است و به توقف جنگ اشاره دارد که معطوف به مذاکرات ترک مخاصمه است، یعنی بعد از برقراری آتش‌بس، بناست اولا طولانی باشد و اینکه مذاکرات ترک مخاصمه بین دو طرف آغاز شود، به همین خاطر از این مفهوم استفاده نمی‌شود. اما چون فعلا قرار نیست چنین مذاکراتی در دستورکار اسرائیل باشد، چون حماس شروع‌کننده جنگ است و از نظر غربی‌ها باید تنبیه بشود، فعلا از این مفهوم استفاده نمی‌شود و از مفهوم وقفه بشردوستانه، استفاده می‌کنند.»

قطعنامه شورای امنیت؛ زمینه‌ساز برقراری وقفه بشردوستانه در جنگ غزه

براتی تصویب قطعنامه اخیر شورای امنیت را زمینه‌ساز برقراری آتش‌بس موقت اخیر میان رژیم صهیونیستی و حماس دانست و گفت: «در روز ۱۶ نوامبر (۲۴آبان) اتفاقی که افتاد این بود که بالاخره بعد از چهار قطعنامه که شورای امنیت سازمان ملل درمورد آن رای‌گیری می‌کرد و هیچ کدام رای نیاورد و همه به یک دلیلی وتو شده بودند، یک قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل رای آورد که یک قطعنامه غیرسیاسی بود و همه طرف‌ها از آن حمایت کردند و فقط چند عضو شورای امنیت به آن رای خنثی دادند. تاکید این قطعنامه روی وقفه‌های بشردوستانه فوری و طولانی‌مدت است. این قطعنامه زمینه را برای اینکه یک توقفی در جنگ به وجود بیاید، فراهم کرده و در واقع زمینه و اساس بحث‌های بعدی بین کشورهای مختلفی که در حال تاثیرگذاری هستند و همچنین بین رژیم صهیونیستی و حماس برای تحقق آتش‌بس فراهم آورده است.» براتی در ادامه به مفاد وقفه در جنگ رژیم صهیونیستی و غزه هم اشاره کرد و گفت: «به نظر می‌رسد که دو طرف در حال توافق بر موضوعاتی هستند و فعلا یک توافق کلی به دست آمده و درمورد ریز مسائل هنوز توافقاتی صورت نگرفته است. درمورد مفاد این توافق، مسائلی از جمله آزاد شدن ۵۰ تا ۸۷ نفر از افرادی که به اسارت گروه‌های فلسطینی درآمدند مطرح است و باید ببینیم که نهایتا چه تعدادی از این افراد در این بازه آزاد می‌شوند که گفته می‌شود کلا ۲۴۰ نفر اسیر هستند که بین ۵۰ تا ۸۷ نفر آنها احتمالا آزاد می‌شوند. قرار است ۳۴ نفر از خارجی‌هایی که به اسارت درآمده‌اند و ۵۳ اسرائیلی آزاد شوند. ممکن است از این تعداد در فاز اول تعداد کمی آزاد شوند. در ازای آزادی افراد قرار است دو طرف پنج روز جنگ را متوقف کنند، کمک‌های بشردوستانه زیادی از جمله سوخت و غذا وارد غزه شود و یک تعدادی از فلسطینی‌هایی که در این مدت توسط صهیونیست‌ها زندانی شدند آزاد شوند که عمده آنها قرار است زنان و کودکان باشند و تعدادی هم زندانیان امنیتی هستند که در این مورد هنوز تعداد مشخص نشده است. زمینه بحث درمورد قطعنامه شورای امنیت به دست آمده و در دست‌کم یک هفته یا ۱۰ روز آینده این وقفه را در جنگ خواهیم داشت و احتمالا اولین وقفه در جنگ رژیم صهیونیستی با غزه به وجود خواهد آمد.»

براتی درباره تاثیری که این وقفه بشردوستانه بر جنگ و سرنوشت آن خواهد گذاشت، گفت: «دو تحلیل درمورد تاثیر وقفه بشردوستانه بر جنگ مطرح است که ما نمی‌دانیم کدامش محقق می‌شود اما احتمال محقق شدن یکی از آنها بیشتر است. تحلیل اول این است که رژیم صهیونیستی با آتش‌بس موقت موافقت کرده و تا حدی از زیر فشارهای حقوق‌بشری بیرون بیاید. پس از آن اسرائیل با اقتدار و شدت عمل بیشتری جنگ را ادامه می‌دهد. تحلیل دوم این است که پس از ایجاد وقفه در جنگ ایده طولانی کردن آتش‌بس پیگیری شود. این وقفه به این معنا نیست که صرفا قرار است پنج روز جنگ متوقف شده و پس از آن درگیری‌ها از سر گرفته شود. در آن مدتی که وقفه در جنگ ایجاد می‌شود فشارهای بین‌المللی زیاد شده و تلاش طرف‌هایی که این وقفه را به وجود آوردند یعنی آمریکایی‌ها، قطری‌ها و مصری‌ها خیلی زیاد خواهد شد برای اینکه بین دو طرف یک فضای گفت‌وگو و مذاکره به وجود بیاید. وقتی که این وقفه به وجود بیاید چنین گفت‌وگویی آسان‌تر است چون دو طرف یک مقداری در برخی حوزه‌ها به توافق رسیده‌اند. مثلا برخی اسرا آزاد شده و در قبالش یک سری کمک‌ها به غزه می‌شود. برای همین احتمالا تحلیل دوم درست است و تاثیر این وقفه بشردوستانه روی جنگ این است که بازگشت به آن سخت‌تر شده و هزینه‌های آن از نظر حیثیتی برای رژیم صهیونیستی زیادتر می‌شود. لذا احتمال این وجود دارد که این وقفه بعد از پنج روز تمام نشده و بیشتر تمدید شود تا اینکه فضا برای یک آتش‌بس طولانی‌تر آماده شود.»

گسترش جبهه‌های جنگ با راهبرد اسرائیلی‌ها جور نیست

براتی در ادامه اشاره‌ای به موضوع توقیف کشتی اسرائیلی توسط یمنی‌ها و رفتار صهیونیست‌ها با این اتفاق کرد و گفت: «هدف در این اقدام این است که مقداری راهبرد وحدت بین میدان‌ها که در یکی دو سال اخیر و بعد از ۲۰۲۱ میان گروه‌های مقاومت درباره آن صحبت می‌شد، محقق شود، یعنی بخش‌های مختلف محور مقاومت هر کدام به فراخور وضعیت و توانمندی‌هایی که دارند سهمی در مقابله با رژیم صهیونیستی به عهده بگیرند. مثلا در این جنگ حزب‌الله تا یک سطحی ورود می‌کند، یمنی‌ها تا یک سطحی، گروه‌های عراقی در یک سطح دیگر ورود می‌کنند. اقداماتی که یمنی‌ها انجام می‌دهند، باید در این بازه تحلیل و ارزیابی شود، یعنی درصدد هستند که سطحی از راهبرد را محقق کنند اما سهم یمنی‌ها خیلی زیاد نیست و گرفتن این کشتی بیشتر تاثیر نمادین دارد برای اینکه تمرکز اسرائیلی‌ها بر جبهه‌های جنگ کمتر شود اما تاثیر مستقیمی نمی‌تواند روی جنگ و جبهه جنگ داشته باشد و احتمالا صهیونیست‌ها هم همان‌طور که تا الان واکنش مستقیمی به یمنی‌ها نشان ندادند، در ادامه هم نشان نخواهند داد؛ چراکه در شرایط فعلی، گسترش جبهه‌های جنگ با راهبرد اسرائیلی‌ها جور نیست و با منافع‌شان هماهنگی ندارد و آنها می‌خواهند هرطور شده از ورود طرف‌های ثالث به جنگ جلوگیری کنند؛ حالا این طرف ثالث چه ایران باشد، چه حزب‌الله یا هر طرف دیگری که بخواهد جانب فلسطینی‌ها را بگیرد، چون در این صورت اینها نمی‌توانند بر غزه و جبهه‌های جنگ تمرکز داشته باشند و به همین خاطر احتمالا صهیونیست‌ها تلاش خواهند کرد این مساله را از طریق آمریکایی‌ها و فشار آنها حل کنند و بعید است بخواهند حمله‌ای به یمن داشته باشند.»

حمله رژیم صهیونیستی به مدارس و بیمارستان‌ها با هدف ایجاد شکاف میان مردم غزه و حماس

سردرگمی صهیونیست‌ها در وهله اول و تعیین استراتژی آنها برای ادامه جنگ موضوعی بود که براتی در ادامه به آن اشاره کرد و توضیح داد: «در روزهای اول جنگ، این سردرگمی واقعا وجود داشت به دلیل اینکه ضربه‌ای که رژیم صهیونیستی دریافت کرده بود، ضربه استراتژیکی بود و اساسا آمادگی پذیرش این ضربه را نداشت و غافلگیر شده بود؛ مثل یک حیوان زخم‌خورده به خود می‌پیچید و به طرف مقابل حملات کور می‌کرد در مورد روزهای اول می‌شود این موضوع را مطرح کرد اما در ادامه جنگ، اهداف اصلی صهیونیست‌ها مشخص شد؛ گفته می‌شود از بین بردن حماس هدف بود، خود صهیونیست‌ها هم می‌دانند کار بسیار سختی است اما نمی‌شود چنین چیزی را مطرح نکرد. مثلا در روزهای اول پرواضح بود که آنها به غزه حمله زمینی خواهند داشت. با اینکه ۲۱ روز طول کشید تا صهیونیست‌ها بخواهند حمله زمینی علیه غزه را آغاز کنند. در حال حاضر به نظر می‌رسد حمله به این مراکز مثل مدارس و بیمارستان‌ها یکی از اهدافش این بود که رژیم صهیونیستی اقداماتی را رقم بزند که مردم، در غزه مخالف گروه‌های مقاومت بشوند. یعنی این تصور شکل بگیرد که گروه‌های مقاومت حمله کردند و ضربه‌ای به اسرائیل زدند و حالا ما داریم تاوان آن را می‌دهیم. حتی به بیمارستان حمله می‌کند، به مدارس سازمان ملل حمله می‌کنند و هیچ حد و حصری ندارد و آن را آگاهانه انجام می‌دهند. هدف دوم این است که تعداد تلفات فلسطینی تا می‌تواند زیاد شود. وقتی ۱۵۰۰ اسرائیلی کشته شده، حالا باید ۱۰ برابر این یا حتی بیشتر از آن فلسطینی کشته شود، تا رژیم صهیونیستی بتواند هم در داخل، در برابر جامعه و هم در برابر خارجی‌ها، برتری خود را حفظ کند. فعلا گفته می‌شود که تلفات طرف فلسطینی به حدود ۱۲هزار نفر رسیده است. رفتار صهیونیست‌ها نشان می‌دهد به دنبال افزایش تلفات فلسطینی‌هاست و انتظار می‌رود این عدد به ۱۵هزار نفر برسد و ممکن است تا ۲۰ هزار نفر افزایش پیدا کند، به این دلیل که اسرائیلی‌ها نمی‌توانند پاسخگوی جامعه خودشان و کشورهای دیگر باشند که خیلی روی قدرت و دستگاه امنیتی و نظامی اسرائیل و ارتش آن حساب باز می‌کردند. برای همین باید کشته‌شدگان فلسطینی‌ها خیلی زیادتر از این حد بشود و این یکی از اهداف استراتژیک صهیونیست‌هاست.»

هدف فعلی رژیم صهیونیستی افزایش تلفات فلسطینی‌ها و اشغال بخش‌هایی از نوار غزه است

هدف بعدی صهیونیست‌ها از ادامه درگیری‌ها، اشغال بخش‌هایی از نوار غزه بود، براتی در توضیح این هدف اسرائیلی‌ها گفت: «مساله بعدی این است که اسرائیل می‌خواهد یک منطقه حائلی در شمال نوار غزه ایجاد کرده و یک محدوده عملیاتی را در شمال نوار غزه تعریف کند. به همین جهت عمده عملیات زمینی خود را به این منطقه معطوف کرد که از شمال غزه تا محله وادی غزه شامل می‌شود. اسرائیل اعلام کرد که فلسطینی‌ها از این محدوده خارج شوند و به مناطق جنوبی‌تر بروند. هدف این بود که این اقدام برای آنها آسان‌تر بشود. تقریبا تا این لحظه از این محدوده شمالی نوار غزه چیزی حدود ۳۰ درصد به تصرف اسرائیلی‌ها درآمده و روند پیشروی صهیونیست‌ها با سرعت پایین و با تلفات نسبتا بالا به نسبت قبل از شروع حمله زمینی، ادامه دارد. احتمالا صهیونیست‌ها می‌خواهند این محدوده شمالی را تصرف کنند و اگر موفق شدند، در محدوده جنوبی هم کلیه بخش‌های مجاور مرز خودشان با غزه را به تصرف دربیاورند اما ممکن است که نتوانند در هیچ‌کدام از این موارد موفق شوند. باید ببینیم که روند عملیات بین دو طرف چگونه پیش می‌رود و نیروهای مقاومت چقدر می‌توانند جنگ را فرسایشی کرده و مانع پیشروی صهیونیست‌ها بشوند؛ اگرچه آنها در اشغال یک منطقه موفق شدند، اما اینکه برای بعد از اشغال چه برنامه‌ای دارند ابهام وجود دارد که آیا می‌توانند آن را حفظ کنند یا مثل جنگ ۳۳ روزه که سال ۲۰۰۶ آمدند و محدوده‌ای را اشغال کردند و نهایتا مجبور شدند از این مرزها خارج شوند، مجبور می‌شوند این منطقه را در ادامه ترک کنند. بنابراین این تصور که رژیم صهیونیستی استراتژی مشخصی ندارد، در این برهه از جنگ اصلا صحیح نیست. صهیونیست‌ها استراتژی مشخصی را دنبال می‌کنند که بخش‌هایی از آن گرفتن تلفات و اشغال بخش‌هایی از غزه است.»

سیاست‌های رژیم صهیونیستی باعث افزایش محبوبیت حماس شده است

ضربه وارد کردن به حماس هدف دیگری بود که صهیونیست‌ها در بلندمدت به دنبال تحقق آن هستند. این کارشناس مسائل اسرائیل در این رابطه گفت: «هدف بلندمدت رژیم صهیونیستی این است که ضربه بزرگی به حماس بزند و اگر توانست حماس را از غزه بیرون کند. از بین بردن حماس غیرممکن است چون طرفداران زیادی در غزه دارد و رفتار و سیاست‌های اسرائیل در سال‌های اخیر باعث افزایش محبوبیت حماس شده است. یعنی اگر رژیم صهیونیستی می‌خواهد محبوبیت حماس کم شود، باید می‌آمد و به رقیب حماس، یعنی تشکیلات خودگردان، امتیازات بیشتری می‌داد ولی دقیقا اقداماتی انجام داده که مردم فلسطین چه در کرانه باختری چه در غزه بیش از پیش به سمت ایده مقاومت کشیده می‌شوند و ایده صلح و سازش در طول این سال‌ها بیشتر از رونق افتاده تا اینکه مردم بخواهند طرفدار آن بشوند. در بلندمدت صهیونیست‌ها مایل هستند که حماس کلا از معادلات غزه و فلسطین حذف شود و یا یک نیروی مختلط عربی با نظارت اردن و مصر جایگزین آن شود. آنها اگر بخواهند امتیاز زیادی به فلسطینی‌ها بدهند، نهایتا قائل به این هستند که تشکیلات خودگردان با حمایت و نظارت بین‌المللی و آمریکا در غزه و بخشی از غزه حاکمیت را به عهده بگیرد.»

علیرضا تقوی‌نیا، کارشناس مسائل منطقه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

جنگ تازه شروع شده و جبهه‌های دیگری هم علیه رژیم صهیونیستی گشوده می‌شود

بعد از گذشت بیش از ۴۰ روز از آغاز تهاجم رژیم صهیونیستی به غزه این رژیم همچنان نتوانسته به دستاورد بزرگی دست یابد اما ترجیح داده تمام وجهه خود را در برابر افکار عمومی جهان تخریب کرده تا بلکه بتواند برای خود پیروزی بسازد. برای بررسی اینکه رژیم صهیونیستی از تداوم جنایات بی‌حاصل چه هدفی را مد نظر قرار داده، با علیرضا تقوی‌نیا، کارشناس مسائل منطقه به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. تقوی‌نیا معتقد است: «جنگ تازه شروع شده، خیلی طول می‌کشد، تلفات شدیدی دارد، جبهه‌هایی جدیدی علیه اسرائیل باز خواهد شد و این نشان می‌دهد که وضعیت اسرائیل روزبه‌روز به سمت وخامت می‌رود. مقاومت دارد هر روز برگ برنده‌های جدیدی رومی‌کند و معلوم نیست که تاب‌آوری اسرائیل تا چه میزانی ادامه پیدا کرده و جبهه داخلی اسرائیل اعم از اقتصادی و نظامی بتواند این جنگ را تحمل کند.» مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت رژیم صهیونیستی از تداوم جنگ غزه چگونه قابل دسته‌بندی است و این رژیم تا چه حدی توانسته اهداف خود را پیش ببرد؟

اسرائیل یک ضربه خیلی راهبردی را در ۷ اکتبر متحمل شد که من معتقدم بخش عمده آن هم روانی بود، یعنی مردم ساکن این رژیم انگاره‌های حاکم بر ذهن‌شان تغییر کرده و متوجه شده‌اند که دستگاه امنیتی آنها نمی‌تواند به نحو مطلوب از آنها حمایت کند. ضربه عملیات حماس به صهیونیست‌ها چنان سهمگین بود که جز با نابودی کامل این گروه مقاومت و نابودی کامل غزه جبران نمی‌شود. اسرائیل برای تغییر این ذهنیت چند گام تعریف کرد. گام اول این بود که قابلیت‌های نظامی حماس را از بین ببرند. اسرائیلی‌ها چون غافلگیر شدند، نتوانستند هدف دقیقی را برای خودشان تعیین کنند. آنها تا ۲۰ روز اول گیج بودند و نتوانستند خودشان را برای آغاز حمله زمینی جمع‌وجور کنند. بعد از آغاز حمله زمینی هم چند هدف را تعیین کردند. در گام اول می‌خواستند شلیک راکت‌ها را متوقف کنند تا فشار جبهه داخلی سیاسی کم شود. بعد از آن می‌خواستند اسرا را آزاد کنند و نهایتا هم حماس را از بین ببرند. تاکنون هیچ‌یک از این اهداف محقق نشده است. نه پرتاب راکت‌ها متوقف شده، نه اسرا آزاد شدند و نه حماس از بین رفته است. هر نتیجه‌ای از این جنگ به جز نابودی حماس، اسرائیل بازی را باخته است. اسرائیل ناچار است حماس را نابود کند تا بتواند ادعا کند که ۷ اکتبر دیگر تکرار نخواهد شد. لذا معتقدم که اهداف اولیه نظامی اسرائیل محقق نخواهد شد.

علی‌رغم عدم تحقق اهداف رژیم صهیونیستی، حملات این رژیم همچنان تداوم یافته است. دلیل این امر را چه می‌دانید؟

خود اسرائیلی‌ها هم نمی‌دانند دارند چه کار می‌کنند. آنها با هر هزینه‌ای می‌خواهند غزه را تصرف کرده و حماس را نابود کنند تا یک بار برای همیشه تکلیف این قضیه مشخص شود. باور شخصی من این است که اسرائیل تازه دارد وارد جنگ اصلی می‌شود. اسرائیل در مناطق شهری به‌طور جدی ورود نکرده بود. اسرائیل هنوز نتوانسته وارد شهر شود و در اطراف غزه مستقر است. آنها هنوز وارد منطقه شهری نشده و سعی داشتند از ورود به بیمارستان الشفا برای خودشان دستاورد بسازند. بعد از تصرف بیمارستان دیدند که هیچ چیز به درد بخوری در آن وجود ندارد که بتوانند روی آن مانور داده و تبلیغات کنند. نه اسیری هست، نه تونلی وجود دارد و نه سران حماس آنجا هستند. این یک شکست خیلی سنگین روانی و اطلاعاتی برای اسرائیلی‌ها بود.

با وجود این شکست این رویه تا چه زمانی قرار است ادامه پیدا کند؟

جنگ تازه شروع شده، خیلی طول می‌کشد، تلفات شدیدی دارد، جبهه‌هایی جدیدی علیه اسرائیل باز خواهد شد و این نشان می‌دهد که وضعیت اسرائیل روزبه‌روز به سمت وخامت می‌رود. نکته دیگری که باید عرض کنم این است که مقاومت دارد هر روز برگ برنده‌های جدیدی رومی‌کند و معلوم نیست که تاب‌آوری اسرائیل تا چه میزانی ادامه پیدا کرده و جبهه داخلی اسرائیل اعم از اقتصادی و نظامی بتواند این جنگ را تحمل کند.

اینکه رژیم صهیونیستی توانسته در بخش‌هایی از خاک غزه نفوذ کند، باعث ترغیب اسرائیل به گسترش نبرد نخواهد بود؟

اسرائیل به هیچ یک از اهدافی که تعیین کرده بود نرسید. یعنی نتوانست غزه را بگیرد و تونل‌های حماس را نابود کند. قرار بود مردم غزه را به مصر کوچ اجباری بدهد که آن هم محقق نشد. مردم غزه حاضر نشدند به مصر بروند و در جنوب نوار غزه باقی ماندند. همچنین تلفات بالایی رژیم داده است. لذا این رژیم نه به اهداف کوتاه‌مدت خود رسیده و نه به بلندمدت. دارد بلاهای بیشتری هم سر رژیم می‌آید. بنابراین، این رژیم تا به الان شکست خورده است. هیچ‌گونه شاخصی که ما بتوانیم براساس آن اعلام کنیم اسرائیل دستاورد داشته، وجود ندارد. حتی یک اسیر توسط جهاد اسلامی و حماس آزاد نشده است. هیچ کدام از فرماندهان شاخص حماس هم کشته نشده‌اند، لذا اسرائیل ناچار است جنگ را طولانی کند تا با دستاورد خارج شود اما تحقق یک دستاورد مناسب که نتانیاهو بتواند به افکار عمومی رژیم عرضه کند، ممکن است ماه‌ها طول بکشد. در این مدت امکان وقوع اتفاقات دیگری نیز وجود دارد و جبهه مقاومت هر آن ممکن است برگ برنده جدیدی رو کند. اتفاق دیروز در یمن اتفاق کوچکی نبود و من فکر می‌کنم که رژیم صهیونیستی تاب‌آوری این را ندارد که ماه‌ها جنگ را به شیوه فعلی ادامه دهد.

اگر جنگ در همین وضعیت متوقف شود چه نتایجی برای صهیونیست‌ها دارد؟

مشکل اسرائیل اینجاست که آقای نتانیاهو نخست‌وزیرش قدرت را خیلی دوست دارد و نمی‌خواهد از آن کناره‌گیری کند. اگر جنگ در شرایط فعلی تمام شود نتانیاهو باید استعفا دهد. حتی بعضی از اعضای حزب لیکود رسما اعلام کردند که به نتانیاهو رای اعتماد نخواهند داد. بنابراین نتانیاهو جنگ را ادامه می‌دهد و سعی می‌کند به زعم خودش دستاوردی کسب کند. این امر اما ممکن است به قیمت متحمل شدن آسیب‌های راهبردی برای رژیم تمام شود. من معتقدم آتش‌بس پنج روزه چیزی است که آمریکا برای کاستن فشار از روی خود به دنبال آن است، چه در افکار عمومی و چه در منطقه که محور مقاومت دارد به خاطر جنایت رژیم صهیونیستی به آمریکا حمله می‌کند. خود آتش‌بس نیز نشانه شکست است.

چرا نتانیاهو ایده تبادل اسرا را برنمی‌تابد؟ برنامه او برای مدیریت پساجنگ غزه چیست؟

اگر اسرای غیرنظامی فلسطینی با اسرای صهیونیستی تبادل شوند، شکست بزرگی برای نتانیاهویی خواهد بود که اعلام می‌کرد هیچ‌گونه مذاکره‌ای برای تبادل اسرا نخواهد داشت. نتانیاهو فعلا دارد منافع شخصی‌اش را به منافع رژیم صهیونیستی ترجیح می‌دهد. هدف نهایی آنها این است که بتوانند غزه را کنترل کرده و مردمش را به مصر کوچ دهند. با کشورهای عربی همچون امارات و عربستان سعودی نیز تا حدی توافق کرده‌اند اما مصر هنوز قبول نکرده است. دنبال این هستند که غزه به یک منطقه آزاد و بی‌طرف تبدیل شود تا برای اسرائیل تهدیدی نباشد.

این منطقه بی‌طرف را چه کسی مدیریت می‌کند؟

ایده‌های مورد نظر آنها کنترل غزه توسط نیروهای سازمان ملل، آمریکا یا ائتلافی از کشورها است. اما بعید است که آنجا را به تشکیلات خودگردان بسپارند. چون اگر تشکیلات خودگردان در غزه باشد، مردم غزه هم باید باشند، درحالی‌که رژیم صهیونیستی به دنبال بیرون کردن حماس است. وقتی می‌گوییم تشکیلات خودگردان اداره‌کننده باشد، یعنی مردم باشند اما حماس نباشد. اما اسرائیل می‌گوید تا زمانی که مردم آنجا باشند، حماس هم خواهد بود.

این امکان وجود دارد که به بهانه اتفاقات غزه و ناآرامی‌های کرانه باختری رژیم صهیونیستی ایده گرفتن مدیریت کرانه باختری از تشکیلات خودگردان را مطرح کند؟

نه بعید است، چون جمعیت فلسطینی‌های کرانه باختری ۳٫۵ میلیون نفر است و رژیم صهیونیستی همین الان هم برای اداره آنجا با مشکل روبه‌رو بوده و نیاز به حضور تشکیلات خودگردان دارد. بنابراین بعید است که بخواهد چنین کاری را انجام دهد چون کرانه غربی یک منطقه صددرصد اشغالی است و دنیا خواهان عقب‌نشینی اسرائیل است اما اسرائیل با همین شیوه کژ دار و مریزش از طریق ارتباط با تشکیلات خودگردان، دارد اعتراضات دنیا و حتی بخشی از جامعه فلسطینی کرانه باختری را کنترل می‌کند.

ادامه در صفحه ۷

مخترع جوان واحد کرج در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از مسیر پرفراز و نشیب علمی خود می‌گوید

باشگاه پژوهشگران بستر خوبی برای شروع نوآوری است

فرهیختگان
دانشگاه
سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲ | شماره ۴۰۱۳ | WWW.FDN.IR

معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد در نشست خبری همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها»:

باید تعامل سازنده‌ای با دانشگاه‌های جریان مقاومت برقرار کنیم

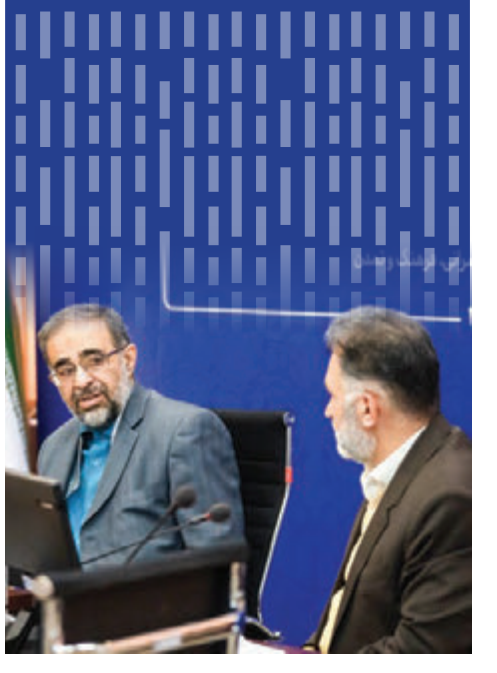

آخرین آمارهای سامانه «آک» ایرانداک درباره وضعیت کتابخانه‌ها چه می‌گوید؟

کتابخانه‌های دانشگاهی آب رفتند!

«فرهیختگان» از شرایط کتابخانه‌های دانشگاهی پایتخت بعد از دوران همه‌گیری کرونا گزارش می‌دهد

سالن‌های مطالعه رونق گرفت امانت کتاب کساد شد

برگزیدگان سی‌امین جشنواره سال دانشجویی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» خواستار شدند

از دانشجویان دست به قلم حمایت کنید

عکس: نسترن داجو | فرهیختگان

گزارش

آخرین آمارهای سامانه «آک» ایرانداک از وضعیت کتابخانه‌ها چه می‌گوید؟

کتابخانه‌های دانشگاهی آب رفتند!

ابوالفضل مظاهری
دبیرگروه دانشگاه

سامانه آمار کتابخانه‌ها (آک) که به‌عنوان نخستین سامانه پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) شناخته می‌شود، سالانه آخرین آمار وضعیت کتابخانه‌های فعال در مراکز آموزش عالی کشور را گزارش می‌دهد با این حال هنوز کتاب آمار کتابخانه‌ها در سال تحصیلی گذشته توسط این مجموعه منتشر نشده است. بررسی آمار سامانه ایرانداک ابهامات مختلفی را درباره وضعیت فعلی کتابخانه‌ها در دانشگاه‌ها نشان می‌دهد. صرف نظر از دوگانگی برخی آمارهای اعلامی، روند نزولی برخی شاخص‌ها عجیب و قابل تامل به نظر می‌رسد. شمار کتاب‌های فارسی مرجع و غیرمرجع، مساحت کتابخانه‌ها و سالن‌های مطالعه و حتی تعداد صندلی‌های اختصاص یافته به مراجعان همه در آمار اعلامی مربوط به سال گذشته نزولی است. البته تعداد نسخ خطی و تعداد امانت کتاب رشد قابل توجهی داشته است. درخصوص هزینه‌کرد کتابخانه‌ها هم آماری در دسترس نیست. این وضعیت نخست نیازمند شفاف‌سازی از سوی ایرانداک است تا صحت آمار منتشرشده در سامانه را تایید کند. بعد از آن به نظر باید با دقت بیشتری برای اوضاع نه چندان مناسب کتابخانه‌ها فکری کرد.

چند کتابخانه فعال در دانشگاه‌ها داریم؟

براساس آمار سامانه، ۱۱۰ کتابخانه دانشگاهی فعال در دانشگاه‌ها وجود دارد. از این تعداد ۵۰ کتابخانه «مرکزی» هستند. ۲۷ مورد به شکل دانشکده‌ای فعالند، ۱۵ مورد در حوزه‌های خاصی تخصصی‌اند و مابقی پژوهشی هستند. آن‌گونه که سامانه «آک» گزارش داده، ۵۵۳ نفر در کتابخانه‌های دانشگاه‌ها مشغول به فعالیتند که از این تعداد ۲۹۹ نفر در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی که اخیرا با عنوان علم اطلاعات و دانش‌شناسی هم شناخته می‌شود، تحصیل کردند و الباقی -منهای ۴۷ نفر دیپلمه و زیر دیپلم- دانشجوی سایر رشته‌های دانشگاهی بودند. آمار کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ها هم به سه میلیون عنوان می‌رسد که بیش از دوسوم آن یعنی دو میلیون و ۱۸۲ هزار و ۱۹۲ عنوان، کتاب‌های فارسی هستند. ۸۳۶ هزار عنوان کتاب انگلیسی هم در کتابخانه‌ها وجود دارد و الباقی را زبان‌های دیگر تشکیل می‌دهند. حدود ۲۴۳ هزار پایان‌نامه کارشناسی ارشد و حدود ۲۵ هزار رساله دکتری هم در این مراکز وجود دارد. البته آمار بخش نگاه کلی با بخش روند آمار کتابخانه‌ها تفاوت جدی دارد. مثلا شمار کتاب‌های فارسی غیرمرجع چاپی دو میلیون و ۶۳۰ هزار عنوان را نشان می‌دهد که ۱۴۴ هزار عنوان از سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ کمتر است. البته آمار کتاب‌های غیرمرجع انگلیسی‌زبان کمی رشد داشته و از یک میلیون و ۴۸۲ هزار عنوان به یک میلیون و ۴۹۳ هزار در سال تحصیلی گذشته رسیده است. روند شمار کتاب‌های مرجع چاپی هم مشابه غیرمرجع‌هاست. تعداد کتب فارسی با کاهش محسوسی به یک میلیون و ۹۷۳ هزار رسیده و در کتاب‌های انگلیسی با حدود ۱۰ هزار عنوان رشد نسبت به سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به ۳۰ هزار و ۸۱۷ عنوان کتاب افزایش یافته است. شمار نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های دانشگاهی در طول چهار سال اخیر هم روند رو به رشدی داشته است. در سال تحصیلی گذشته ۴۷ هزار و ۹۹۳ عنوان نسخه خطی در دانشگاه‌ها نگهداری می‌شده که نسبت به سال قبلش حدود ۸ هزار نسخه بیشتر شده است.

تعداد اعضای کتابخانه‌ها سالی ۵۰ هزار نفر کمتر می‌شود

بررسی روند آمار کتابخانه‌ها در سامانه «آک» روند عجیبی را نشان می‌دهد. اگر آمار اعلامی این بخش از سامانه درست باشد، شمار صندلی‌های کتابخانه‌ها در شیب نزولی خود از ۳۷ هزار صندلی در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ به ۲۶ هزار در سال تحصیلی گذشته رسیده است. مساحت تالارهای مطالعه هم از ۹۲ هزار مترمربع سال گذشته به عدد ۶۶ هزار و ۳۸۲ مترمربع رسیده است. این روند در مساحت کل عرصه (زمین) و مساحت کل اعیان (ساختمان) به شکل مشابهی دیده می‌شود. در واقع به نظر می‌رسد تعدادی از کتابخانه‌ها از دسترس خارج یا تغییر کاربری داده شده و از شمول محاسبه در گزارش سامانه خارج شدند که عجیب به نظر می‌رسد. اوضاع و احوال نه چندان رو به راه کتابخانه‌ها در نمودار تعداد اعضای کنونی هم با شیب تندی خودنمایی می‌کند. تعداد اعضای کتابخانه‌ها از ۸۱۴ هزار نفر در سال ۹۷-۹۶ به ۵۶۴ هزار نفر در سال تحصیلی قبل کاهش یافته و تعداد اعضایشان ۲۵۰ هزار نفر کمتر شده است. با وجود کاهش تعداد اعضا اما جمع کل امانت کتاب به مراجعان صعودی است و در طول یک سال ۴۵۲ هزار جلد بیشتر شده است. سال گذشته دو میلیون و ۳۸۷ هزار جلد کتاب به مراجعان امانت داده شده است. روند آن در چهار سال گذشته افت‌وخیز داشته اما در سه سال اخیر روبه رشد بوده است.

معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد در نشست خبری همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها»:

باید تعامل سازنده‌ای با دانشگاه‌های جریان مقاومت برقرار کنیم

نشست خبری نخستین همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» روز گذشته با حضور محمدهادی همایون معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد و اکبر نصراللهی دبیر همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» در سازمان مرکزی دانشگاه آزاد برگزار شد.

محمدهادی همایون در ابتدای این نشست با محکوم کردن حملات رژیم صهیونیستی به غزه، گفت: «اکنون در یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ بشر و آنچه در ادبیات امروز انقلاب تحت عنوان «پیچ تاریخی» مطرح است، قرار داریم. روایت‌ها و بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که جهان امروز قبل و بعد از عملیات طوفان الاقصی متفاوت خواهد بود، بنابراین انتظار می‌رود که دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی واکنش بموقع نسبت به حوادث فلسطین داشته باشند و تبیین درستی از مسائل به جامعه ارائه کنند.» وی با بیان اینکه پرداختن به مساله غزه باید از جنس جهاد تبیین باشد، اظهار داشت: «دانشگاه‌ها باید درکنار تبیین حمله پیروزمندانه طوفان الاقصی و مظلومیت مردم غزه برای نخبگان و مردم، تعامل سازنده‌ای با جامعه، جریان مقاومت و کشورهای اسلامی برقرار کنند. به همین دلیل دانشگاه آزاد تصمیم گرفته پس از گذشت ۵۰ روز از وقایع غزه، همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» را برگزار کند.»

معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد خاطرنشان کرد: « این همایش بین‌المللی شامل مجموعه‌ای به‌هم پیوسته از سلسله نشست‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف مرتبط با غزه است که افتتاحیه آن ششم آذرماه و اختتامیه ان‌شاءالله همزمان با پیروزی اولیه غزه برگزار خواهد شد. درخلال افتتاحیه و اختتامیه این همایش، بیش از ۵۰ پنل تخصصی در واحدهای دانشگاه آزاد، دانشگاه‌های دولتی، اندیشکده‌ها و... برگزار خواهد شد.» وی با بیان اینکه دانشگاه آزاد جریان برخورد و تعامل علمی با حوادث غزه را آغاز خواهد کرد، گفت: «این همایش بین‌المللی با همکاری و مشارکت نهادهای علمی ازجمله دانشگاه امام حسین(ع)، دانشگاه امام صادق (ع)، واحدهای دانشگاه آزاد، اندیشکده مقاومت، انجمن علمی تمدن، رسانه‌ها و خبرگزاری‌های داخلی و بین‌المللی برگزار می‌شود.» معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد ادامه داد: «دانشگاه آزاد با نظام دانشی ویژه خود که در قالب دانشکدگان شکل گرفته، اقدام به برگزاری این همایش کرده است. سه دانشکدگان «هنر و رسانه»، «فرهنگ و تمدن» و «جامعه و حکمرانی» محوریت برنامه‌ریزی و اجرای این همایش را با دبیری اکبر نصراللهی رئیس دانشکدگان هنر و رسانه و دانشکده علوم اجتماعی ارتباطات و رسانه دانشگاه آزاد برعهده دارند.» در ادامه این نشست خبری، اکبر نصراللهی، رئیس دانشکدگان هنر و رسانه دانشگاه آزاد گفت: «آنچه امروز در غزه اتفاق می‌افتد، فقط جنگ نظامی نیست، بلکه شاهد یک جنگ رسانه‌ای، جنگ روایت‌ها و جنگ افکار و ایده‌ها هستیم. رژیم صهیونیستی و غرب با سانسور، حصر و محدودیت فعالیت خبرنگاران و رسانه‌ها در غزه، اقدام به انتشار اخبار روایت‌های جعلی می‌کنند. دانشگاه آزاد وظیفه خود می‌داند که در قالب برگزاری یک همایش بین‌المللی، به بررسی و بیان روایت‌ها و واقعیت‌های طوفان الاقصی و غزه بپردازد.» وی یکی از اهداف برگزاری همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» را تشکیل جبهه رسانه‌ای مقاومت عنوان کرد و افزود: «باید روایت‌های نادرستی را که از سوی رسانه‌های وابسته به غرب و رژیم صهیونیستی منتشر می‌شود، نقد و روایت‌های درست را منتشر کنیم.» اکبر نصراللهی تاکید کرد: «دانشگاه محل شناختن و شناساندن است. از این رو باید در قبال تحولات محیطی و بین‌المللی که مهم‌ترین رویکرد فعلی جهان مساله غزه است، حساس باشیم و تلاش کنیم ضمن شناخت واقعیت‌ها، آنها را برای مردم تبیین و تحلیل درستی از وقایع ارائه کنیم.» رئیس دانشکدگان هنر و رسانه دانشگاه آزاد با بیان اینکه یکی از ویژگی‌های همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها»، برگزاری سلسله نشست‌های تخصصی در حوزه‌های زنان و کودکان، حقوق بین‌الملل، رسانه، معماری، بهداشت و درمان و... است، گفت: «پس از برگزاری افتتاحیه این همایش، پنل‌های تخصصی با مشارکت بخش‌های علمی و پژوهشی در واحدهای دانشگاه آزاد و دیگر دانشگاه‌ها، انجمن‌های علمی و تخصصی و اندیشکده‌های مختلف برگزار خواهد شد. ویژگی دوم این همایش این است که نگاه رویدادی به مساله غزه ندارد و به‌صورت روندی و درازمدت به مسائل غزه می‌پردازد.» وی خاطرنشان کرد: «بسیاری از موضوعات راهبردی کشور و دنیا در قالب رویداد مورد توجه قرار می‌گیرد اما دانشگاه آزاد معتقد است اگر پرداختن به موضوع غزه را که یک موضوع مهم و راهبردی است استمرار دهد، می‌توان به یک تحلیل درست و دقیق دست یافت.» اکبر نصراللهی با بیان اینکه مساله غزه ابعاد وسیعی دارد و باید از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد، گفت: «همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» در پنج موضوع اصلی شامل «تحولات جاری غزه و ناگفته‌های طوفان الاقصی»، «اخلاق و جنگ»، «رسانه‌ها و تحولات غزه»، «دیپلماسی و تحولات غزه» و «تمدن و آینده فلسطین» برگزار خواهد شد.» رئیس دانشکدگان هنر و رسانه دانشگاه آزاد در پایان خاطرنشان کرد: «این همایش محدود به دانشگاه، تشکل یا نهاد خاصی نیست و دانشگاه آزاد تنها برگزارکننده آن خواهد بود. با تدبیر رئیس دانشگاه آزاد و معاون علوم انسانی و هنر این دانشگاه، همایش با مشارکت بخش‌های مختلف برگزار می‌شود و نمایندگانی از حماس، جهاد اسلامی، حزب‌الله، انصارالله و... در مراسم افتتاحیه حضور خواهند داشت.»

خبر

سرپرست دانشگاه آزاد استان همدان منصوب شد

محمدمهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد در حکمی غلامرضا خاکساری را به‌عنوان سرپرست دانشگاه آزاد استان همدان و واحد همدان منصوب کرد. خاکساری با مدرک دکتری تربیت بدنی و علوم ورزشی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد همدان است که پیش از این رئیس دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد همدان و معان آموزشی واحد همدان بوده، همچنین دکتر طهرانچی طی نامه‌ای جداگانه از تلاش‌های محمدعظیم خدایاری سرپرست سابق دانشگاه آزاد استان همدان قدردانی و برای وی آرزوی موفقیت کرد.

جزئیات برگزاری هفته پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اعلام شد

مجید مشکینی، معاون تحقیقات، فناوری و نوآوری دانشگاه آزاد دستورالعمل «برگزاری مراسم هفته پژوهش و فناوری سال ۱۴۰۲» را به روسای دانشگاه آزاد استان‌ها و واحدهای جامع مستقل ابلاغ کرد.

در این دستورالعمل آمده است: «با توجه به برنامه‌ریزی انجام‌شده برای برگزاری مراسم هفته پژوهش و فناوری سال ۱۴۰۲ دانشگاه و در راستای تحقق اهداف اعلام‌شده در بسته‌های کاری سند تحول و تعالی دانشگاه و به‌منظور حضور یکپارچه و برگزاری هماهنگ مراسم هفته پژوهش و فناوری در سال جاری، همگام با ستاد ملی هفته پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ستادهای هفته پژوهش و فناوری مستقر در مراکز استان‌ها و واحدهای دانشگاهی تابع آنها می‌توانند با همکاری ستاد پژوهش و فناوری استان و با رعایت نکات لازم، برنامه‌های خود را برگزار کنند.» براساس این دستورالعمل زمان برگزاری هفته پژوهش و فناوری استانی از ۱۱ تا ۱۷ آذرماه و هفته پژوهش و فناوری ملی ۱۹ تا ۲۵ آذرماه است. ستاد هفته پژوهش و فناوری در استان‌ها با عضویت رئیس استان (رئیس ستاد)، رئیس شورای پژوهش و فناوری استان، دو تن از روسای واحدهای دانشگاهی استان و یک تا سه تن از معاونان پژوهشی و فناوری یا معاونان علمی و رئیس باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان استان تشکیل شود. همچنین ستاد هفته پژوهش و فناوری در واحدهای دانشگاهی با عضویت رئیس واحد (رئیس ستاد)، معاون پژوهش و فناوری یا معاون علمی واحد (دبیر ستاد)، سایر معاونان و سه تن از اعضای هیات علمی واحد به همراه مسئول روابط عمومی واحد (اعضای ستاد) و رئیس باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان تشکیل شود. براساس بندهای این دستورالعمل درکنار برنامه‌هایی که در ستاد هفته پژوهش استان مصوب می‌شود، لازم است مراسم تقدیر از پژوهشگران و فناوران مراکز تحقیقاتی و رشد، سراهای نوآوری با حضور مسئولان سازمان مرکزی و استانی برگزار شود. همچنین لازم است به‌منظور ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تحقق توسعه پژوهش و فناوری استان و تقویت دستاوردهای پژوهش و فناوری در منطقه، برگزاری نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری و فن‌بازار استانی با توجه به شعار «مهار تورم و رشد تولید» مورد توجه جدی قرار گیرد. در این دستورالعمل تاکید شده است که واحدهای دانشگاهی با رتبه‌بندی یک تا شش می‌توانند به‌منظور تشویق و ترغیب فناوران، سه فناور برتر و به‌منظور تشویق پژوهشگران متناسب با گروه‌های آموزشی هفت‌گانه (علوم انسانی، فنی و مهندسی، هنر و معماری، کشاورزی و منابع طبیعی، دامپزشکی، علوم پایه و علوم پزشکی «علوم پایه، پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی») به ازای هر گروه یک پژوهشگر نمونه و واحدهای دانشگاهی با رتبه‌بندی ۷ تا ۲۶، تا سه پژوهشگر و یک فناور دارای شرایط را انتخاب و پس از اخذ تاییدیه استان، مورد تقدیر قرار دهند.

براساس این دستورالعمل، ستاد هفته پژوهش و فناوری استان امتیازهای پژوهشگران منتخب معرفی‌شده از سوی واحدها را بررسی و تا هفت پژوهشگر برتر (درگروه‌های آموزشی هفتگانه) و سه فناور برتر را به‌عنوان پژوهشگر برگزیده استان معرفی کنند.

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

«فرهیختگان» از شرایط کتابخانه‌های دانشگاهی پایتخت بعد از دوران همه‌گیری کرونا گزارش می‌دهد

سالن‌های مطالعه رونق گرفت امانت کتاب کساد شد

فاطمه طاری‌بخش
خبرنگار گروه دانشگاه

شاید کتابخانه برای مردم عادی شهر اهمیت چندانی نداشته باشد اما برای دانشجویی که روز و شب خود را بین کتاب و درس و امتحان می‌گذراند این مکان شکل متفاوت‌تری دارد. اگر بخواهیم صریح‌تر باشیم، احتمالا بعد از سلف، کتابخانه‌ها برای دانشجویان جایگاه ویژه‌ای خواهند داشت. این را زمانی می‌توان بهتر درک کرد که به ساعت‌های شلوغی کتابخانه‌های دانشگاهی نگاهی بیندازیم و بدانیم دانشجویان در روزهای منتج به امتحانات، عمده وقت‌شان را در کتابخانه می‌گذرانند. به بهانه هفته کتاب و کتابخوانی سراغ سه مسئول کتابخانه در دانشگاه‌های مطرح رفتیم و با آنها درباره وضعیت کتابخانه‌ها و ارتباط دانشجویان با کتابخانه‌ها به گفت‌وگو نشستیم.

رئیس کتابخانه دانشگاه امیرکبیر:

سیاست دسترسی بهتر از سیاست تامین منبع است

ایمان شعبانی، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی، کتابخانه و نشر شهید صبوری دانشگاه امیرکبیر با تاکید بر اینکه در چند سال اخیر بیشتر نسخ الکترونیکی کتاب‌ها در دانشگاه تهیه می‌شود، گفت: «تهیه نسخ الکترونیک، از لحاظ فیزیکی برای ما به صرفه‌تر است. روند استقبال و خوانش دانشجویان هم به سمت استفاده از کتاب‌های الکترونیکی رفته و این امر کاملا قابل حس است. موضوع دیگر اینکه تمایل برای کتاب‌های الکترونیکی تنها مختص ایران نیست و در دنیا نیز دانشجویان به استفاده از چنین نسخه‌ای برای کتاب و مقاله تمایل دارند، البته کتاب‌هایی که درحال حاضر سالیانه و به صورت فیزیکی خریداری می‌کنیم، بیشتر آنهاهایی هستند که استفاده درسی و کمک درسی دارند اما کتاب‌های مرجع اکثرا به صورت الکترونیک تهیه می‌شوند.» شعبانی درباره بودجه تخصیص یافته از سوی دانشگاه به کتابخانه عنوان کرد: «این بودجه با سیاست ما همخوانی دارد و کافی است و می‌توانیم کتاب‌های را در قالب فیزیکی یا الکترونیکی تهیه کنیم، یعنی ما درخواستی نداریم که کتابی نیاز باشد و ما تهیه نکرده باشیم. با توجه به اینکه ما دانشگاه فنی و مهندسی مادری هستیم که تعاملات جهانی برایمان مطرح است و باید بیشتر کتاب‌های به‌روز نسخه زبان اصلی را داشته باشیم؛ اگر کتاب ترجمه و تالیف و تصنیف زبان فارسی داشته باشد، به‌صورت فیزیکی تهیه می‌شود، اما بیشتر کتاب‌های مرجع ما به شکل نسخه الکترونیک و زبان اصلی است و کتاب‌های درسی و کمک درسی بیشتر فیزیکی است. اگر برای تهیه نسخه‌ای متقاضی وجود داشته، آن را تهیه کرده‌ایم.»

بانک الکترونیکی درخواست‌ها را کم کرد

رئیس کتابخانه دانشگاه امیرکبیر با اشاره به اینکه در سایت قسمتی برای تامین منبع دارند، افزود: «تامین منبع می‌تواند شامل کتاب و مقاله شود. ما در کتابخانه بخش تامین منابع داریم که دسترسی برای دانشجویان و اعضای علمی را فراهم می‌کند. همین‌طور اگر برای مقالات، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های بین‌المللی متقاضی داشته باشند (جدا از دسترسی‌هایی که وجود دارد) درخواست می‌دهند و تهیه می‌شود. درخصوص نحوه تامین منبع هم باید بگویم که شخص می‌تواند لینک را اسکن کند و وارد آن شود و درخواست منبع مورد نظرش را ثبت کند و در اسرع وقت و بعد از تامین بودجه، منبع را تامین می‌کنیم، یعنی به شکل معمول مشکل خاصی در این زمینه نداریم.» شعبانی با تاکید بر اینکه بانک بزرگی از کتاب‌های الکترونیک تهیه شده است، توضیح داد: «درنتیجه راه‌اندازی این بانک، درخواست‌های ما روزبه‌روز کاهش داشته است. در اصل ما به جای اینکه بخواهیم منابع را تهیه کنیم و خرید داشته باشیم، دسترسی به منابع را برای دانشجویان و اعضای هیات علمی فراهم می‌کنیم. خوبی دسترسی این است که هرکس به موجب نیاز خود، دسترسی را پیدا می‌کند. این امر با توجه به اینکه بسیار گسترده است باعث کاهش تقاضای نسخه فیزیکی شده است.»

در سال گذشته تنها ۲۵۰ مورد تامین منبع داشته‌ایم

او با اشاره به اینکه دسترسی‌های ما تا چند سال گذشته گسترده نبود، بیان کرد: «فکر می‌کنم در سال قبل تنها ۲۵۰ مورد درخواست تامین منبع داشتیم که شامل کتاب و مقاله و... می‌شد. از این تعداد تنها به سه مورد پاسخ ندادیم. این موارد نیز شرایط خاصی داشتند، برای مثال یکی از آنها مقاله‌ای مربوط به ۵۰ سال پیش بود!» رئیس کتابخانه دانشگاه امیرکبیر درباره روند تغییر سلیقه دانشجویان درخصوص نوع کتب و مراجعه به کتابخانه توضیح داد: «روند جهانی از ۲۰ سال گذشته تا امروز نشان می‌دهد که مراجعه به کتب فیزیکی کم شده و کتاب‌های دیجیتال مورد استقبال قرار می‌گیرند. همچنین در دوران کرونا با توجه به اینکه اکثر مراکز و دانشگاه‌ها غیرحضوری شده‌اند، بخش فیزیکی با افت بسیاری مواجه بوده و مراجعات به منابع الکترونیک افزایش پیدا کرده است. تامین منبع در این دوره غالبا به‌صورت دسترسی از دور و سیستم‌های آنلاین صورت می‌گرفت. این نوع تامین منبع، در دوران کرونا به اوج خود رسید اما بعد از افت کرونا مخزن کتابخانه دانشگاه دوباره فعال شد.»

کارشناسی‌ها بیشتر سراغ نسخه‌های فیزیکی می‌روند

شعبانی گفت: «البته باید به این موضوع اشاره کرد که کتاب فیزیکی هیچ وقت به‌صورت کامل حذف نمی‌شود و همیشه مخاطب و مشتریان خود را دارد. اگر بخواهم دسته‌بندی‌ای در این مورد داشته باشم، باید بگویم که دانشجویان مقطع لیسانس علاقه‌مند به استفاده از نسخه‌های فیزیکی هستند اما اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی بیشتر به‌دنبال بهره‌مندی از نسخه‌های الکترونیک هستند و از آنها استفاده می‌کنند؛ چراکه این افراد بیشتر به دسترسی به مراجع و منابع پژوهشی علاقه‌مندند. درواقع بر حسب موقعیتی که دانشجو در آن قرار می‌گیرد، رفتار متفاوتی از خود نشان می‌دهد.» او با اشاره به اینکه آمار استفاده از کتابخانه‌ها پیش از کرونا با کاهش روبه‌رو بود، افزود: «با این حال بعد از کرونا این موضوع افزایش پیدا کرد. درحال حاضر نیز تقریبا حالت تثبیت شده‌ای دارد. تصور من این است و حتی بین دانشجویان هم می‌بینم که شاید استقبال از حضور در کتابخانه به دلیل جهانی، مثل قبل نباشد. با این حال در حوزه کتاب‌های چاپی‌ها یک گروه از مخاطبان را شاهدیم اما در بحث منابع بیشتر شاهد استفاده دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اعضای هیات علمی هستیم.» رئیس کتابخانه دانشگاه امیرکبیر با تاکید بر اینکه در قسمت پژوهشی، استفاده از منابع الکترونیک رایج‌تر است، عنوان کرد: «این منابع به‌روزتر است و در مقابل کتاب چاپی نیز به‌دلیل نرخ ارز و سختی واردات نسخ فیزیکی، کمتر خریداری می‌شوند. ما به‌صورت مستقیم درگیر واردات کتاب نیستیم اما به‌صورت کلی واردات کتاب چاپی در سالیان اخیر کم شده است. نکته دیگر اینکه ما بیشتر بحث هزینه خریداری کتاب را می‌بینیم و بعد از افزایش هزینه‌ها سراغ روش‌های کم‌هزینه‌تر می‌رویم. سیاست دسترسی بهتر از سیاست خرید منبع است. درست است که با خرید منبع افراد هر زمان که بخواهند می‌توانند از آن استفاده کنند، اما دسترسی به همین صورت است و تفاوتی درنتیجه آن وجود ندارد. دسترسی منابع ما بیشتر حالت دیجیتال دارد و از این جنبه نیز به‌صورت دسترسی الکترونیک راحت‌تر است.»

پای هوش مصنوعی به کتابخانه امیرکبیر هم باز شد

شعبانی درباره استفاده از هوش مصنوعی در حوزه کتاب و کتابخانه گفت: «در وهله اول باید بگویم که فهرست‌بندی کتاب‌هایمان در سال‌های قبل اتفاق افتاده و عملا نیازی به مخزن جدیدی در این حوزه نداریم. با این حال هوش مصنوعی را ما در قسمت مربوط به دسترسی به منابع دیجیتال و دسترسی‌هایی مربوط به سایت‌ها و نرم‌افزارهایی که محتوای دانشجو را به شکل مقاله آماده کرده و می‌خواهد برای نشریه خارجی یا داخلی انگلیسی زبان ارسال کند، استفاده می‌کنیم. همچنین از این ظرفیت برای چک کردن اینکه مقاله از لحاظ محتوایی مشکلی نداشته و نگاه قوانین علمی به مقاله‌نویسی، مشکلی نداشته باشد، بهره می‌بریم.» او گفت: «فصل امتحانات و ایام آن شلوغ‌ترین روزهای کتابخانه است. ساختمان ما بزرگ و خوب است و زیرساخت بسیار خوبی نیز دارد. دو سالن ۲۶۰ نفره برای آقایان و خانم‌ها داریم. ظرفیت کل کتابخانه، ۵۶۰ یا ۵۷۰ نفر است. همچنین سالن مطالعه گروهی داریم که دانشجویان می‌توانند به‌صورت گروهی درس بخوانند و صحبت کنند و پروژه انجام دهند. اگر کسی از خارج دانشگاه، بخواهد عضو کتابخانه باشد و منبعی را تهیه کند، این دسترسی را ایجاد می‌کنیم اما برای قرائت‌خانه و سالن‌های مطالعه، خصوصا در فصل امتحانات که سخت است؛ این امکان وجود ندارد. با این حال در قسمت قرائت‌خانه و سالن‌های مطالعه در زمان امتحانات که متقاضی زیاد است مدیریت سختی دارد و جمعیت بسیاری متقاضی وجود دارد و ظرفیت‌ها نیز محدود هستند و به هرحال در ایام امتحانات سرانه مطالعه درسی افزایش خواهد داشت.» او درمورد ارتباط با دیگر دانشگاه‌ها گفت: «با دیگر دانشگاه‌ها ارتباط می‌گیریم، در قسمت تامین منبع بسیاری اوقات، دانشگاه‌های دیگر منبعی را در دسترس ندارند و اساتید و دانشجویان درخواست می‌دهند و ما هم این امکان را فراهم می‌کنیم و برعکس این موضوع نیز وجود دارد.»

رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران:

بعد از کرونا با هجوم عضویت و استفاده از تالارها مواجه شدیم

کتابخانه دانشگاه تهران آخرین کتابخانه‌ای است که به سراغ آن رفتیم. فاطمه ثقفی، رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره گنجینه‌های قدیمی‌ترین کتابخانه دانشگاهی گفت: «در این کتابخانه، تقریبا ۱۷ هزار نسخه خطی داریم که از قرن سوم و چهارم را شامل می‌شود. این نسخ خطی، در حوزه‌های تخصصی مختلفی

رئیس کتابخانه دانشگاه صنعتی شریف:

ظرفیت سالن مطالعه دانشگاه ۱٫۵ برابر افزایش می‌یابد

محمد میرزایی، رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه شریف درباره ظرفیت سالن‌های قرائت‌خانه، گفت: «فضایی که به‌صورت مستقیم در کتابخانه مرکزی برای این موضوع به کار رفته تا دوماه گذشته برای ۵۰۰ نفر بود که این تعداد درآینده نزدیک به ۱٫۵ برابر افزایش پیدا می‌کند. غیر از این ظرفیت، سالن‌های مطالعه‌ای در دانشکده‌هاست که آنها نیز برای مطالعه دانشجویان اختصاص یافته است. مجموع این فضاها در دانشگاه حدود ۹۵۰ نفر ظرفیت دارد.» وی درباره شلوغ‌ترین ایام کتابخانه گفت: «ایام امتحانات مراجعه امتحانی به کتاب افزایش دارد و همه به‌سمت کتاب و مطالعه آن می‌روند. خصوصا اینکه دانشگاه ما تعدادی از خوابگاه‌ها در اطراف دانشگاه است و معمولا در این ایام مراجعه می‌کنند و تعداد مراجعان افزایش پیدا می‌کند. این موضوع مساله‌ای می‌شود که کمبود جا و فضا را نشان می‌دهد.»

در ادامه فرنوش رقابی، معاون کتابخانه این دانشگاه، درباره نحوه تامین کتاب توضیح داد: «تامین کتاب به این صورت است که کتاب‌های تخصصی را از کتاب‌های عمومی‌تر و شایسته حضور در کتابخانه جدا می‌کنیم. کتاب‌های علمی را حتما باید اساتید یا دانشجویان تحصیلات تکمیلی ما و کارشناسی پیشنهاد کنند و این پیشنهاد به تایید برسد. زمانی که این زنجیره حفظ می‌شود، تامین آن جزء دستور کار قرار می‌گیرد. درخصوص کتاب‌هایی که فارسی و برای بودن در کتابخانه مناسب هستند، بدون هیچ محدودیتی درخواست‌ها دریافت می‌شود و براساس بودجه‌بندی و سهمیه‌ای که برای هر دانشکده داریم، سعی می‌کنیم بیشترین حد ممکن را تامین کنیم.»

تعداد کتب کتابخانه شریف تا پایان سال به دوهزار عنوان می‌رسد

او ادامه داد: «درمورد کتب علمی هم با تایید جامعه علمی و اساتید و دانشجویان حتما در دستور کار قرار می‌گیرد، درمورد کتاب‌های غیرعلمی، اولویت‌بندی‌هایی می‌شود و بهترین‌ها به مجموعه اضافه می‌شوند. تبادل و دریافت کتاب‌ها نیز به این مجموعه‌سازی کمک می‌کند. میزان کتاب‌هایی که امسال به مجموعه کتابخانه- چه از طریق خرید و چه از طریق مبادله و اهدا به کتابخانه- اضافه شده است، به‌نظر می‌رسد که تا پایان سال می‌توانیم دوهزار عنوان را داشته باشیم. به‌صورت تخمینی ۵۰ درصد کتاب تخصصی و تحقیقی و توسعه‌ای از میزان خرید کتاب‌های ما را تشکیل می‌دهد و ۵۰ درصد غیرتخصصی است. ۵۰ درصد غیرتخصصی شیوه فراهم کردن متفاوتی دارد.» میرزایی با تاکید بر اینکه به‌دلیل افزایش قیمت کتاب در سال‌های اخیر نحوه تامین کتاب متفاوت است، گفت: «طبعا اولویت را در تهیه منابع به کتاب‌های تخصصی و موضوعات فنی مهندسی اختصاص می‌دهیم. بخشی که خریداری می‌شود به کتاب‌های تخصصی اختصاص دارد. منابع دیگر که در حوزه موضوعات عمومی و غیرتخصصی دانشگاه است، سعی می‌کنیم تا با روش‌هایی دیگر تامین شوند. بخشی در دریافت مدارک علمی و منابع، کتاب است که بین دانشگاه‌ها این ارتباط برقرار است. مبادله نیز بعضا بین انتشارات دانشگاه‌ها اتفاق می‌افتد و ما سعی کرده‌ایم بخشی از نیازمندی‌ها را با مبادله کردن، کمک بگیریم یا مثلا موسسه انتشارات خود دانشگاه هم به این صورت است.»

در مورد خرید نسخه‌ها اضافه کرد: «در خرید نسخه‌ها هر دو حالت را داریم و زمانی که چاپی تهیه می‌کنیم، سعی می‌کنیم تا همراه با آن محتوای الکترونیک نیز موجود باشد. با دیدگاهی که برخی از سفارش‌دهندگان کتاب دارند، می‌گویند ما با نسخه الکترونیکی نیز مشکلی نداریم و کفایت می‌کند.»

معاون کتابخانه مرکزی شریف افزود: «مرتبا با دانشگاه‌ها در ارتباط هستیم و بخشی در اینجا برای ارتباطات بین کتابخانه‌ای وجود دارد و بسیاری از کتاب‌ها از اینجا برای کتابخانه دانشگاه‌های دیگر نیز تامین می‌شود. متقابلا هم وجود دارد و بعد از پایان یافتن طرح غدیر (طرحی برای شکل دادن به روش‌های امانت‌گیری از کتابخانه‌ها برای دانشجویان) زیرمجموعه وزارت عتف، شما اگر عضو غدیر بودید، با داشتن کارت می‌توانستید به کتابخانه دانشگاهی دیگری که این کتاب را دارد مراجعه کنید. این طرح فعلا خاتمه یافته است اما این داستان به سمت کتابخانه‌ها آمده که خودشان این تبادل را داشته باشند و فکر می‌کنند این بخش، بخش پرکاری است و خوشبختانه ارتباطاتی وجود دارد. باید اشاره کنم که در حال حاضر یک شبکه کتابخانه‌های دانشگاهی زیرمجموعه وزارت علوم در حال شکل‌گیری است که کتابخانه دانشگاه شریف یکی از بنیان‌گذاران این شبکه محسوب می‌شود. ارتباط را به شکل رسمی، در تمامی زمینه‌ها از نظر خدمات و نرم‌افزار و حتی آیین‌نامه‌ها و بحث استانداردها و منابع اطلاعاتی شکل می‌دهد.»

او توضیح داد: «برای یک کتابخانه و کتابداران آن فلسفه وجودی این است که دانشجویان به اینجا بیایند و نهایت افتخار ما این است که بتوانیم سرویس‌دهنده باشیم. دانشجویان این مملکت با دانشجویان شریف برای ما تفاوتی ندارند. امسال تدبیری در آیین‌نامه اتخاذ شده است که اگر کسی نیاز دارد تا منبعی را مطالعه کند فضایی را برای عضویت‌های یک روزه می‌گذاریم و دوستان می‌توانند از این طریق به کتابخانه بیایند. این به غیر از ارتباطات کتابخانه‌های دانشگاهی است. به نظر من با توجه به محدودیت امکانات این گام بسیار خوبی است و ما استقبال بسیار خوبی را دیده‌ایم.»

رقابی در خصوص نشریاتی که در این کتابخانه موجود است عنوان کرد: «ما دوهزار عنوان کتاب فارسی و غیرفارسی در کتابخانه داریم. درمورد نشریات ما تا سال ۲۰۰۵، نشریات به ویژه علمی خارج از کشور را به صورت مشترک تهیه می‌کردیم و پس از آن با محدودیت‌های ارزی از یک سمت و کنسرسیومی در وزارت علوم برای دسترسی به پایگاه‌های اطلاعات از سمت دیگر، خرید نشریات متوقف شد و خرید، جای خود را به تامین اشتراک از پایگاه‌های اطلاعاتی ارائه‌کننده نشریات داد؛ بنابراین اگر الان، شما سوال می‌کنید به چند کتاب الکترونیک و نشریه و غیره دسترسی داریم، عددهای قابل توجهی است که به تعداد نسخ چاپی ما اضافه می‌شود. از نشریات تخصصی غیرفارسی، ۱۰ هزار عنوان به طور معمول مورد دسترسی اعضای دانشگاه از طریق پایگاه اطلاعاتی است. همچنین با آمار کمتر کتاب‌های الکترونیک، ما در ۶۰ پایگاه ایرانی و خارجی اشتراک داریم. نسخه‌های فیزیکی نشریات ۲۵۵ عنوان از نشریات طرازاول علمی در رشته‌هایی که اینجا تدریس می‌شده وجود دارد که الان آرشیو شده است.»

رئیس کتابخانه دانشگاه صنعتی شریف با اشاره به اینکه مسائل مربوطه در حوزه کتابخوانی و کتاب به عنوان یکی از مقوله‌های فرهنگی محسوب می‌شود، درباره تحولات رفتاری دانشجویان (نسبت به کتابخانه) گفت: «تحولات اجتماعی که در گذشته اتفاق می‌افتاد یکی از نمود آن در کتابخانه است که خود آن موضوع مستقلی است که چه تحولاتی پیش آمده است. به هر حال در این دو سه سال کرونا نیز به عنوان پدیده نوظهور تاثیر خود را گذاشت؛ این موضوع را در کنار ابزارهایی بگذاریم که امروز در اختیار دانشجویان و جوانان قرار دارد که تغییراتی داشته است و باید به عنوان منبع به کتاب مراجعه می‌شد و برای کسب اطلاعات می‌توان در حوزه‌های علمی از این موضوع استفاده کرد. اما این عکس‌العمل به این معنی نیست که کتاب از رده منابع اطلاعاتی افراد خارج شده است. چون طبیعتا زمانی که در محیطی مثل دانشگاه دانشجویان باید به منبع کتاب سر بزنند بسیاری از افراد با فضای مجازی ارتباط برقرار نمی‌کنند و با خود کتاب ارتباط می‌گیرند. افرادی که تحقیق می‌کنند اگر می‌خواهند منبعی را پیدا کنند، طبیعتا به کتابخانه مراجعه می‌کنند. وجود کتابخانه و بودن منابع کتاب به صورت کاغذی هنوز ارزش خود را دارد؛ هرچند تغییرات را در دانشجویان می‌توان دید.»

چرخه امانت کتاب‌ها افت پیدا کرده است

معاون دانشگاه درباره تغییر نسل بیان کرد: «ما هر لحظه این فکر را داریم که باید چه کنیم تا کتابخانه را با نقش‌های جدید هماهنگ کنیم. عادت مطالعه، علی‌رغم اعدادی که اعلام می‌شود، از کتاب و نسخ کاغذی به نسخ الکترونیکی مهاجرت کرده و این موضوع با تعریفی که ما از مطالعه قائل هستیم متفاوت است. محمل تغییر کرده اما مساله این است که آیا کتابخانه برای حیات خود باید وابسته به این موضوع باشد؟ وقتی ما محدودیت استفاده از کتاب را می‌بینیم به دلایلی مانند علایق فردی، محدودیت زمانی و... خود دانشجو ترجیح می‌دهد به جای مطالعه کتاب، چکیده آن را روی یک جزوه دریافت کند؛ چراکه زمان زیادی ندارد. این موضوعات باعث می‌شود مراجعه به اصل منبع به ویژه به صورت کاغذی دستخوش تغییراتی شود. اکثر افرادی که به کتابخانه‌ها مراجعه می‌کنند کسانی هستند که می‌خواهند از فضای مطالعه استفاده کنند و حتی، منابع اطلاعاتی آنها نیز روی لپ‌تاپ است و با خودشان می‌آورند و چرخه امانت کتاب‌ها افت پیدا کرده است.»

رقابی تصریح کرد: «ما باید برای دانشگاه‌ها در این حوزه کاری انجام دهیم. ما با این موضوع کاری نداریم که حتما باید کاغذی یا الکترونیکی خوانده شود، اما منبع اطلاعاتی در این دوره‌ای که انفجار اطلاعاتی را داریم، باید از سمت کتابخانه تامین شود و از بین این خیل باید منابع برگزیده را کتابخانه مشخص کند. کتابخانه کانون تبادل اطلاعات و نه صرفا فضای مطالعه است. این آمار در کتابخانه ما کاهش مراجعه به کتب را نشان می‌دهد. نه به معنای اینکه مطالعه صورت نمی‌گیرد، اما محمل آن تغییر کرده است.»

میرزایی در خصوص اوقات فراغت و تامین کتاب در این حوزه برای دانشجویان بیان کرد: «بحث اوقات فراغت دانشجویان گسترده است. اما یک بخش آن می‌تواند سروکار داشتن با کتاب و موضوعات مربوط به کتاب باشد. طبعا در فراهم‌آوری منابع، تلاش شده است علاوه بر کتب تخصصی، کتب در حوزه‌های دیگر نیز تامین شود. علاوه بر آن فعالیت فرهنگ‌سازی کتابخوانی نیز مدتی است که انجام می‌شود. جلساتی مانند بررسی برخی از کتب معروف و غیره هم داشته‌ایم.»

رقابی نیز در مورد این موضوع توضیح داد: «چند سالی است که دانشجویان برای جذب آنها تلاش می‌کنند و متوجه شدیم استعداد بسیار زیادی در این دانشجویان وجود دارد که اگر ما بخواهیم آثار فرهنگی و هنری را داشته باشیم این دانشجویان مستعدترین هستند. ما با دانشجویان هنرمند همکاری داشته‌ایم. سرانه تعداد کتاب به دانشجو، اگر کتاب‌های چاپی مورد نظر شماست عدد ۳۰ عدد صحیحی است و ما به ازای هر عضو ۳۰ کتاب داریم. در بخش عضویت، انتخاب توسط فرد است و در هنگام ثبت‌نام می‌توانند با پر کردن فرم عضو کتابخانه شوند. در حال حاضر هم ۷۸۰۰ عضو داریم.»

ادامه در صفحه ۵

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مانند علوم پزشکی و... است. همچنین ما اسناد وقفی مکان‌های مختلف را داریم که به صورت نسخه خطی نوشته شده است. بسیاری از نسخ خطی ما دارای تصویرهای تذهیب‌شده است. در دانشگاه تهران نقشه‌های مختلف، اسناد دانشگاه‌ها و اسناد دیگری که در کشور وجود داشته را داریم.» او ادامه داد: «کتب فارسی و لاتین و گنجینه‌ای از مهر داریم. گنجینه‌ای از عکس و اسلایدهایی داریم که بسیار قدیمی هستند و در کنار اینها، درواقع یک نشریات قدیمی که مربوط به به دوران قاجار و پهلوی هستند و برخی از آنها اولین شماره از نشریات می‌شود را داریم. بسیار مهم است که شماره یک نشریات داشته باشیم.» ثقفی با اشاره به بخش نابینایان کتابخانه، افزود: «این بخش نزدیک به یک دهه‌ای می‌شود که افتتاح شده است. در طول این یک دهه، هزار و ۳۰۰ کتاب را صوتی کردیم تا نابینایان بتوانند از آن استفاده کنند. سال گذشته این بخش از کتابخانه خطبه غدیر حضرت علی را به هفت زبان زنده دنیا، ترجمه و گویاسازی کرد که با لهجه صحیح زبان خاص خوانده شود که اگر در اختیار فردی قرار گرفت برای او واضح باشد. اسکنر و پرینتر هم داریم تا برای نابینایان با خط بریل، آثار مربوطه را چاپ و در اختیار آنها قرار دهیم. در کنار این موضوعات نزدیک به سه هزار کتاب بریل برای نابینایان داریم که فایل PDF آن نیز موجود است.» رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تصریح کرد: «البته بیشتر این نسخ که توسط خاتمی‌نیا جمع‌آوری شده است، کتب موسیقی هستند. درخواست‌ها در همه رشته‌هاست و بر اساس درخواست کار انجام می‌شود. همچنین ظرفیت کتابخانه ما، ۷۶۰ صندلی در کتابخانه مرکزی است. اما ما ۵۲ کتابخانه دانشکده‌ای داریم که باید سه کتابخانه جدید نیز اضافه شود؛ با این حال آمار ظرفیت کتابخانه‌های دانشکده‌ها را نداریم.»

ثقفی درباره تغییرات رفتاری دانشجویان نسبت به کتاب و کتابخانه در سال‌های اخیر گفت: «شاید پیش از کرونا یا در دوران کرونا برخی از دانشجویان به دلیل وضعیت موجود نمی‌توانستند به کتابخانه بیایند، اما بعد از کرونا شاهد سیل زیادی از افرادی بودیم که بخشی از آنها از خارج از دانشگاه خواستار عضویت در کتابخانه بودند. با این حال ما در بسیاری از موارد محدودیت برای پذیرش افراد از بیرون دانشگاه داریم. نکته دیگر ما اینکه نزدیک به امتحانات فضا برای حضور دانشجویان در کتابخانه کم داریم، تا جایی که برخی از دانشجویان روی زمین راهروها می‌نشینند.»

رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران گفت: «برای کتابخانه مرکزی ما بودجه‌ای در نظر می‌گیریم و ۷۰ درصد کتاب‌ها را هم در اینجا داریم. یعنی کتاب‌هایی را که کتابخانه‌های پردیس‌ها نمی‌خرند و گران یا مرجع است، ما تهیه می‌کنیم. در حقیقت دانشکده‌ها کتاب‌های تخصصی رشته خودشان را می‌خرند و از جهتی تخصصی‌تر هستند و به همین دلیل کتاب‌های گران‌تر و مرجع را ما می‌خریم؛ چراکه بودجه ما قطعا بیشتر است. با این حال باید این مساله را هم بگویم که از سرجمع بودجه، یک سوم به کتابخانه مرکزی و دو سوم به مابقی کتابخانه دانشکده‌ها می‌رسد.»

او با تاکید بر اینکه تنظیم بودجه مابقی کتابخانه‌ها زیر نظر ماست اما ما آن را تخصیص نمی‌دهیم، افزود: «بسیاری از مراکز هستند که کتاب به ما اهدا می‌کنند و ما از این منبع نیز استفاده می‌کنیم. با این حال واجب است که ما کتاب‌های مرجع را داشته باشیم؛ البته ما این کتاب‌ها را وارد نمی‌کنیم و از کارگزار می‌خریم. انتشارات‌هایی که کتاب‌های لاتین می‌فروشند در واقع کارگزارانی هستند که این کتاب‌ها را وارد می‌کنند. همچنین یک سری خریدهای ما در نمایشگاه کتاب است و دسته دیگری از خریدها با موضوع ری‌سرچ در نمایشگاه کتاب‌های دانشگاهی انجام می‌شود. در عین حال به دلیل روابط با ناشران اگر طی سال بودجه داشته باشیم و بخواهیم خرید کنیم باز با آنها مکاتبه می‌کنیم.»

امسال کتاب الکترونیکی نخریدیم

ثقفی با اشاره به اینکه برخی از نسخه‌ها را الکترونیکی خریداری می‌کنند، گفت: «ما یک سری از نسخه‌های الکترونیکی را خریداری کردیم که موجود هستند. امسال کتاب الکترونیکی خریداری نکردیم. اما در دوره کرونا درخواست‌های الکترونیک بسیار افزایش داشت. درست است که سعی کردیم به این سمت برویم اما تلاش‌مان آن است که اگر منبعی را تهیه می‌کنیم حتما با بحث کپی‌رایت همخوانی داشته باشد. یعنی اساسا رفتار کاربران ما نسبت به درخواست منبع تغییر کرده است. شاید پیش از کرونا به این موضوع فکر نمی‌کردند که درخواست الکترونیک داشته باشند اما شرایط کرونا به آنها یاد داد که می‌توانند چنین درخواستی را از کتابخانه داشته باشند. بعد از کرونا درخواست‌های از راه دور داریم، یعنی درخواست‌هایی از سوی محققان خارج از ایران و داخل کشور داریم که اصلا عضو دانشگاه تهران نیستند که آنها را هم پیگیری و اجرا می‌کنیم.»

رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در خصوص کتاب‌های غیردرسی گفت: «انواع و اقسام رمان و ادبیات و غیره را ما در کتابخانه داریم و حوزه‌های مختلف تاریخی و هنری را پوشش می‌دهیم. ما این نگاه را داریم که بحث غیرکتابی در بخشی به اوقات فراغت بازمی‌گردد. بخش دیگر نیز این منابع غیردرسی در جبهه دیگری مورد پژوهش قرار می‌گیرد و دانشجویان کتاب‌های درسی دارند که استاد معرفی می‌کند و غیردرسی‌ها بعضا می‌توانند اوقات فراغت را پر کنند. ما با شناختی که از کاربران داریم در زمان خرید همه موارد را بررسی می‌کنیم.» او در پایان درباره راه‌های عضویت در این کتابخانه خاطرنشان کرد: «افراد برای عضویت اگر فوق‌لیسانس به بالا باشند ما به آنها سرویس می‌دهیم. برای استفاده از تالارها در صورتی که آن برهه تالارها خلوت باشد، مشکلی نداریم اما در دوره امتحانات عذر آنها را می‌خواهیم. نکته دیگر اینکه کم پیش می‌آید که ما از لحاظ منابع نیاز داشته باشیم تا با جای دیگری این تبادل را داشته باشیم، اما در مقابل بسیار پیش می‌آید که مراجعی را از ما درخواست کنند. مثلا کتابخانه دانشگاه الزهرا زمانی که می‌خواست موزه‌ای راه‌اندازی کند از ما درباره اسناد خود کمک گرفت.»

برگزیدگان سی‌امین جشنواره سال دانشجویی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» خواستار شدند

از دانشجویان دست به قلم حمایت کنید

فاطمه طاری‌بخش
خبرنگار گروه دانشگاه

دیروز اختتامیه سی‌امین جشنواره سال کتاب دانشجویی در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد؛ جشنواره‌ای که از سال ۱۳۷۳ هرسال توسط جهاددانشگاهی و همزمان با هفته کتاب برگزار می‌شود. در این مراسم مصطفی رستمی رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، حسن مسلمی نائینی رئیس سازمان جهاد دانشگاهی و دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور حضور داشتند، از سیدمحمود مرعشی مولف و اندیشمند به عنوان «استاد خادم کتاب» تجلیل شد.

کاهش سرانه مطالعه در نسل جوان جدی است

رستمی در اختتامیه سی‌امین جشنواره سال کتاب دانشجویی گفت: «به‌طور حتم جهاد دانشگاهی هرساله اهتمام ویژه‌ای به حوزه کتاب و کتاب‌خوانی به‌عنوان یکی از حوزه‌های برزمین مانده در جامعه داشته است. حوزه کتاب دانشجویی و توجه به نویسندگان این حوزه یکی از عرصه‌های ترویج بنیادین فرهنگی کشور است.» وی با اشاره به اینکه نگرانی‌های کاهش سرانه مطالعه در جامعه به خصوص در نسل جوان جدی است، بیان کرد: «هر اقدام و روش و ابزار و گامی که برای بهبود وضعیت فعلی و انس با کتاب برداشته شود، به‌طور قطع قدمی خیر و اقدامی حسنه است و باید از دست‌اندرکاران آن تشکر کرد. نسل جوان ما باید بداند که جریان فرهنگ و علم در ایران با این‌گونه مرارت‌ها و اخلاص‌ها به شکل امانت به امروز رسیده است. امیدواریم نسل جوان نیز با الگو قرار دادن همه برگزیدگان و الگوهای حوزه کتاب و کتابخوانی به‌عنوان چراغ راه در مسیر صحیح گام بردارند.»

حمایت از جشنواره کتاب کاهش داشته است

در ادامه حامد علی‌اکبرزاده، دبیر جشنواره و رئیس سازمان انتشارات جهاددانشگاهی گفت: «به‌نظر من کتاب مهم‌ترین کار فرهنگی است و مهم‌ترین شاخص برای سنجش وضعیت فرهنگی یک جامعه و جامعه دانشگاهی به‌شمار می‌رود. از همین جهت من برنامه‌های فرهنگی متنوع را در جهاددانشگاهی دنبال می‌کنم. بسیاری از اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور، سابقه برگزیده شدن در ادوار مختلف این جشنواره و جشنواره پایان‌نامه سال دانشجویی را داشته‌اند. به‌عنوان نمونه مرحوم قیصر امین‌پور یکی از برگزیدگان این جشنواره هستند.» او درباره حمایت نهادها از برگزیدگان بیان کرد: «ادامه این کار دست ما نیست و دستگاه‌ها و نهادها باید درکنار ما باشند و حمایت کنند. این موضوع متاسفانه اتفاق نیفتاده و ما چندین دوره است که به‌دنبال آن هستیم، برای مثال برگزیدگان جشنواره ما باید امتیازی در جشنواره دانشجوی نمونه کشوری داشته باشند و به آنها امتیازی تعلق گیرد، همچنین از بنیاد نخبگان تقاضا داشتیم تا امتیازاتی را برای برگزیدگان این جشنواره درنظر بگیرد. قطعا حمایت بیرونی برای ما ضروری و لازم است که در پنج دوره اخیر کمتر شده است.» دبیر سی‌امین جشنواره کتاب سال دانشجویی درباره آمار این جشنواره گفت: «۵۵۴ اثر واجد شرایط داوری، توسط دبیرخانه دریافت شد که حوزه علوم انسانی با ۳۰۱ اثر بیشترین تعداد آثار را به خود اختصاص داده است. در رشته‌های پزشکی ۱۰۶ اثر و در رشته‌های علوم پایه ۲۵ اثر دریافت شده که ۴۷ درصد آثار ترجمه و ۵۳ درصد آثار تالیفی بوده‌اند. پنج اثر برگزیده و ۱۱ اثر شایسته تقدیر داشتیم. همچنین ۲۸ گروه داوری در این جشنواره داشتیم که تخصص‌های مختلفی داشته‌اند و این موضوع کم‌نظیر است.»

با خرید کتاب از دانشجویان نویسنده حمایت کنید

محمد کشاورز، کتابی با نام «دلگویه‌های پیرمرد» نوشته است. او در این کتاب به بررسی، روایت و تحلیل نشریه طنز «باباشمل» پرداخته و درباره اهمیت این سوژه به «فرهیختگان» گفت: «این کتاب تحقیقی درباره معتبرترین نشریات طنزی است که در دهه ۲۰ در ایران منتشر می‌شد. علی‌رغم ارزش و اهمیتی که در تاریخ مطبوعات طنز ایران دارد، آن‌طور که باید شناخته نشد. بنیانگذار این نشریه رضا گنجه‌ای است که از بازماندگان خاندان گنجه‌ای بوده و نقش بسیار مهمی در وقایع مشروطیت داشته است. گنجه‌ای به‌دلیل نشست و برخاست‌هایی که با مشروطه‌خواهان داشت، تحت‌تاثیر این جنبش قرار گرفته بود و سعی می‌کرد در نشریه خود از مشروطه هواداری کند و سخنگو و بلندگوی مشروطه‌خواهان باشد.» او افزود: «نشریه باباشمل، حلقه واسطی بین نشریات مهمی مثل نسیم شمال و توفیق بوده است. درواقع بسیاری از تجربیات نشریه نسیم شمال را- که از نشریات معتبر دوره مشروطه بوده- به نسل بعدی طنزپردازان ما منتقل کردند. چیزی که برای من تعجب‌برانگیز بود، این است که با وجود اهمیت خارق‌العاده نشریه در تاریخ مطبوعات فارسی آن‌طور که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته و اگر ۸۰ سال از انتشار نشریه می‌گذرد، متاسفانه جامعه کتابخوان ما، این مجله را نمی‌شناسند و درواقع من ادای دینی به یکی از شاخص‌ترین طنزپردازان مطبوعاتی کرده‌ام.» کشاورز درباره انتخاب چنین سوژه‌ای بیان کرد: «درواقع از همان سال اول دانشجویی، علاقه بسیاری به حوزه طنز و شوخ‌طبعی داشتم و در یکی از کتاب‌گردی‌هایی که داشتم، کتابی به‌عنوان تاریخ طنز در ادبیات فارسی پیدا کردم. در این کتاب برای اولین‌بار بود که اسم این نشریه را شنیدم؛ بعد از تحقیقات و جست‌وجوها دیدم که اصلاکاری درمورد این نشریه صورت نگرفته و جرقه‌ای در ذهن من بود که بالاخره در سال ۱۴۰۰، تصمیم گرفتم درمورد نشریه یک کتاب بنویسم.» نویسنده و محقق کتاب دلگویه‌های پیرمرد با اشاره به اینکه هر نویسنده‌ای دوست دارد کتابش خوانده شود، درباره انتظارات حمایتی خود توضیح داد: «هیچ پاداش و لذتی بالاتر از آن برای نویسنده وجود ندارد. با این حال دوست دارم حمایتی صورت بگیرد و نویسندگان شناسایی شوند؛ خصوصا نویسندگان جوان‌تر و نوقلم. متاسفانه صنعت نشر ما بسیار ضعیف و نحیف است و بیشتر حمایت‌ها نیز حمایت‌های لفظی است. ای کاش نهاد یا ارگانی ورود می‌کرد و حمایتی درکنار حمایت معنوی صورت می‌داد، البته منظور این نیست که مبلغی نقدی را بدهند. حداقل باید شرایطی فراهم شود که کتاب نویسنده‌ها بیشتر دیده شود و چندین نسخه آن برای کتابخانه‌های مختلف خریداری شود و به‌هرحال این موضوع می‌تواند انگیزه و امیدی برای نویسندگان باشد.»

روایت ماجرای احیای یک کارخانه دانش‌بنیان

محمد حکم‌آبادی یکی دیگر از برگزیدگان و نویسنده کتاب «عملیات احیا» ست. وی درمورد سوژه کتاب خود توضیح داد: «ماجرا درباره یک کارخانه دانش‌بنیان است که در سال ۱۳۹۷ ورشکست می‌شود و ۶۰ میلیارد بدهی بالا می‌آورد و حدود ۴۰۰ نفر از نیروهای خود را اخراج می‌کند. زمین این کارخانه را به مناقصه می‌گذارند و برق و آب آن را قطع می‌کنند، حتی بانک‌ها چک این کارخانه را به اجرا می‌گذارند. مدیرعامل آن سال ۱۳۹۷ تغییر می‌کند و این شرکت زیان‌ده بعد از تغییر مدیرعامل، یک مدیرعامل جهادی سرکار می‌آورد. درنهایت کارخانه دانش‌بنیان جمکو در سبزوار نجات می‌یابد.» حکم‌آبادی افزود: «این کارخانه تا امروز آورده‌های بسیاری برای کشور داشته، مثلا چهارمین کشوری هستیم که موتور سنکرون ساختیم یا پنجمین کشوری هستیم که موتور ضدانفجار جایگاه سوخت ساختیم. همچنین این شرکت الکتروموتورهای نیروگاه اتمی بوشهر را اورهال می‌کند. ما در این اثر روند طی شده در این کارخانه را روایت کرده‌ایم که این مدیرعامل و تیمش چه کارهایی انجام داده‌اند که این کارخانه در زمانی که کارخانه‌های دیگر یکی یکی ورشکست می‌شدند، احیا شده است.» وی با اشاره به اینکه برای نگارش این کتاب ۷۵ ساعت گفت‌وگو با مدیرعامل داشته است، گفت: «ما گفت‌وگوها را در یک کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای جمع‌وجور کردیم. من در زمان نوشتن این کتاب دانشجوی دانشگاه فنی امام خمینی(ره) سبزوار بودم و نوشتن آن سه‌سال طول کشید. در انتشارات راه‌یار به ما گفته شد که به‌دنبال سوژه‌های خوب پیشرفت در سطح شهرستان باشیم و ما رصدی داشتیم و به کارخانه جمکو رسیدیم.» او درخصوص انتظارات حمایتی خود بیان کرد: «من انتظاری در حوزه کتاب ندارم؛ همین که جلوی ما را نگیرند کافی است!»

صنعت و دانشگاه روی کتاب سرمایه‌گذاری کنند

کیوان کیومرثی، مولف کتاب «تکنولوژی باتری‌ها از اصول تا نحوه رفتار، مواد و قطعات» است. وی درباره کتاب خود گفت: «این اثر یکی از جامع‌ترین کتاب‌هایی است که در حوزه باتری وجود دارد و ما آن را به زبان فارسی تالیف کرده‌ایم. اهمیت کتاب این است که باتری می‌تواند کاربردهای بسیاری از استفاده در ساعت و... تا صنایع نظامی و مخابراتی و... داشته باشد. البته این کتاب در دو جلد تالیف شده که جلد اول از شروع تکنولوژی باتری و ساخت آن را شامل می‌شود، یعنی در این بخش درباره اینکه باتری چه تکنولوژی‌ای دارد و در آن تولید آن چه فناوری‌ای به کار رفته توضیح داده‌ایم.» او افزود: «همین‌طور به ساخت باتری‌ها، شارژ و ساختار داخلی آنها و نمودارهای بسیار زیادی که در این کتاب استفاده کردیم، پرداخته‌ایم، برای تالیف آن از نرم‌افزارهای بسیاری درخصوص متلب و... استفاده شده که به‌نظر من می‌تواند مرجع کاملی برای مقاله باشد.» مولف کتاب تکنولوژی باتری‌ها در ادامه درمورد دلیل انتخاب این سوژه بیان کرد: «من در دوره کارشناسی به باتری علاقه داشتم و کارآموزی را مدتی در مخابرات گذراندم و در قسمت باتری و کارگاه باتری و... بودم و علاقه‌مند شدم و حتی پایان‌نامه من هم در زمینه باتری‌ها و خودروهای الکترونیکی است، حتی زمانی که ارشدم را می‌خواندم، کارهای کتابم را نیز انجام دادم و از اساتید بسیار خوبی بهره گرفتم.» او درباره حمایت‌هایی که باید از کتاب‌های این‌چنینی صورت بگیرد، عنوان کرد: «موردی که من درباره آن تحقیق کردم، این است که در ایران اصلا به آن پرداخته نشده، حتی در دوره‌های دانشگاهی و صنعتی، چنین کتابی وجود ندارد. بسیار دوست دارم، حالا که چنین کتابی نوشته شده از سمت دانشگاه و صنعت در این زمینه سرمایه‌گذاری شود؛ چراکه ما در آینده به‌دلیل کنار رفتن خودروهای سوخت فسیلی مجبوریم خودروهای برقی داشته باشیم. به همین خاطر باید باتری‌هایی را درست کنیم و تکنولوژی را به نحوی داشته باشیم که در مسافت‌های طولانی‌تر از این خودروها و حتی از هواپیماهایی که از این نوع باتری‌ها استفاده می‌کنند، بتوانیم بهره ببریم. در اصل می‌طلبد که صنعت به این حوزه ورود کند و از آن بهره ببرد.»

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۶۰۰۱۰۰۴۴۲۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم رضا مراد بهرامی فرزند بهرام به شماره شناسنامه ۹۷۸۵ و شماره ملی ۳۲۵۱۳۲۱۲۷۷ صادره از کرمانشاه در ششدانگ اعیان یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۹٫۵۴ مترمربع به آدرس کرمانشاه خیابان دانشجو بعثت کوی ۸ متری طالقانی پلاک ۲۳، واقع در محدوده اراضی پلاک ۵۰۶ فرعی از ۲۰۷۲ اصلی بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک اداره اوقاف به عنوان مالک عرصه نسبت به صدور سند مالکیت اعیانی به نام متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۱۴ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰
شماره: ۲۴۲۶/م الف/۱۲ سجاد مؤیدی- رئیس ثبت اسناد و املاک

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب
نوبت اول
فراخوان مناقصه عمومی
توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفا به صورت الکترونیکی (توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می‌باشد.
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره م م/۰۳۳۱/۰۲ مربوط به مرمت و به‌سازی جاده و محوطه چاه ۳۴۷ گچساران
الف- شرح مختصر خدمات
انجام عملیات تخریب، عملیات خاکی، عملیات بنایی با سنگ، اندود و بندکشی، قالب‌بندی و چوب‌بست، کارهای فولادی، بتن‌ریزی، زیراساس، اساس و بالاست، نصب علائم و تجهیزات ایمنی، مرمت محوطه چاه، مرمت سلر، مرمت گودال آبگل، مرمت گودال سوخت، ژئوممبراین، احداث آبرو و پل بتنی در طول مسیر و جاده دسترسی مدنظر می‌باشد.
ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار
محل اجرای خدمات در ۳۰ کیلومتری گچساران و مدت انجام آن ۶ ماه می‌باشد.
ج- برآورد کارفرما
برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۵۳,۳۳۰,۱۳۱,۸۹۵ ریال و تعدیل‌پذیر می‌باشد.
د- شرایط مناقصه‌گران متقاضی
- داشتن ظرفیت آزاد (تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه
- مناقصه‌گران دارای حداقل پایه ۵ گرایش راه و ترابری ضمن داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر، الویت با شرکت‌های بومی استانی می‌باشد. داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی الزامی است. همچنین اصالت گواهینامه مذکور ارائه گردیده می‌بایست در سایت www.mcls.gov.ir رویت گردد. عدم ارائه یا رویت گواهینامه صلاحیت ایمنی به منزله حذف از مناقصه می‌باشد. -توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ -/۲,۶۶۶,۵۰۶,۵۹۵ ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد:
الف: ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق‌الذکر به شماره حساب IR۹۴۰۱۰۰۰۴۰۰۱۱۱۱۶۰۴۰۲۲۰۶۷ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران –اهواز کد ۰ حساب– به نام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
ب: ارائه ضمانتنامه بانکی به میزان مبلغ فوق‌الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰ روز) معتبر بوده و پس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.
- توانایی ارائه ۵٪ مبلغ پیمان (درصورت برنده شدن) به‌عنوان تضمین انجام تعهدات
مناقصه‌گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است به صورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فداییان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان طرح‌های راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.
هـ- محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه‌گران
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی ساده) روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به عمل آید.
۱- مهلت اعلام آمادگی: به صورت الکترونیکی غیرحضوری و از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۵ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۵
۲- مبلغ خرید اسناد و شماره حساب: واریز مبلغ ۷,۶۱۶,۰۰۰ ریال از طریق درگاه موجود در سامانه به نشانی www.setadIran.ir
محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها
متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۵:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمنا پیشنهادات در ساعت ۸:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه‌گران با معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است.
همچنین مناقصه‌گران می‌بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۵:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فداییان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان سابق طرح‌های راه و ساختمان تسلیم نمایند.
همزمان ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.
تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکت‌ها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.
امور حقوقی و قراردادها- شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
WWW.NISOC.IRhttp://iets.mporg.ir - شماره شناسه ۱۶۰۶۲۲۶

آگهی مزایده عمومی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان در نظر دارد دستگاه چیلر جذبی با مشخصات ذیل را از طریق برگزاری مزایده عمومی به افراد واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه متقاضیان می‌توانند با واریز مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) جهت خرید اسناد شرکت در مزایده و مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت تضمین شرکت در مزایده به شماره حساب ۰۲۱۶۲۲۴۳۹۷۰۰۷ نزد بانک ملی به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان به صورت حضوری به اداره حقوقی دانشگاه واقع در تاکستان کیلومتر ۵ جاده همدان مجتمع آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان مراجعه نمایند.
مشخصات فنی چیلر جذبی:
دستگاه چیلر جذبی به ظرفیت ۲۱۰ تن تبرید، از نوع شعله مستقیم، ساخت شرکت هیوندای کره جنوبی
HDFN-۲۱۰ مدل
۵۵۶۰۰۰Kcal/hr به ظرفیت حرارتی
دارای مشعل گازسوز، بخش‌های ابزوربر و ژنراتور، پمپ خلأ به همراه برج خنک‌کن مربوطه از نوع فایبرگلاس با فن محوری.
-مهلت خرید اسناد مزایده و تحویل آن از تاریخ آگهی ۱۰ روز کاری می‌باشد.
-محل تحویل اسناد و پاکت پیشنهاد قیمت دفتر حراست واحد واقع در ساختمان اداری طبقه دوم
-تضمین شرکت در مزایده فوق‌الذکر می‌بایست به صورت واریز به حساب شماره ۰۲۱۶۲۲۴۳۹۷۰۰۷ نزد بانک ملی به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان واریز گردد.
-هزینه آگهی و کارشناسی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.
-دانشگاه در رد یا قبول کلیه پیشنهادات اختیار کامل دارد.
-به پیشنهادهای مشروط، مبهم و فاقد سپرده ترتیب اثر داده نخواهد شد.
-شرکت در مزایده و دادن پیشنهاد قیمت به منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار و آیین‌نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد.
پیشنهادهای واصله باید در دو پاکت جداگانه (الف) حاوی اسناد و مدارک و تضمین شرکت در مزایده و فیش خرید و (ب) حاوی پیشنهاد قیمت باشد. درصورت نقص مدارک لازم در پاکت (الف) از بازگشایی پاکت (ب) خودداری خواهد شد.

کانون تبلیغاتی سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵

ادامه از صفحه ۴

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مخترع جوان واحد کرج در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از مسیر پرفراز و نشیب علمی خود می‌گوید

باشگاه پژوهشگران بستر خوبی برای شروع نوآوری است

دانشگاه آزاد برای آموزش‌های مهارتی ارزش زیادی قائل است

فضای تجهیزات حرفه‌ای در دانشگاه آزاد ایجاد شود

مطهره‌سادات قاسمی
خبرنگار گروه دانشگاه

انگیزه برای فعالیت در هر حوزه‌ای می‌تواند مانند یک موتور پیشران عمل کند، اما تلاش و استعداد نیز بسیار اهمیت دارد. به‌کارگیری این سه عامل و پیوست آنها با علم می‌تواند مسیر پیشرفت را بر کشورها باز کند. واقعیت این است که توسعه و پیشرفت کشورها در زمینه‌های مختلف به دست نخبگان و همین افرادی که انگیزه، تلاش و استعدادهایشان را با علم گره زده‌اند رخ می‌دهد. به همین دلیل می‌توانیم بگوییم که علت عقب‌ماندگی یا پیشرفت کشورها به میزان فعالیت هوشمندانه نخبگان و نیروی انسانی متخصص منعطف می‌شود. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران ایران برای دستیابی به توسعه در حوزه‌های مختلف به‌ویژه علم و فناوری باید تا سال‌ها بدون وقفه تلاش کند. از طرفی گفته می‌شود داشتن نیروی متخصص یکی از دلایل پیشرفت کشورهاست. آیا ایران از نیروی متخصص تهی است؟ باید بگویم که خیر، اتفاقا تربیت نیروی متخصص در کشور روند خوبی دارد اما این روند زمانی خوشایند و مثمر ثمر خواهد بود که با حمایت از جامعه نخبگانی بتوان از مهاجرت آنها جلوگیری و اتفاقا بستر را برای جوشش انگیزه برای شروع فعالیت‌هایشان آماده کرد. امیرحسین حیدریان، فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی‌ارشد در رشته نانو از دانشگاه علم و صنعت است که نوآوری‌هایش در سال‌های تحصیل و ماقبل تحصیلش در دانشگاه او را عضو جامعه نخبگانی کرد. از کودکی به اختراع و نوآوری علاقه‌مند بود و به گفته خودش شرکت در کلاس‌های فنی‌وحرفه‌ای به اهدافش جهت داده است. جارو شارژی کوچک نیز اولین اختراع دوران خردسالی‌اش بود. حیدریان مقطع کارشناسی را در رشته مهندسی برق دانشگاه آزاد واحد کرج گذرانده و با اینکه چندسالی است که فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد شده اما هنوز هم رفت‌وآمد پررنگی به این بستر علم و مهارت‌آموزی دارد. او یکی از اعضای فعال باشگاه پژوهشگران جوان و مرکز رشد دانشگاه آزاد واحد کرج بوده و معتقد است تحصیل در دانشگاه آزاد به دلیل اینکه مسئولان صرفا جنبه تئوری دروس را مدنظر قرار نداده و به مهارت‌آموزی دانشجویان نیز توجه ویژه دارند، یک امتیاز مثبت است. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با امیرحسین حیدریان، نخبه دانشگاه آزاد درباره مسیر فعالیت‌هایش در عرصه علم و فناوری را در ادامه می‌خوانید.

انگیزه شما از انتخاب این رشته تحصیلی در دانشگاه چه بود؟

علاقه من به نوآوری از کودکی همراهم بود، از سال ۱۳۸۴ که کلاس اول ابتدایی بودم، ساخت وسایل جدید را دوست داشتم. پس از آن با حضور در کلاس‌های فنی‌وحرفه‌ای در کنار تحصیل فعالیت‌های نوآورانه را ادامه دادم، همچنین در سال ۱۳۸۵ توانستم پاک‌کن برقی و جارو شارژی را بسازم. خانواده و مسئولان دبستانی که در آن درس می‌خواندم برای ثبت این اختراعات پیگیری زیادی انجام دادند اما متاسفانه به دلیل سن پایینی که داشتم موفق به ثبت اختراع نشدیم. پس از آن با توجه به علاقه‌مندی به اختراعات و فعالیت در حوزه رباتیک رشته مهندسی برق بهترین انتخاب برای ادامه تحصیل در دانشگاه بود. مواد در لایه‌های ریزتر خواص جدیدی دارند و تلفیق بستر علمی مهندسی برق با رشته نانو باعث به وجود آمدن ترکیب و محصولات نوآورانه می‌شود، به همین دلیل رشته نانو انتخاب من برای مقطع کارشناسی‌ارشد بود.

در چه حوزه‌ای فعالیت دارید و چطور آن را شروع کردید؟ چه مسیری طی شد که توانستید در سطح حضور در نمایشگاه‌ها و مسابقات قرار بگیرید؟

تمام اختراعاتم در حوزه برق است. در حال حاضر نیز بر طرح‌های وایرلس تمرکز دارم. در ابتدا انتظارات خودم را از دیگران پایین آورده و خودم برای حوزه فعالیتم تلاش کردم. تولید اختراع نیاز به حضور در کلاس‌های مختلف و ثبت اختراع کارهای اداری زیادی داشت؛ در کنار آن تحصیل، درس و دانشگاه نیز حائز اهمیت بود. علاقه‌مندی من به این حوزه و زمان زیادی که صرف طرح‌ها و ایده‌هایم می‌کردم باعث موفقیت، ثبت اختراع و حضور در نمایشگاه‌های مختلف مانند نمایشگاه هفته پژوهش و فناوری، سئول و... در زمینه نوآوری شد. برای مثال اگر ساعت هشت صبح مشغول تحقیق و طرح‌هایم می‌شدم تا ۱۱ شب، فقط ۳۰ دقیقه را به استراحت و غذاخوردن اختصاص می‌دادم، این زمان زیادی که برای کار می‌گذاشتم به دلیل علاقه‌ام به فضای نوآوری و برق بود و متوجه گذر زمان نمی‌شدم.

چرا این حوزه را برای فعالیت انتخاب کردید؟

اختراع و ساخت محصولی که بتواند باعث پیشرفت، رشد و کمک به بشریت شود یکی از بزرگ‌ترین اهداف من است. برای مثال همان‌طور که می‌بینیم تلفن همراه یا خودرو تحول گسترده‌ای در زندگی انسان‌ها ایجاد و روند رسیدگی به کارهای روزمره را سریع‌تر کرد. مسیر فعالیتم در راستای همین هدفی است که مشخص کرده‌ام و در حال بررسی طرح کاهش سیم‌کشی‌های برق و شهر هوشمند نیز هستم به همین دلیل بیشتر اختراعات من در حوزه وایرلس با ویژگی عدم نیاز به سیم‌کشی برق است.

خروجی و کاربرد فعالیت‌های خود را تشریح کنید؛ آخرین اختراع یا فعالیت شما چه بود؟

کلید مخفی خودرو که می‌تواند جایگزین دزدگیرها باشد، هزینه ساخت پایین‌تر و کاربرد بیشتری دارد. برای مثال اعلام لوکیشن، استارت خودرو، غیرقابل دسترس بودن آن و... از ویژگی‌های این محصول است. دماسنج هوشمند نیز در مکان‌های حساسی مانند گلخانه یا آکواریوم‌ها که نیاز است دمای هوا درجه خاصی داشته باشد کاربرد دارد. لامپ‌های وایرلس با قابلیت استفاده در آب و کنترل‌گر فیدبک‌دار محیط گلخانه که جزئی از پروژه دانشگاهم بود و ۱۶ کانال برای تنظیم محیط گلخانه را در دسترس افراد قرار می‌دهد. شارژر وایرلس نیز از مهم‌ترین اختراعات من است که امکان شارژکردن هرچیزی را در کمترین زمان و بدون محدودیت مکانی در اختیار افراد می‌گذارد. خروجی این فعالیت‌ها تا به الان در حد نمونه‌های اولیه بوده است، یعنی همه محصولات آماده است و باید در بهترین حالت سرمایه‌گذاری پیدا شده و سرمایه اولیه را در اختیار من بگذارد، همچنین در حال حاضر پیگیر ثبت مجوز دانش‌بنیان شرکت هستم تا بتواند روی این مجوز وام دریافت کرده و کارم را شروع کنم. این شرکت را با کمک دانشگاه آزاد ثبت کرده‌ام.

چه نیازسنجی در حوزه وایرلس داشتید که به سمت این اختراعات حرکت کردید؟

نیازسنجی بر تمام طرح انجام شده است. برای مثال ماشین‌های سنگین به دلیل قدیمی بودن سیستم‌هایشان از شارژر وایرلس پشتیبانی نمی‌کنند، اما حالا به ساخت شارژر وایرلس استفاده از این ویژگی در ماشین‌ها برای مسافت طولانی امکان‌پذیر است؛ در ادامه اقداماتی صورت گرفت که بتوانیم با ولتاژهای مختلف از آن خروجی گرفته و حتی با استفاده از آن زیردریایی و کوادکوپتر شارژ کرد. این ویژگی وجه تمایز محصول من با مشابه‌هایی است که فقط ورژن ۵ ولت دارند.

حین طرح چه دیدگاهی داشتید و چه تغییراتی در مسیر اتفاق افتاد؟ آیا محصول نهایی با طرح ذهنی شما همخوانی داشت؟

حدود شش سال بر محصول شارژر وایرلس کار کردم و همین بازه زمانی طولانی باعث شد تغییرات زیادی بر طرح اعمال شود و به‌طور کلی طرح اولیه ذهنی من دستخوش تغییرات زیادی شد. البته باید بگویم که این طرح هنوز هم درحال به‌روزرسانی است و به‌دلیل حوزه پیشرفته‌ای که دارد قابلیت و ویژگی‌های زیادی برای ارائه خواهد داشت.

در مسیر فعالیت خود با چه ارگان‌هایی در ارتباط بودید و کدام ارگان از شما حمایت کرد؟

پیگیر همکاری و دریافت حمایت از ارگان‌هایی مانند بنیاد نخبگان بودم، البته حمایت‌های باشگاه پژوهشگران جوان بسیار عالی است زیرا از زمان دانشجویی می‌توانیم یک پروپوزال حرفه‌ای جمع‌آوری کنیم ولی برای تولید عمده هنوز موفق به ارتباط موثر با ارگانی نشدم. در مراکز رشد و مدیرعامل‌های شرکت‌هایی که در مراکز رشد حضور داشتند ارتباط دارم که برخی از آنها بر اطلاعات و مهارت‌های جوانان سرمایه‌گذاری می‌کنند. اما در دیدگاه من سرمایه‌گذاری و تکیه بر خودم را وضعیت مطلوب‌تری می‌دانم.

بستر فعالیت شما کجا بود؟ و کجا به تحقیق و فعالیت می‌پرداختید؟

فضای مجازی و اینترنت به جهت جمع‌آوری اطلاعات بستر بسیار کمک‌کننده بود، البته که فضای دانشگاه و باشگاه پژوهشگران جوان بستر دیگری بود که تحقیقات و ساخت محصولات در آن صورت می‌گرفت.

آیا این اختراعات جای ارتقا دارد؟

محصولات و اختراعات در حوزه برق و نانو را می‌توان به‌صورت روزمره ارتقا داد و به‌روزرسانی کرد.

محل عرضه اختراعات شما کجاست؟

هرکدام از محصولات حوزه مخصوص به خود را دارند. کلید مخفی خودرو در صنایع خودرو قابل عرضه است و کارخانه ایران خودرو و سایپا می‌توانند از این محصول استفاده کرده و به این واسطه از طرح من حمایت کنند. شارژر وایرلس در حوزه‌های گسترده‌ای مانند های‌تک، ماشین، لوازم خانگی و... قابل استفاده است. دماسنج هوشمند را نیز می‌توان در منزل استفاده کرد و از هدررفت برق جلوگیری کرد. برای مثال در تابستان که هوا بسیار گرم است در بیشتر مواقع از شب تا صبح کولر روشن است، درحالی‌که نیازی نیست روشن بماند از طرفی پنل‌های هوشمند نیز گران هستند و این دماسنج با قیمت تمام‌شده کمی که دارد به‌راحتی می‌تواند در دسترس همه افراد قرار بگیرد و به‌عنوان قسمتی از خانه هوشمند به حساب بیاید. استفاده از این محصول مصرف انرژی را تا حد قابل توجهی کاهش می‌دهد. کنترل‌گر فیدبک‌دار دما می‌تواند به‌صورت خودکار دمای هوا را مورد بررسی قرار داده و به مقدار نیاز و با توجه به هوای محیط خانه مصرف انرژی را کم یا زیاد کند. یا اگر فردی گلخانه‌ای داشته باشد و بخواهد که دمای نور و دمای آب را ثابت نگه دارد قطعا استفاده از این محصول می‌تواند بهترین انتخاب باشد.

آیا این محصولات نمونه خارجی دارد؟

هیچ‌کدام از محصولات نمونه خارجی ندارند، شارژر وایرلس تنها نمونه‌اش همان شارژرهایی است که در بازار می‌بینیم که کاربرد متفاوتی دارند.

تولید محصولات وایرلس در کشور تا چه میزان از خروج ارز جلوگیری می‌کند و چه سودآوری‌ای خواهد داشت؟

به‌دلیل اینکه این محصولات نمونه خارجی ندارند قطعا با سرمایه‌گذاری مناسب برای تولید انبوه می‌توانیم آنها را به کشورهای خارجی صادر کنیم و در همه نقاط دنیا قابلیت استفاده دارد.

به‌نظر شما دانشگاه آزاد بستر مناسبی را برای فعالیت دانشجویان علاقه‌مند به حوزه شما فراهم می‌کند؟

در دانشگاه آزاد دانشجویان وقت و فرصت بیشتری برای رسیدگی به علاقه‌مندی‌ها یا اختراعات و فعالیت‌های پژوهشی دارند. این دانشگاه بستر علمی بسیار خوبی برای دانشجویان فراهم کرده و پارک‌های علم و فناوری فعالی دارد؛ هرچند دانشگاه‌های دولتی هم از این امکانات برخوردار هستند اما دانشگاه‌های سراسری بیشتر جنبه تئوری داشته و درس خواندن و نمره بالا گرفتن دارای اولویت بیشتری است. من هم در دانشگاه دولتی و هم در دانشگاه آزاد تحصیل کرده‌ام و وجه تمایز این دو را خوب می‌دانم. دانشگاه آزاد برای کارهای علمی و فراگرفتن آموزش‌های مهارتی دانشجو ارزش زیادی قائل است. اما در هر مقطع و بستری اولین نقطه پیشرفت خودمان هستیم و پس باید برای رسیدن به اهداف‌مان تلاش کنیم.

باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد چه ظرفیت‌هایی دارد و چه امکاناتی را در اختیار شما می‌گذارد؟

نمایشگاه‌هایی که دانشجویان به‌واسطه باشگاه پژوهشگران جوان توانستند در آنها حضور فعال داشته باشند یا نمایشگاه‌هایی که توسط خود دانشگاه آزاد برگزار شد، بسیار تاثیرگذار و مفید بود. همچنین اگر دانشجویان در باشگاه پژوهشگران جوان عضو باشند می‌توانند در مسابقات مختلفی شرکت کرده و کارت عضویت دریافت کنند. فعالیت بالا در باشگاه پژوهشگران می‌تواند منجر به تشخیص استعداد درخشان بودن دانشجویان شود که این مساله برای دانشجو ویژگی‌های مثبت زیادی به‌دنبال خواهد داشت. به‌طور کلی باشگاه پژوهشگران برای شروع فعالیت‌های رباتیک و نوآورانه بستر خوبی است و حمایت‌های مالی زیادی دارد.

بستر دانشگاه از این پس چه کاری می‌تواند درجهت پیشرفت شما انجام دهد؟

دانشگاه آزاد باید فضای تجهیزاتی حرفه‌ای را ایجاد کند. من در رشته برق تحصیل می‌کردم، تجهیزات برق در دانشگاه آزاد کم و کسرهای زیادی داشت. البته تا حدودی امکانات لازم را دارد اما در حال حاضر شاهد وسایل و تجهیزات به‌روزتری در بازار هستیم. همچنین باید اتاقی مجهز به پرینتر سه‌بعدی درنظر گرفته شود که دانشجویان بتوانند خروجی ایده‌ای که طراحی کرده‌اند را دریافت کنند و مجبور نباشند به هزینه‌های بالای فروشگاه‌های خارج از دانشگاه تن بدهند. دستمزد تراش و پرینت سه‌بعدی در فروشگاه‌های خصوصی بسیار بالا است، حتی می‌توانند بودجه‌ای در اختیار دانشجویان گذاشته و از آنها بخواهند که تجهیزاتی مانند پرینتر سه‌بعدی و دستگاه تراش را خودشان بسازند. حمایت از جوانان و دانشجویان اهمیت زیادی دارد و دانشجویان نخبه برای شروع کار واقعا نیاز به کمک دارند. برگزاری مسابقات استارتاپی نیز بسیار موثر است. تجمع دانشجویان در کنار همدیگر به‌دلیل اینکه می‌توانند از تجربیات و علم یکدیگر بهره‌مند شده و ایده‌های جدید ارائه دهند، مفید و فایده‌دار است؛ البته هزینه‌های ورودی مسابقات باید کاهش پیدا کند تا از سمت دانشجویان شاهد استقبال بیشتری باشیم.

رئیس واحد تهران شرق در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

به دنبال راه‌اندازی مجموعه آزمایشگاهی زیست فناوری هستیم

۴ ایده بزرگ تهران شرقی‌ها برای تداوم جریان تحول واحد

فاطمه طاری‌بخش
خبرنگار گروه دانشگاه

واحد تهران شرق دانشگاه آزاد با قرار گرفتن در موقعیت خاص جغرافیایی پتانسیل بالایی در تعامل با واحدهای صنعتی و به صحنه آوردن پتانسیل‌های شرق تهران دارد. از این رو در هفته جاری هم آیین افتتاح هفت پروژه در این واحد برگزار شد تا زمینه‌های لازم برای افزایش فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فناورانه واحد فراهم شود. سیدعلی موسوی‌اصل، رئیس واحد تهران شرق دانشگاه آزاد درباره برنامه‌های آتی این واحد دانشگاهی گفت: «ارتقای کارگاه صنعتی را در دستورکارمان داریم؛ همچنین با مجموعه‌های صنایع دفاع در ارتباط هستیم تا بتوانیم قطعه‌سازی را انجام دهیم. همچنین برنامه داریم تا در ارتباط با صنعت برای معادن کشور نیز قطعه‌سازی داشته باشیم. قطعه‌سازی برای خودروسازان را نیز دنبال می‌کنیم. به دنبال یک پروژه ملی برای حفاری لوله‌های چاه نفت هم هستیم. این پروژه در ایران وجود نداشته و نبود آن باعث خروج ارز از کشور می‌شود؛ بنابراین به دنبال آن هستیم تا این فناوری را درکشور داشته و به دانشگاه بیاوریم و بستر آن را فراهم کنیم تا با این طرح ملی جلوی ارزبری را بگیریم.» او درباره برنامه‌های آتی خود برای آزمایشگاه واحد تهران شرق بیان کرد: «به دنبال مجموعه آزمایشگاهی زیست فناوری هستیم تا بتوانیم در چرخه آزمایشگاهی زیست و شیمی امکاناتی را در بخش پژوهش و تحقیقاتی فراهم کرده تا تمام دانشجویان بتوانند از آن بهره‌مند شوند. راه‌اندازی آزمایشگاه همکار استاندارد بتن در مرکز تحقیقات بتن نیز یکی از برنامه‌های آینده خواهد بود.» رئیس دانشگاه آزاد واحد شرق با اشاره به گلخانه هیدروپنیک افزود: «چشم‌اندازمان تولید گل‌های زینتی در این گلخانه است تا بتوانیم تولید گل‌های زینتی را با توجه به اینکه این منطقه پایتخت گل‌های زینتی کشور است دنبال کنیم.»

برنامه‌ریزی ویژه تهران شرقی‌ها برای کلینیک خودرویی

موسوی‌اصل درباره طرح کلینیک سبز خودرویی ایران توضیح داد: «این کلینیک خودرویی چندین امتیاز بسیار جذاب دارد. از مرکز معاینه فنی تا پمپ‌بنزین و اسقاط خودرو و همچنین مکانیکی، برق و جلوبندی و... در آن وجود دارد. در این مرکز حتی پلیس +۱۰، پیست اتومبیلرانی و بیمه خودرو دایر است. بنا داریم تا اپلیکیشنی را طراحی کنیم تا هرکسی که خودروی او دچار نقص بوده و فرصت کافی برای پیگیری ندارد یا جای امنی را نمی‌شناسد، به ما مراجعه و در اینجا ثبت درخواست کند. از طریق نیروی دانشجو اتومبیل را تحویل گرفته و کارهای آن را انجام داده و به او برمی‌گردانیم. این کلینیک خودرویی کار بسیار عظیمی است و طرح امکان‌سنجی آن بیش از پنج ماه طول کشید. از این به بعد در مرحله رایزنی برای جذب سرمایه‌گذار هستیم. در فاز اول مرکز معاینه فنی را در دست اقدام داشته و فکر می‌کنم تا دو یا سه سال انجام این طرح زمان می‌برد. ۲۱۰ میلیارد تومان هزینه برای راه‌اندازی آن پیش‌بینی کرده‌ایم که درنهایت ۵۰۰ نفر اشتغالزایی خواهد داشت. نوع اشتغالزایی ما برای افراد تحت پوشش کمیته امداد است.»

پروژه‌ای با آورده ۱۰۰ میلیارد تومانی در ماه برای دانشگاه

او در ادامه درباره طرح لوله‌های حفاری نفت گفت: «چاه‌های نفت حدودا بین چهار تا پنج کیلومتر است و لوله‌هایی که در این چاه‌ها قرار می‌گیرد دو نوع است. این لوله‌ها که متراژی بین ۹ تا ۱۲ متر دارند باید در هم رزوه شوند تا به پنج کیلومتر برسند. فناوری رزوه‌زنی در ایران وجود ندارد و این لوله‌ها به خارج از کشور رفته و رزوه می‌شوند و دوباره باز می‌گردند. ۶۵ هزار لوله در ماه در کشور تولید می‌شود. دانشگاه آزاد واحد تهران شرق با همکاری شرکتی دانش‌بنیان توانست برای اولین بار به این فناوری دست پیدا کند. ما نمایندگان شرکت نفت را داشتیم و نمونه نیز برای آنها تولید کرده و در مرحله‌ای هستیم که بتوانیم سرمایه لازم را از طریق دانشگاه تامین کنیم و بعد از تامین آن در اسرع وقت دستگاه‌ها مستقر و تولید را آغاز خواهیم کرد. این ۶۵ هزار لوله‌ای که در ماه در کشور تولید می‌شود باید رزوه شوند و هر لوله‌ای بیش از ۲۰ میلیون تومان سود خالص خواهد داشت. علاوه‌بر لوله‌های تولیدی، لوله‌های فعلی نیز نیاز به رزوه‌زنی دوباره دارد. دانشگاه اگر بتواند بخشی از سرمایه خود را بگذارد و در سه شیفت کار کند، شاید بتوانیم پنج هزار لوله را در ماه رزوه کنیم. بیش از پنج ماه پیگیر تامین سرمایه هستیم اما تا این لحظه نهایی نشده است؛ البته معاون فناوری و نوآوری دانشگاه شخصا ورود و پیگیری کردند. این پروژه ملی است و با این اتفاق می‌توان سیگنال توانمند بودن کشور را فرستاد.» رئیس دانشگاه آزاد واحد شرق در پایان افزود: «در کارگاه مهندسی معکوس با چند گروه وارد مذاکره شدیم. یکی از آنها معادن و چند خودروسازی است که بسیار مشتاق برای همکاری با دانشگاه هستند و با وزارت دفاع نیز وارد مذاکره شده‌ایم. صنایعی که نام برده شد، اشتیاق زیادی برای همکاری دارند به این دلیل که نیروی متخصص استاد دانشگاه است. همچنین نیروی کار جوان دانشجو است و ذی‌نفع شخصی نداریم و این موضوع باعث افزایش امنیت خاطر ارگان‌ها شده است.»

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

محسن فائضی، کارشناس مسائل اسرائیل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

فشار جریان مقاومت صهیونیست‌ها را به‌سمت قبول یک توافق موقت سوق می‌دهد

محسن فائضی، پژوهشگر مسائل فلسطین دیگر کارشناسی بود که برای بررسی استراتژی فعلی صهیونیست‌ها و سرنوشت آتش‌بس احتمالی غزه با او گفت‌وگو کردیم. او تن دادن رژیم صهیونیستی به یک آتش‌بس در غزه را ناشی از عدم تحقق اهداف این رژیم در جنگ می‌داند. مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اهداف صهیونیست‌ها از جنگ محقق نشد

فائضی در توضیح اینکه صهیونیست‌ها تا چه حد توانسته‌اند در رسیدن به اهداف خود در غزه دست پیدا کنند گفت: «درباره آتش‌بس برای اولین‌بار توضیحاتی از توافق در رسانه‌ها گفته می‌شود، یعنی مذاکرات برای توافق فعلا مطرح است. در همین دو، سه هفته گذشته هروقت بحث آتش‌بس مطرح شد، چه رسانه‌های رژیم صهیونیستی و چه مقامات رسمی آمریکایی، از موقت بودن آن صحبت کردند و این آتش‌بس برای صهیونیست‌ها آتش‌بس نهایی نخواهد بود. صهیونیست‌ها فعلا چه در بحث آزادی اسرا یا به‌قول خودشان گروگان‌ها و چه در موضوع نابودی حماس به اهداف خود نرسیده‌اند. آنها با این دو هدف و دو مساله وارد جنگ شدند و فعلا با تحقق آن خیلی فاصله دارند، لذا فعلا حرف از آتش‌بس موقت است. به‌هرحال فشارهایی که در این ۴۵ روز علیه غزه رخ داده، چه درخصوص حمله زمینی، چه حجم کشتار و چه فشار اجتماعی خیلی جدی است، حتی عدم ورود سوخت این فشارها را بیشتر کرده است. صهیونیست‌ها می‌خواهند اینها را تبدیل به یک امتیاز سیاسی کنند، ولو امتیاز موقت که در مقابل آن حرف از آزادسازی اسرا باشد. درحال حاضر مساله آزادسازی اسرا مطرح است و حدود ۵۰ نفر از اسرا- که نصف‌شان خارجی هستند- قرار است آزاد شوند. فشار آمریکا به‌ویژه برای آزادی همه اسرای دوتابعیتی خیلی بیشتر شده است. از طرفی اسرائیلی‌ها الان اصلا به‌دنبال آتش‌بس نیستند؛ چراکه با هدف جنگ خیلی فاصله دارند و به‌نظرم فشار جریان مقاومت، تلفات در غزه، اقدامات لبنان و یمن و اقداماتی که عراق و سوریه انجام می‌دهد به اضافه فشار جهانی، باعث شده که رژیم صهیونیستی مجبور به پایان جنگ شود، لذا آتش‌بس محدودی می‌خواهد که تعدادی از اسرایش آزاد شوند که حداقل بخشی از اهدافش محقق شود تا بتواند هم افکار عمومی جهان را ترمیم و هم ادعا کند که تن به یک آتش‌بس داده و سوخت و اقلام وارد غزه شده است و دیگر اینکه با آزادسازی ولو تعداد کمی از ۲۵۰ نفر اسیر که خودش ادعا کرده، افکار عمومی داخلی خود را ترمیم کند. البته فعلا حماس حتی تعداد دقیق اسرا را اعلام نمی‌کند و می‌خواهد به‌عنوان اهرم فشار مذاکره به آن نگاه کند. اما چیزی که مطرح است این است که احتمالا ورود اقلام و سوخت در مقابل آزادسازی اسرایی است که حماس دارد. فعلا حرف‌ها از آتش‌بس در این موضوعات هستند و طرح آتش‌بس کامل نبوده به این دلیل که صهیونیست‌ها به هیچ یک از اهداف‌شان در جنگ نرسیده‌اند.»

پلن نهایی صهیونیست‌ها تخلیه نوار غزه است

فائضی درباره هدف و راهبرد نهایی صهیونیست‌ها در حمله زمینی گفت: «پلن نهایی اسرائیلی‌ها که صراحتا هم مطرح می‌کنند، تخلیه نوار غزه است. اما مرحله قبل‌تر و آنچه برای اسرائیلی‌ها منطقی‌تر است، این است که پایان جنگ اتفاق بیفتد. آنها می‌خواهند مدیریت نوار غزه در اختیار هر طرفی غیر از حماس باشد. حالا یا تاسیسات خودگردان یا خود اسرائیلی‌ها یا حتی کشورهای عربی، این چیزی است که به‌نظر من اینها دنبالش هستند. اما این با واقعیت خیلی فاصله دارد و خودشان هم می‌دانند، لذا برای همین است که از جنگ طولانی‌مدت حرف می‌زنند و سعی می‌کنند افکار عمومی را برای جنگ طولانی‌مدت مجاب کنند. پلن نهایی‌شان این است. هدف بلندمدت تخلیه غزه است که صراحتا هم مطرح می‌کنند. هدف میان‌مدت گرفتن کنترل غزه از حماس است. حالا ممکن است این تصرف حاشیه‌هایی داشته باشد، مثلا اختیارات تشکیلات خودگردان بیشتر شود یا خودشان مدیریت کنند. اتفاقی که بعد از توافق اسلو افتاد. طبق توافق اسلو قرار بود غزه دست فلسطینی‌ها بیفتد، لذا کنترل نوار غزه را به تشکیلات خودگردان دادند. آن موقع به محمد دحلان دادند، در سال ۲۰۰۶ اسرائیل به‌طور کامل خارج شد و غزه به دست حماس افتاد. اما هدف کوتاه‌مدت و مجبور به پایان جنگ شوند، حداقل هدف آتش‌بس کوتاه‌مدت است و اینکه اتفاق طوفان الاقصی دیگر تکرار نشود. درکنار آن آزادسازی اسرا را هم به‌عنوان هدف درنظر دارند. این آزادسازی اسرا برای اسرائیل یک مساله‌ای دارد و آن هم این است که مابه ازای آن چه خواهد بود، یعنی حماس به تبادل چند اسیر راضی خواهد شد؟ بسیار مساله مهمی است، یعنی آنها می‌خواهند بیشترین اسرا را بگیرند ولی کمترین اسیر از فلسطینی‌ها آزاد کنند، لذا شما می‌بینید الان آماری که مرکز اسرای فلسطین اعلام می‌کند، این است که بعد از ۷ اکتبر، حداقل دوهزار فلسطینی در کرانه باختری بازداشت شدند. رقم عجیبی است. ما قبل از ۷ اکتبر جمعا شش‌هزار اسیر داشتیم. الان این شش‌هزار به هشت‌هزار رسیده است. اینها برای آن است که در تبادل بتواند مبادله کند.»

فائضی در ادامه اشاره‌ای نیز به ادعای صهیونیست‌ها درباره وجود تونل‌ها در بیمارستان‌های غزه داشت و گفت: «این حجم از فضاسازی صهیونیست‌ها عجیب است. مثلا الان موشک‌هایی ساخته‌اند که صفحه ارتش اسرائیل و شخص نتانیاهو اینها را در توییتر منتشر می‌کرد. مثلا اتاق‌های بیمارستان الشفا را نشان می‌دهند و ادعاهایی در چنین سطحی مطرح می‌کنند. تفاوت این ادعاها با واقعیت عجیب است. اینکه چرا آنها برای چیزی که شبیهش هم وجود ندارد، باید این همه فضاسازی کنند؟ بیمارستان الشفا از منظر استراتژی هم هیچ چیز خاصی نبود. نزدیک ساحل در غزه است و اصلا خارج از غزه محسوب می‌شود. اینطور نیست که رسیدن به الشفا، مانند رسیدن به مرکز شهر غزه باشد. محل مهم شهر غزه، شهرک الزیتون است. در جنگ قبلی هم در همین محل اسرائیل نتوانست ورود پیدا کند و مجبور به پایان دادن جنگ شد. اینها در شهر غزه است. این حجم از فضاسازی برای یک بیمارستان واقعا اتفاق عجیبی بود. یک موقعی شما می‌گویید این مرکز، مرکز مهمی است و دست به هر دروغی می‌زنید تا به آن برسید. به‌نظر من بیشتر یک شکست اطلاعاتی عجیب‌وغریب بود. اینکه چرا صهیونیست‌ها این حجم تبلیغات برای این بیمارستان داشتند را نمی‌دانم. اما در فضای عربی به‌شدت مورد تمسخر واقع شدند و دو سه روز رسانه‌های داخلی رژیم صهیونیستی، انتقادات شدیدی مطرح کردند و رسوایی تمام عیاری برای این رژیم اتفاق افتاد.»

آتش‌بس موقتی است اما مختصر نخواهد بود

فائضی در ادامه به این نکته اشاره کرد که حماس نیز از آتش‌بس موقت در غزه استقبال می‌کند: «اولین چیزی که در رسانه‌های اسرائیلی، آمریکایی و یا عربی مطرح می‌شود، حرف از آتش‌بس موقت بشردوستانه است. حماس هم از این استقبال می‌کند. به چند دلیل؛ اول اینکه فشار اجتماعی را کم کند. مخصوصا با ورود سوخت و کالا این اتفاق محقق می‌شود. الان ما در بخش‌های مختلف و مخصوصا پزشکی با یک فاجعه عجیب مواجه هستیم. چرا رژیم صهیونیستی اینقدر روی بیمارستان‌ها حساس است؟ برای این است که این را به عنوان پذیرش شروط در آتش‌بس نهایی بدانند و حماس دیگر چیزی برای از دست دادن نداشته باشد. از نظر اجتماعی الان واقعا بیمارستان با این حجم از مجروحان و کشته‌شدگان مورد توجه قرار دارد. نکته دیگر این است که حماس هم دوست دارد از این اسیران دوتابعیتی، رهایی پیدا کند، حتی اسرای غیرنظامی هم برای حماس خیلی مساله‌ای نیستند و احتمالا آنها را آزاد خواهد کرد. اصل مساله تبادل اسرای نظامی است که آن موقع حماس می‌تواند امتیاز بگیرد. در این مرحله حماس به دنبال کم کردن فشار است و رژیم صهیونیستی هم به دنبال آزادی اسراست که حداقل دستاوردی داشته باشد. اینکه چرا تا الان رژیم صهیونیستی تن به آتش‌بس نداده است و الان راضی شده، به دلیل بیشتر شدن فشارها است. مثلا هفته گذشته گفته می‌شد که چهار ساعت در روز، آتش‌بس برقرار شود. بعد گفتند سه روز و حالا این تبدیل به پنج روز شده است. این یعنی حماس در حال فشار آوردن است. هرچند قرار است آتش‌بس موقتی باشد، نباید مختصر باشد. باید به نحوی باشد که حماس واقعا دستاوردی داشته باشد.»

فائضی در ادامه این نکته را مورد تاکید قرار داد که اسرائیلی‌ها فعلا نمی‌توانند آتش‌بس را نهایی کنند: «الان اسرائیلی‌ها واقعا در موقعیتی نیستند که آتش‌بس را نهایی کنند، چون هم دستاورد به دست نیاورده‌اند و هم اینکه فشار روی آنها زیاد است. الان فشارهای افکار عمومی آنقدر اهمیت دارد که می‌خواهند جنگ را تمام کنند. لذا اگر این دو مولفه تغییرکند، ما به سمت پایان جنگ می‌رویم. البته شما می‌دانید اقدامات محور مقاومت در لبنان روز به روز بیشتر می‌شود. دیدیم حجم حملات بیشتر شده است، توقیف کشتی توسط یمن و امثالهم به‌نظرم پلن‌هایی است که محور مقاومت اجرا می‌کند تا اسرائیل را به سمتی ببرد که به آتش‌بس دائمی برسند. گذر زمان از این باب، به‌نظر من به نفع ما نیست. رژیم صهیونیستی به دنبال اجرای پلنی است تا ضربه به حماس وارد کند و بعد از آن به سراغ نابودی حماس برود. درنهایت هم واگذاری تشکیلات به گزینه‌ای دیگر است. لذا اگر جنگ تمام شود، ما بیشترین دستاورد را نسبت به چیزی که اسرائیلی‌ها دنبال آن هستند، داریم. بنابراین پایان جنگ فعلا به نفع ماست.»

عادت می‌کنیم!

خطر ابتلا به روزمرگی در میانه بحران

علیرضا نادری
کارشناس رسانه

«ساکنان دریا، پس از مدتی صدای امواج را نمی‌شنوند.» این یک جمله عامیانه و فراگیر اما به‌مراتب علمی است. انسان در اثر مواجهه چندباره با موقعیت‌های غیرمعمول به آن عادت می‌کند. ساختار ذهن توانایی سازگاری با شرایط مختلف را دارد و این سازگاری می‌تواند در اثر تکرار و تجربه عوامل مختلف رخ دهد. یکی از دلایل این امر فرآیند ایگو دفاعی است؛ ایگو فرآیندی در ذهن است که به‌نوعی مسئولیت حفظ سلامت روانی فرد را برعهده دارد. در شرایطی که انسان با یک تجربه ناخوشایند ناشی از حوادث پیرامون مواجه می‌شود، ایگو سعی می‌کند از طریق مکانیسم‌های دفاعی مانند تغییر ادراک، ذهن فرد را کنترل کرده و از آسیب احتمالی حفظ کند. در این مکانیسم فرد سعی می‌کند موقعیت ناخوشایند را به‌گونه‌ای تغییر دهد که برایش قابل تحمل‌تر شود. یکی از کارکردهای مکانیسم‌های دفاعی در موقعیت‌های تروماتیک و حوادثی مانند جنگ است؛ در شرایطی که اخبار مختلف و محتوای خشونت‌آمیز ذهن مخاطب را احاطه می‌کنند، ایگو تلاش می‌کند محتوا را کم‌اهمیت یا عادی جلوه دهد تا از بروز چالش‌های روانی برای فرد جلوگیری کند. مصادیق این امر را می‌توان در حاشیه جنگ رژیم صهیونیستی و فلسطین جست‌وجو کرد. از زمان آغاز درگیری‌ها تا به امروز، رسانه‌های مختلف ظرفیت خود را به پوشش اخبار حادثه اختصاص داده‌اند؛ انتشار آمار روزانه و لحظه‌ای از تعداد کشته‌شدگان، بمباران مراکز غیر نظامی نظیر مدارس و بیمارستان‌ها و تخریب ساختمان‌های مسکونی بخش عمده‌ای از محتوای رسانه‌ها را به خود اختصاص داده است.

در میان تمامی اخبار پیرامون جنگ حاضر شاید کمتر حادثه‌ای مانند بمباران بیمارستان المعمدانی، مردم را متاثر از خود کرده باشد. حال آنکه پس از آن انفجار نیز فجایع دیگری حداقل در همان سطح توسط رژیم صهیونیستی رقم خورد اما هیچ‌کدام به اندازه اولین حادثه واکنش‌برانگیز نبود. علت را می‌بایست در تطبیق‌پذیری ذهن انسان با حوادث جست‌وجو کرد. ذهن مخاطبان با گزاره تعداد تلفات بالا سازگار شده و دیگر این دست از اخبار برای او واکنش‌برانگیز نخواهند بود. در چنین شرایطی آنچه ضرورت دارد روایت هنرمندانه از حادثه است. بحران انسانی در غزه داستان زندگی هزاران نفر از مردمی است که جزء به‌جزء آن دارای اهمیت بوده و پرداخت هنرمندانه به آن می‌تواند مخاطبان رسانه در سراسر دنیا را با خود همراه کند. از همین رو باید تمرکز تولیدات رسانه‌ای بر انسان‌های حاضر در میدان یا حتی کسانی باشد که در حاشیه این بحران قرار دارند. داستان این افراد می‌تواند به‌گونه‌ای بازنمایی شود که مخاطبان ضمن برقراری ارتباط نزدیک با آنها، احساسات‌شان را نیز درک کنند. نکته حائز اهمیت در روایت رسانه‌ای مطلوب به‌کارگیری عناصر هنری است؛ استفاده از مولفه‌های بصری، شنیداری و روایی در کنار استفاده از زبان استعاری، علاوه‌بر عمق‌بخشی به روایت، به مخاطبان کمک می‌کنند تا مفاهیم پیچیده و دور از دسترس را بهتر درک کرده و با انسان‌های حاضر در صحنه احساس همذات‌پنداری کنند. پوشش اخبار و تولید محتوا پیرامون جنگ حاضر، فارغ از بازنمایی جنایات رژیم صهیونیستی و اهمیت بسیارش ملاحظه‌ای جدی دارد و آن مدیریت تصویر به‌واسطه روایت هنرمندانه از صحنه است. ملاحظه‌ای که درصورت چشم‌پوشی از آن خطر سر شدگی و عادت مخاطبان نسبت به حوادث جدی است. ولع در انتشار آمار جز آنکه مخاطب را با شرایط سازگار می‌کند فایده دیگری ندارد. در فضایی که جان‌ها تبدیل به اعداد می‌شوند؛ تفاوت یک هزار با دو هزار چیست وقتی قرار است هر دو تنها یک عدد باشند؟ اما از زندگی اول تا زندگی دوم فاصله بسیار است؛ زندگی را روایت کنیم.

همان رسالتی که حرفش بود

هومن جعفری
خبرنگار

۱. بعضی آدم‌ها کار خودشان را می‌کنند. قائلند به رسالتی که برای خودشان تعریف کرده‌اند و این رسالت را همه‌جا همراه خود دارند؛ در هر شغلی، در هر جایگاهی و در هر لباسی. این رسالت می‌تواند شر باشد یا خیر. شاید بین شما کسی باشد که بگوید «میل شر» و «امر شر» را نباید رسالت تعریف کرد. من نظری ندارم. می‌دانم آدم‌هایی هستند که هر جا باشند، در هر لباسی باشند و به هر وضعی باشند جز شر از دست‌شان نمی‌چکد. با آنها در این مطلب کار ندارم. این مطلب برای آنهاست که رسالت‌شان خیر است و خیر رساندن. هر کسی از راهش. یکی آموزش می‌دهد، یکی فرهنگ‌سازی می‌کند، یکی دستی را می‌گیرد و همه اینها، آدم‌هایی هستند که این مطلب و این ستایش را به آنها باید تقدیم کرد. آنکه مد نظر ماست و بهانه نوشتن این مطلب، داریوش فرضیایی است یا همان عموپورنگی که میلیون‌ها کودک در ایران با تماشای برنامه‌های او قد کشیده‌اند، شادی را با او تجربه کرده‌اند، ابراز وجود و ابراز احساسات را با او مزه کرده‌اند و در یک کلام بخشی از آداب و سنن و رفتارهای پسندیده و ارزش‌های اجتماعی را با او فهمیده‌اند. از ۱۳۷۶ که نخستین تجربه حضور او در تلویزیون بود تا امروز، هزاران ساعت برنامه زنده یا ضبط شده از او درتلویزیون، پلتفرم‌ها و فضای مجازی منتشر شده و بسیاری از کودکان اوقات فراغت خود را پای برنامه او گذرانده‌اند. او و عمو فیتیله‌ای‌ها، حق و سهم بزرگی بر گردن کودکان ایران در دو سه دهه اخیر دارند درست مثل مجید قناد و دیگر همکارانش و دیگر عزیزانی که پیش از اینها وقت، استعداد و هنر خود را برای سرگرم کردن کودکان و نوجوانان صرف کردند. داریوش فرضیایی کم حاشیه و محترم بود و ماند و مسلما خواهد ماند. در تمام این سال‌ها کوشید تا از هرگونه ورود به حواشی خودداری کند. از سیاست دور ماند که در صداوسیمای ایران نکته عجیبی است. از هرگونه حاشیه سیاسی یا اخلاقی فاصله گرفت و همواره دوست خوب کودکان سرزمین باقی ماند. داریوش فرضیایی چه در سال‌هایی که نامبروان تلویزیون بود و برنامه زنده روزانه داشت، چه در روزهایی که برنامه زنده‌اش را لغو کردند تا برنامه ضبط شده‌اش به نمایش گذاشته شود و چه در روزهایی که دیگر در تلویزیون برای او جایی باقی نماند، مشی اخلاقی خود را تغییر نداد. او آدم رفتن به برنامه‌های عجیب‌وغریب با پشت‌پرده‌های عجیب‌وغریب نبود. هر جا رفت، در هر رسانه‌ای که به دستش رسید کار کودک کرد و کارش هم نه اقتصادی که فرهنگی بود. او کوشید تا نمونه خوبی باشد از آنچه باید به کودکان این سرزمین آموزش داد. شادی، موسیقی، خنده، حال خوب و اخلاق. تلاش کرد تا به کودکان ایران هنر زندگی را بیاموزد و این دقیقا همان رسالتی است که رسانه‌های جمعی دارند. هیچ‌وقت برای خودش شأنی از این لحاظ قائل نشد که مثلا من برای خودم کسی شده‌ام و دیگر نباید «اردک تک‌تک، تک‌تک اردک» بخوانم. او با وجود آنکه دیگر جوان ۲۰ سال قبل نیست و حالا ۵۰ سال دارد، هنوز هم آماده است تا اگر کودکی دید برایش شعری بخواند و او را بخنداند. همین چند روز پیش بود که جایی ویدئوی ضبط شده‌ای دیدم از او که روی سنی ایستاده و مادران و پدران و کودکان در کنار هم دارند با او همان شعر کودکانه‌اش را همخوانی می‌کنند. نمای کاملی از خانواده‌ای که همه اعضای آن مشتریان پروپاقرص بساط عموپورنگ بوده و هستند.

۲. این روزها او دیگر در تلویزیون ایران جایی ندارد. به دلایلی که در حوصله این بحث و در حوصله من و شما و احتمالا در حوصله عمو پورنگ نازنین هم نمی‌گنجد، این مرد این روزها دانشگاه تربیت کودک خود را از ساختمان جام‌جم به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی منتقل کرده و همچنان مشغول همان رسالتی است که صحبتش شد. آموزش دادن. او این روزها به کودکان از قاب اینستاگرام می‌آموزد که فرزند باید در خدمت والدینش باشد. تلاش او برای نگهداری از مادرش فرصتی است برای آموزش بدیهی‌ترین نکات اخلاقی به نسلی که احتمالا بیشترین شکاف تاریخی و نسلی با والدین را تجربه می‌کند. اینکه باید از مادرت مراقبت کنی، هوایش را داشته باشی و با او همیشه درست صحبت کنی. این روزها در مواجهه با زندگی کاملا متفاوت روزمره با زمان کودکی‌هایمان و در مواجهه با بی‌پرواترین نسل تاریخ، هنوز عموپورنگ‌ها سنگر آموزش دادن، امید بستن و جنگیدن برای تربیت نسل‌های بعدی را رها نکرده‌اند. آن رسالت شخصی که صحبتش بود اینجا خود را نمایان می‌کند. عمو پورنگ می‌تواند بساط برنامه شخصی و برند خودش را بردارد و هر جای این کره خاکی که دلش خواست پهن کند. او می‌تواند در هر جایی از این دنیا و در هر پلتفرمی که دلش خواست برنامه‌اش را اجرا کند و درآمدی رویایی و نجومی را به دست بیاورد. با این همه او انتخاب کرده که داخل مرزهای کشورش و از طریق شبکه‌های اجتماعی با کودکان سرزمینش ارتباط بگیرد و به آنها لبخند، حال خوش و از همه مهم‌تر اخلاق را هدیه کند. اینکه او می‌تواند این‌گونه از برند خودش برای انتشار دادن محتوایی فرهنگ‌ساز استفاده کند اهمیتی ورای حد تصور ما دارد. اینکه او می‌تواند با یک حساب کاربری ساده در فضای مجازی بازدیدی بیش از برنامه‌های روزمره کودک و نوجوان تلویزیون داشته باشد حاصل اعتمادی است که از مخاطبان خود کسب کرده. اعتمادی که حاصل سه دهه خاطره و فرهنگ‌سازی برای چندین نسل پی در پی است. نمی‌توان و نباید ارزش و اهمیت کار بزرگی که می‌کند را نادیده گرفت. باید دیگران را هم تشویق کرد که همین سلوک را در پیش بگیرند.

۳. یک ماه پیش بود که می‌خواستم مطلبی بنویسم پیرامون ویدئویی وایرال‌شده در فضای مجازی از معلمی که با شاگردان کلاس اول سروکله می‌زند. ویدئو بامزه بود و دیدنی. انرژی مهارنشدنی و ارزشمند حیات در کالبد دانش‌آموزان خردسال دیده می‌شد و معلم جوان می‌کوشید تا شاگردانش را هدایت کند. می‌خواستم چیزی بنویسم و نشد. چیزی در باب انرژی خالص آن شاگردان شیطان و بازیگوش که اگر بتوانند همین سرزندگی امروز خود را در ادامه زندگی همراه داشته باشند، هرگز نسلی خموده و سرگشته در تقابل با تندبادهای مرسوم زندگی نخواهند بود. ما ایران را دوست داریم و باید ایران را به نسل بعد تحویل بدهیم. نسلی که اگرچه در خانه نگرانی‌های پدر و مادر در مواجهه با مشکلات زندگی را می‌بینند اما در عوض عشق، محبت و احترام را هم از آنها و هم از معلمان خود دریافت می‌کند. چه از آموزگارانی که عاشقانه در مدارس تدریس می‌کنند و چه از امثال داریوش فرضیایی‌ها! از آنهایی که هرجا باشند، هرچه باشند، هرکه باشند و در هر وضعیتی که باشند یادشان نمی‌رود که رسالتی بر دوش دارند. رسالت آنها آموزش دادن به کودکان و نوجوانان است و دست‌وپنجه و دل‌شان را در این راه قوی می‌خواهیم. خدا قوت...

ادامه از صفحه ۲

بایسته‌های عدالت و اخلاق

آنچه جماعت‌گرایان به شما نمی‌گویند از شابلونی پدیدارشناسانه

حمید ملک‌زاده
پژوهشگر اندیشه سیاسی

آنچه در این نوشته می‌خوانید برنابسندگی‌های جماعت‌گرایی از منظری پدیدارشناسانه متمرکز شده است. ما تلاش کرده‌ایم تا موضوع مورد نظر خودمان را از طریق مطالعه درباره مفهوم عدالت به انجام برسانیم. انتخاب مفهوم عدالت در این یادداشت به‌طور همزمان از توجیهی نظری و اهمیتی تکنیکی برخوردار است. تا جایی که به جنبه نظری این انتخاب مربوط می‌شود، مفهوم عدالت مانند تابلویی عمل می‌کند که از یه هم‌پیوستن مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده آن می‌توانیم به تصویر یا تصور نسبتا روشنی درباره آنچه به عنوان جماعت‌گرایی معرفی کرده‌اند دست پیدا کنیم. این مساله بیشتر به این خاطر است که جماعت‌گرایی در مقام یک مکتب فکری با مجموعه آشفته‌ای از ایده‌ها و تصورات مبهم درباره جهان اجتماعی، فرد و رابطه آن با نهادهایی که امر جمعی را نمایندگی می‌کنند و همچنین رابطه او با افراد دیگر شناخته می‌شود. ما انتظار داریم که ضمن پرداختن به فهمی که جماعت‌گرایان از عدالت دارند کلیات روشن‌تری از چیزی که می‌شود به عنوان رویکرد جماعت‌گرایانه ارائه کرد را مشخص کرده و به خوانندگانمان نشان دهیم. این مانند این است که برای دست پیدا کردن به تصوری حداقلی از یک اثر هنری مخدوش، عناصر از هم گسیخته و مبهم آن را به اعتبار یک مفهوم مرکزی سازماندهی کنیم؛ تا شاید چیزی معنادار و نزدیک به آنچه احتمالا روزگاری در قالب یک اثر واحد وجود داشته است را بازسازی کنیم. به لحاظ تکنیکی، از آنجایی که روایت جماعت‌گرایانه از مفهوم عدالت در مواجه انتقادی جماعت‌گرایان با لیبرالیسم شکل گرفته است، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که تمرکزی انتقادی بر این مفهوم زوایای مختلف یک ذهن جماعت‌گرا را برای ما روشن می‌کند. از این نظر همچنین انتظار داریم که منازعه میان جماعت‌گرایان و نظریه‌های لیبرال در باب عدالت شرایطی را برای ما فراهم کند که بر اساس آن امکان دستیابی به معیارهایی روشن برای ارزیابی کردن دعاوی جماعت‌گرایانه برای ما فراهم می‌شود. به بیان دقیق‌تر چون فهم جماعت‌گرایانه از عدالت از یک مواجهه انتقادی با لیبرالیسم حاصل شده است، ما می‌توانیم دعاوی جماعت‌گرایانه درباره عدالت را از پاره‌های انتقادی مطرح شده نسبت به دعاوی لیبرالیسم به خوبی استخراج کرده و پس از آن به مطالعه درباره این موضوع بپردازیم که آیا جماعت‌گرایان در مسیری که برای صورت‌بندی فهم جدیدی از عدالت طی کرده‌اند، توانسته‌اند به شکل مناسبی به انتقاداتی که علیه لیبرالیسم مطرح کرده‌اند، پاسخ دهند یا خیر؟ آیا پاسخ‌هایی که ارائه کرده‌اند به خودی خود پاسخ‌های مناسبی هستند؟ ما درست در همین بخش دوم است که از پدیدارشناسی استفاده خواهیم کرد. اجازه دهید تا در مرحله اول و برای انجام دادن کاری که بنا داریم در این یادداشت کوتاه انجام دهیم، روح حاکم بر نقد جماعت‌گرایانه از مفهوم عدالت در لیبرالیسم را برای خوانندگانمان حاضر کنیم. قبل از انجام دادن این کار باید این مساله را یادآور بشویم که مواجهه جماعت‌گرایانه با روایت‌های لیبرال از مفهوم عدالت عموما در برخورد انتقادی جماعت‌گرایان با فهمی که جان راولز از عدالت دارد پیوسته هستند. به همین خاطر تمرکز ما در این یادداشت بیشتر بر راولز و نظریه عدالت او خواهد بود.

ما کاملا آگاه هستیم که جان راولز را نمی‌شود به عنوان تنها نماینده لیبرالیسم به حساب آورد. همین طور این مساله را به خوبی می‌دانیم که لیبرالیسم به عنوان یک مکتب فکری گستره متنوعی از نظریه‌پردازانی را شامل می‌شود که هر کدام به نحوی و به معنای متفاوتی خود را لیبرال می‌دانند و حقیقت ماجرا هم این است که لیبرالیسمی که هر کدام از آنها ارائه کرده‌اند ممکن است تا حد بسیار زیادی با آنچه دیگران از لیبرالیسم در نظر دارند، متفاوت باشند. با این وجود چیزی هست که همه انواع لیبرالیسم در آن مشترک هستند. نقطه اشتراکی که می‌توانیم آن را به عنوان اصل متافیزیکی لیبرالیسم یا مبنای متافیزیکی لیبرالیسم معرفی کنیم؛ فردگرایی روش شناختی. منظور ما از فردگرایی روش شناختی در مقام بنیان متافیزیکی همه صورت‌های لیبرالیسم آن گرایشی است که نقطه عزیمت تحلیل را بر اصالت فرد منفرد ایده‌آل بنیان گذاشته است. در همه صورت‌هایی از نظریه سیاسی و اجتماعی که بر فردگرایی روش شناختی بنیان گذاشته شده‌اند، فرض فرد منفرد ایده‌آل به عنوان یک هستی ناب، واقعی و پیشینی که جهان و هر چیزی که در آن وجود دارد به اعتبارش سامان پیدا کرده، اصلی است که از پیش فرض گرفته می‌شود. در این مجموعه از صورت‌بندی‌ها از جهان در فقدان فرد منفرد ایده‌آل با غیاب جهان مواجه هستیم. این مانند این است که بگوییم فرد ایده‌آل چراغی است که تاریکی جهان را روشن می‌کند. او که موجودی ایده‌آل است، حیثیتی جهانشمول دارد یعنی هستی‌ای مفهومی است که اعتبار همه دعاوی بعدی درباره جهان اجتماعی به اعتبار او و برای او سنجیده می‌شود. او همچنین مطلق و ناب است، یعنی موجودی بی‌زمان و مکان است و بدون توجه به اقتضائات اجتماعی در جهان‌های اجتماعی گوناگون وجود دارد. فرد منفرد ایده‌آل مطلق و ناب، معیار همه چیز است؛ البته نباید این هستی مفهومی را با «انسان» آن طور که در سوفسطایی‌گری یونانی مشاهده می‌کنیم، اشتباه بگیریم. مفهومی که در اینجا از آن صحبت می‌کنیم، در لیبرالیسم‌های مختلف به اعتبار یک مشخصه خاص تعریف می‌شود. او چه به عنوان موجودی که از قابلیت تشخیص منافع شخصی خود برخوردار است، چه در مقام موجودی که به ابزار خرد مسلح بوده و از امکان فهم قوانین عام حاکم بر طبیعت، جهان و جهان اجتماعی بهره‌مند است، به هر حال و به اعتبار مشخصه خاصی که در تعریف او به‌کار برده‌اند معیار مطلق همه چیز است. نباید این نکته را از نظر دور داشته باشیم که فرد ایده‌آل، همان طور که از ترکیب اصطلاحی آن برمی‌آید، موجودی خیالین یا یک هستی مفهومی است. یعنی ایده‌ای است که نظریه‌پردازان لیبرال برای معنادار کردن صورت‌بندی‌های خاص خود از جهان اجتماعی انسان آن را ساخته‌اند. الگویی ناب از انسان بودن که در هیچ جایی از جهان واقعی نمی‌شود او را پیدا کرد، اما همه انسان‌های واقعی باید به سمت او شدن باشند.

در میان نظریه‌پردازان لیبرال، جان راولز بیش از هر کس دیگری این حیثیت ناب یعنی خیالین بودن این هستی مفهومی را به رسمیت شناخته و از آن آگاهی دارد. این مساله را وقتی می‌توانیم متوجه شویم که می‌بینیم راولز برای اینکه بتواند نظریه عدالت خودش را صورت‌بندی کند، از یک جور تعلیق خیالین پیوندهای اقتضایی فرد انسانی با جهان پیرامونش صحبت می‌کند. دقیقه‌ای خیالین که پرده جهل فرد انسانی را در موقعیتی قرار می‌دهد که در آن می‌تواند به قوانین عام عدالت منصفانه دست پیدا کند. این همان وضعیتی است که با عنوان وضع نخستین می‌شناسیم. در وضع نخستین که یک وضعیت خیالین است است پیوندهای اقتضایی فرد با جهان پیرامونش معلق می‌شوند تا او بتواند به عنوان فردی ایده‌آل به قوانینی دست پیدا کند که می‌شود آنها را در مورد هر انسانی، بدون توجه به پیوندهای هویتی خاصی که با دین، طبقه، جنس یا جنسیت خاصی دارد به‌کار برد. در اینجا نیز درست مثل همه انواع لیبرالیسم فرد ایده‌آل، در مقام انسان ایده‌آل از قابلیت دست پیدا کردن به قوانینی عام و جهانشمول برخوردار است. این دو مساله یعنی فردگرای روش شناختی راولزی و آگاهی راولز به عدم امکان حیات چنین فردی او را به موضوعی جذاب برای مطالعه ما تبدیل کرده است.

به هر تقدیر نقد جماعت‌گرایانه به نظریه عدالت راولز از فردگرایی روش شناختی موجود در مبانی لیبرالیسم کانتی آغاز می‌شود. همان طور که پیش‌تر گفتیم بر اساس فردگرایی روش شناختی لیبرال فرد انسانی غایتی در خود است و در این مقام به شکل بنیادینی از قابلیت دست پیدا کردن به قواعد عام و جهان‌شمولی برای رفتار برخوردار است. همین مبنای متافیزیک لیبرال به راولز اجازه می‌دهد تا وضعیتی را پیش‌بینی کند که اگر فرد ایده‌آل را در آن قرار دهیم او می‌تواند در مقام فرد ایده‌آل اخلاقی به قواعد عام عدالت دسترسی پیدا کند. وضع ایده‌آلی که از آن صحبت می‌کنیم همان وضع نخستین راولزی است. مهم‌ترین عنصر مفهومی این ایده راولزی مفهوم پرده جهل است. کارکرد مفهومی این ایده برای راولز در امکانی خلاصه می‌شود که این ایده برای گسستن یا تعلیق موقتی یا انتزاعی فرد ایده‌آل از پیوندهای واقعی خود با محیط پیرامونش به دست می‌دهد. راولز انتظار دارد که در نتیجه این تعلیق، فرد ایده‌آل اخلاقی مورد نظرش در موقعیتی گسسته از پیوندهای عاطفی، تعلقات فرهنگی و منافع مادی خود از قابلیت دست پیدا کردن به قواعد عام عدالت برخوردار شود. این همان گلوگاهی است که نقدهای جماعت‌گرایانه به نظریه عدالت راولز با یکدیگر تلاقی می‌کنند.

جماعت‌گرایان به شکل بنیادینی همین امکان واقعی تصور دقیقه‌ای از هستی انضمامی و خیالین فرد را به چالش می‌کشند. از نظر آنها فرد انسانی، یک هستی جمعی است یعنی در گسست از تعلقات فرهنگی مربوط به جماعتی که به آن تعلق دارد قابل تصور نیست. ریشه این باور جماعت‌گرایانه به تمایز دو جور هستی‌شناسی متفاوت برمی‌گردد. هستی‌شناسی لیبرال بر یک جور فردگرایی روش شناختی استوار است در مقابل در هستی‌شناسی جماعت‌گرایانه با نوعی اصالت امر جمعی سروکار داریم. در این قسم دوم هستی‌شناسی هویت فردی به اعتبار نوعی اصالت جمع‌گرایی فهمیده می‌شود. در این معنا که فرد و محتوای آنچه به نام او می‌شناسیم در غیاب پیوندهای واقعی یا خیالین با یک مجموعه جماعتی تهی و غیر قابل تصور خواهند بود. در روایت‌های جماعت‌گرا در غیاب تعلقات جماعتی بر خلاف تصور راولز، فرد به قواعد عام عدالت دست پیدا نخواهد کرد، بلکه در چنین وضعیتی او اصولا امکان دست زدن به هر شکلی از داوری را از دست می‌دهد. جماعت‌گرایان با اتکای به نتایج حاصل از این هستی‌شناسی جماعتی این طور استدلال می‌کنند که نظریه عدالت راولز نهایتا به نادیده انگاشتن کثرت، خیر عمومی و از طریق اولی به نادیده انگاشته شدن عاملیت فردی منتهی می‌شود. برای روشن‌تر شدن این مساله باید این مساله را در نظر بگیریم که در هستی‌شناسی‌های جماعت‌گرایانه فرد تنها تا جایی می‌تواند به شکل معناداری درباره موضوعات مختلف داوری کند که در پیوندی فعال با ارزش‌های جماعتی درنظر گرفته شود؛ ارزش‌های جماعتی که فرد به اعتبار آنها، خود، جهان پیرامون و افراد دیگر را می‌فهمد.

از این قرار، نفس تصور وضعیتی که در آن فرد در گسستی بنیادین با این ارزش‌های جماعتی قرار گرفته باشد، از یک چشم‌انداز جماعت‌گرایانه فاقد معنای معتبری است. برای اینکه این موضوع برای شما روشن‌تر باشد توجه‌تان را به این مساله جلب می‌کنیم که در جماعت‌گرایی فرد به لحاظ هستی‌شناختی موجودی جماعتی است، یعنی موجودی است که از جایی درون جماعت با خودش، به جهان پیرامون و افراد دیگر می‌پیوندد. از این عبارت این طور برمی‌آید که فرد حتی در خصوصی‌ترین تأملات درونی‌اش به شکلی اندیشیده یا غیرتاملی چیزی را زندگی می‌کند که پیش‌تر از طریق هویت جماعتی خاصی که به آن تعلق دارد به عنوان ارزشی معتبر پذیرفته است. در اینجا حتی وقتی فرد به خودش می‌اندیشید خودش را به عنوان موجودی که پیش‌تر توسط ارزش‌های جماعتی شکل گرفته یا به اعتبار محتوای احکامی که در زندگی جماعتی او عمل می‌کنند در نظر می‌گیرد. نباید این طور فکر کنیم که برای فرد امکانی برای انتخاب کردن وجود دارد، یعنی این طور نیست که او می‌تواند این مجموعه خاص یا آن مجموعه خاص از ارزش‌ها را برای خودش انتخاب کند بلکه ارزش‌های جماعتی به شکل بنیادینی با هستی فردی یا اجتماعی او پیوسته‌اند. این ارزش‌ها درست مثل حدود یا مرزهای جهان فرد عمل می‌کنند. مرزهایی که به شکل بنیادینی توسط نظام‌های تربیتی یا سازوکارهای نیندیشیده، اما فعال تشویق و تنبیه در جماعتی که فرد به او تعلق دارند به او شکل داده و زندگی اجتماعی و فردی او را تنظیم می‌کنند. در این معنا جماعت یک هستی اصیل است. هستی اصیلی که نسبت به فرد پیشینی است، یعنی نمی‌توانیم دقیقه‌ای را تصور کنیم که فرد جایی بیرون از آنها قرار می‌گیرد. البته این طور نیست که او نتواند از یک نظام ارزش‌گذاری جماعتی به نظام ارزش‌گذاری جماعتی دیگری مهاجرت کرده یا اینکه تنها در یک گروه هویتی واحد حاضر باشد. با این وجود کثرتی که در سازمان هویتی فرد وجود دارد کثرتی درون جماعتی است، یعنی فرد انسانی در زندگی اجتماعی خود در دایره‌های متداخلی از جماعت‌ها حاضر است که هر کدام نسبت به دیگری ارزش‌هایی عام‌تر یا خاص‌تر نمایندگی کرده و بر اساس آن زندگی فرد را سامان می‌دهند. در هستی‌شناسی‌های جماعت‌گرا هیچ دقیقه‌ای، ولو دقیقه‌ای خیالین وجود ندارد که فرد بتواند در آن به چیزی به نام «انسان» تعلق داشته باشد. در این هستی‌شناسی‌ها انسان همواره موجودی وساطت‌شده است. موجودی وساطت‌شده که اگرچه ممکن است از توانایی تامل بازاندیشانه برخوردار باشد اما همواره با خودش از درون یک نظام ارزشی جماعتی و به اعتبار عضوی از یک جماعت یا گروه هویتی خاص مواجه می‌شود. برای مثال زن سفیدپوست کاتولیکی را در نظر بگیرید که کارمند فلان شرکت و شهروند فلان دولت است. از یک چشم‌انداز لیبرال او یک فرد است. با حقوق مشخصی درون دولت و وظایف و مسئولیت‌ها و تکالیفی که هر شهروند دیگری بر عهده دارد. در نظام‌های حقوقی جدیدتر ممکن است برخی ویژگی‌های زنانه او به رسمیت شناخته شده باشند. این مساله ممکن است او را در موقعیتی خاص از نظر حقوقی قرار بدهد که براساس آن برخی حمایت‌های قانونی مربوط به ویژگی‌های زنانه را به او اعطا کند. با این وجود او همچنان یک فرد منفرد است و در مقام یک فرد به عنوان موجودی که از یک هستی تکین برخوردار است در نظر گرفته می‌شود؛ درحالی که این مساله در رویکردهای جماعت‌گرایانه تفاوت‌های بنیادینی را ایجاد می‌کند. از یک چشم‌انداز جماعت‌گرایانه زن بودن، موضوعی است که به اعتبار ارزش‌های جماعتی تعریف می‌شود، یعنی فرد مورد نظر ما وقتی با خودش به عنوان یک زن مواجه می‌شود، زنانگی خودش را در روایت‌های جماعتی از زن بودن تجربه می‌کند. سفیدپوست بودن و کاتولیک بودن حلقه‌های عام‌تری هستند که حلقه هویتی خاص‌تر، یعنی زنانگی را برای فرد وساطت می‌کند. در چنین چشم‌اندازی امکان تعلیق زنان بودن، کاتولیک بودن و سفیدپوست بودن برای فرد ممکن نیست. یعنی درصورتی که این پیوندهای هویتی به نحوی، خیالین یا واقعی معلق شده باشند فرد هیچ فهمی از خود به عنوان یک موجود زنده نخواهد داشت. در چنین شرایطی او فاقد امکانات هستی‌شناختی لازم برای داوری کردن درباره خودش، دیگران و جهان پیرامون است. این همان نقطه نظری است که جماعت‌گرایان با اتکای به آن به نقد لیبرالیسم دست زده‌اند. اگرچه انتقادی که جماعت‌گرایان نسبت به نظریه عدالت راولز ایراد کرده‌اند به نظر صحیح می‌آید اما دعاوی جماعت‌گرایانه در این زمینه همچنان مناقشه‌آمیز هستند. ما تلاش کرده‌ایم تا ضمن به کار بردن رویکردی پدیدارشناسانه این مساله را نشان بدهیم که چطور هستی‌شناسی جماعتی نهفته در پس انتقادات جماعت‌گرایانه به نظریه عدالت راولز، علی‌رغم کارکردهای انتقادی مثبتی که دارد نمی‌تواند به شکلی ایجابی پاسخ‌های مناسبی برای رفع مشکلاتی که در نظریه راولز شناسایی شده ارائه کند. این ناتوانی مبنای همان چیزی است که به آن نابسندگی‌های جماعت‌گرایی می‌گوییم. نابسندگی‌های جماعت‌گرایی در سه مشکله متفاوت اما به هم پیوسته ریشه دارد: مشکله ایگو و اضمحلال آن، نامشخص بودن خیر عمومی، تعریف جماعت. برای روشن کردن معنای هر کدام از این مشکله‌ها از مفاهیم بنیادینی در پدیدارشناسی استعلایی ادموند هوسرل استفاده کرده‌اند که هر کدام به نوعی عناصر اساسی هستی‌شناسی پدیدارشناختی به حساب می‌آید مفهوم ایگو و ایگولوژی هوسرل، مفهوم بیناسوبژکتویته و حیثیت برای هستی ایگو. پیش‌تر توضیح داده بودیم که براساس تعریف، در هستی‌شناسی جماعت‌گرایانه اصالت با جماعت است؛ به این معنا که امر جمعی از یک جور هستی پیشینی و اصیل برخوردار است. از این قرار هویت فردی و اهمیت کنش معنابخش ایگو در پر کردن محتوای معانی تشکیل دهنده جهان پیرامون، نادیده انگاشه می‌شود. این به این معناست که بگوییم اهمیت فرد و این مساله که در تحلیل نهایی فرد است که به جهان پیرامون معنا می‌بخشد نادیده گرفته می‌شود. این همان چیزی است که به عنوان مشکله اضمحلال ایگو نام‌گذاری کردیم. می‌دانیم که براساس نتایج حاصل از ایگولوژی هوسرل، اگرچه هستی ایگو یک هستی در جهانی و با دیگرانی است اما نقطه عزیمت معنابخشی به جهان چیزی جز کنش روی آوردی ایگو نیست. در واقع برای ادموند هوسرل اگرچه ایگو از یک جور هستی در جهانی و با دیگرانی برخوردار است اما هستی او به هیچ عنوان در یک جور کلی‌گرایی نافی او مضمحل نمی‌شود. برای روشن‌تر شدن این مفهوم بهتر است کمی در این بخش در دلالت‌های ایگولوژی هوسرلی تامل کنیم. براساس ایگولوژی هوسرل جهان در مواجهه روی آوردی ایگو به چیزی که هست تبدیل می‌شود. در فقدان ایگو، اگرچه چیزهایی در جهان هستند اما نمی‌شود آنها را به عنوان ابژه‌های معنادار، یا اگر ساده‌تر بگوییم ابژه‌هایی که از نام‌های مشخصی برخوردار هستند در نظر گرفت. بنابراین معنا/نام پیدا کردن چیزهایی که در جهان هستند اصولا به نحوه پدیداری آنها در تجربه روی آوردی ایگو مشروط شده است. براساس اقتضائات این شکل از ایگولوژی جهان به عنوان چیزی برساخته، یعنی ساخته‌شده در تجربه روی آوردی ایگو یا مجموعه‌ای از ایگوها فهمیده می‌شود. این به این معنا نیست که ایگو جهان را به شکلی ارادی، و براساس تاملات درونی خود به عنوان چیزی از پیش قصد/اراده شده تولید/اختراع می‌کند. بلکه جهان در شیوه خاصی که ایگو یا مجموعه‌ای از ایگوها آن را تجربه می‌کنند به عنوان این چیز/ابژه روی آوردی خاص کشف/پدیدار می‌شود. این طور به نظر می‌رسد که در جماعت‌گرایی، حتی وقتی امکان مشارکت فرد انسانی در بازتولید یا جرح و تعدیل در ارزش‌های جماعتی در نظر گرفته شده باشد، این حیثیت برسازنده تجربه ایگو از درون جهان پیرامونش و در ارتباط با دیگران نادیده انگاشته شده است. مشکل دیگری که کاربردی کردن یک چشم‌انداز پدیدارشناختی در روایت‌های جماعت‌گرایانه آشکار می‌کند مشکله چیستی خیر عمومی است. در روایت‌های جماعت‌گرایانه معنای خیر عمومی چیزی جز خیر جماعت نیست. در این روایت‌ها مفهوم جماعت جایگزین مفهوم فرد منفرد در روایت‌های لیبرال شده است، یعنی از همان حیثیت مطلق، پیشینی و نابی برخوردار است که فرد در رویکردهای لیبرال دارد. در اینجا این جماعت است که از اصالت برخوردار است و از آنجایی که جماعت نامی برای رویه‌های کلی غالب بر یک جامعه است خیر عمومی با مصلحت امر کلی جایگزین می‌شود. پدیدارشناسان برای حل این مشکل از مفهوم بیناسوبژکتویته استفاده می‌کنند. در یک معنای ساده بیناسوبژکتویته جهان مشترک سوژه‌های فعال در کار معنابخشی به جهان است. یا اگر فنی‌تر بگوییم افق مشترک امکانی آشکارگی جهان برای ایگوهایی است که به طور مشترک آن را ساخته‌اند. در روایت پدیدارشناسانه خیر بیناسوبژکتیو امر مطلق پیشینی ناب نیست بلکه خیری است که به طور همزمان توسط ایگوهای فعال در یک زیست جهان ساخته می‌شود، یعنی خیری برساخته شده و همواره حاضر در کنش‌های ایگوهای برسازنده آن است. مشکله سوم نامعلوم بودن معنای جماعت است. نامعلوم بودن معنای جماعت که در بخش قبلی آن را توضیح دادیم مفهوم جماعت را با شکلی از روابط قدرت می‌پیوندد، یعنی شرایطی را به وجود می‌آورد که سازمان قدرتی که به طور طبیعی یا غیرطبیعی جماعتی را می‌سازد به نام امر طبیعی از اصالتی پیشینی برخوردار شود. این مساله جماعت‌گرایی را مستعد ظهور نوعی توتالیتاریانیسم (تمامیت‌خواهی) سیاسی و به نام طبیعت می‌کند. وقتی جماعت اسمی برای نامیدن مناسبات کلی مطلق و فراگیری باشد که نمی‌شود آنها را نشان بدهیم و در شرایطی که این کل نامعلوم فراگیر از اصالت پیشینی برخوردار باشد همواره این خطر وجود دارد که خیر عمومی با مصلحت کسانی که در سلسله مراتب تشکیل دهنده جماعت از قدرت و نفوذ بیشتری برخوردار هستند اشتباه گرفته شود. پدیدارشناسان مفهوم خیر بیناسوبژکتیو را به عنوان جایگزینی برای مفهوم خیر عمومی پیشنهاد می‌کنند. خیر بیناسوبژکتیو برخلاف خیر عمومی جماعت‌گرایانه، مطلق، پیشینی و ناب نیست بلکه مفهومی گشوده است که در حدود افق امکانی یک بیناسوبژکتویته مدام مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد. رویکرد پدیدارشناسانه به بایسته‌های نظری جماعت‌گرایی به طور خاص در کتابی از ایچ پیتر استیوز با عنوان «تاسیس جماعت» مطرح شده‌اند. استیوز در اثر خود نابسندگی‌های جماعت‌گرایی را از یک چشم‌انداز اخلاقی مورد بررسی قرار داده و تلاش کرده است تا ضمن مرتفع کردن مشکله‌های سه‌گانه‌ای که از آنها یاد کردیم به یک جور پدیدارشناسی جماعت‌گرایانه دست پیدا کند. دلالت‌های نظری کار استیوز در حوزه اخلاق راهگشای ما در تلاشی که برای پیشنهاد کردن نوعی روایت پدیدارشناسانه از عدالت بوده است.[1]

پی‌نوشت

۱. کتاب استیوز با ترجمه حمید ملک‌زاده در انتشارات گام نو در دست انتشار است.

مدرک موقت مهدی میرنژاد فرزند علی اکبر دارای شناسنامه به شماره ۰۹۲۰۴۵۸۶۶۱ صادره از مشهد رشته مهندسی عمران صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر به صندوق پستی ارسال نماید.

اصل مدرک دانشنامه دوره کارشناسی رشته مهندسی معماری اینجانب رضوان نیکخواه راوری فرزند محمود به شماره شناسنامه ۴۹۴ صادره از کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب زینب سادات سمنگانی فرد فرزند سیدمحمد به شماره شناسنامه ۶۶۷۰۰۰۱۴۶ صادره از ابوموسی در مقطع کارشناسی رشته مهندسی پزشکی صادره از واحد دانشگاهی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران با شماره دانشجویی ۹۰۰۵۸۶۲۲۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به نشانی تهران حصارک بلوار دانشگاه ارسال نماید.

برگ سبز خودرو کامیون کشنده مدل ۹۰ به رنگ سفید به شماره موتور D۱۳۳۰۵۰۳۵A۱A و به شماره شاسی NADAS۰۲D۱۳۰T۹۰۲۵۹۵ و به شماره پلاک ۲۴ – ۱۵۵ ع ۷۸ به نام هاشم بعایات مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کانون تبلیغاتی سپهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در نظر دارد محل بوفه‌های مجتمع دانشگاهی را از طریق مزایده عمومی دومرحله‌ای با شرایط مشروحه زیر به شرکت‌ها یا اشخاص واجد صلاحیت واگذار نماید.

۱.محل دریافت اسناد مزایده. رودهن سه راهی مهرآباد مجتمع دانشگاهی ساختمان اداری. قسمت معاونت فرهنگی- دانشجویی

۲.واریز مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۱۱۵۸۶۰۷۰۲۰۰۸ نزد بانک صادرات شعبه رودهن به نام دانشگاه بابت خرید اسناد مزایده.

۳.مهلت تحویل اسناد ۱۰ روز کاری از تاریخ درج آگهی می باشد.

۴.هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

۵-شرکت در مزایده به منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار می‌باشد.

۶.دانشگاه در رد یا قبول هریک از شرکت‌کنندگان یا تمامی آنها مختار است.

پس از بررسی مدارک فرم پیشنهاد قیمت به شرکت‌کنندگان حائز شرایط ارسال خواهد شد.

۷-پس از احراز شرایط و ارسال دعوتنامه جهت پیشنهاد قیمت، شرکت‌کننده باید مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت تضمین شرکت در مزایده نزد دانشگاه بسپارد.

۸.سایر شرایط در اسناد مزایده درج گردیده است. برای کسب اطلاع بیشتر با شماره ۱۱۵۲۰۴۷-۰۹۱۹ و ۰۲۱۷۶۵۰۷۶۳۵ تماس حاصل نموده یا به سایت www.riau.ac.ir مراجعه نمایید.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

دومرحله‌ای

فراخوان عمومی شناسایی سرمایه‌گذار

جمهوری اسلامی ایران
وزارت ورزش و جوانان
اداره کل ورزش و جوانان
استان البرز

اداره کل ورزش و جوانان استان البرز در نظر دارد در اجرای ماده ۲۷ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، پروژه ذیل را از طریق فراخوان عمومی به روش ROLT به بخش غیردولتی واگذار نماید. به همین منظور از کلیه متقاضیان حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید به منظور دریافت اسناد مربوطه به آدرس: کرج، عظیمیه، میدان طالقانی، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب سالن ورزشی آیت‌اله طالقانی، اداره کل ورزش و جوانان استان البرز، دبیرخانه کمیته ماده ۲۷ مراجعه نمایند.

ردیف	عنوان پروژه	آدرس	مدت بهره‌برداری	مبلغ پایه اجاره ماهیانه	مبلغ ضمانتنامه شرکت در مزایده
۱	تعمیر و بازسازی استخر شهدای فردیس	فردیس، میدان عشاق‌الحسین (ع)، مجموعه ورزشی شهدای فردیس	۷ سال و شش ماه	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۳/۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

محل دریافت اسناد: کرج، عظیمیه، میدان طالقانی، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب سالن ورزشی آیت‌اله طالقانی، اداره کل ورزش و جوانان استان البرز، دبیرخانه کمیته ماده ۲۷ (اتاق ۳۰۴) **تلفن:** (داخلی ۳۲۱) ۳۲۵۵۷۶۷۶ – ۰۲۶

مهلت دریافت اسناد مزایده: در وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۸/۳۰ لغایت روز دوشنبه ۱۴۰۲/۹/۶

آخرین مهلت ارائه پیشنهادات: پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۹/۱۹

تاریخ بازگشایی مرحله اول پاکات: ساعت ۱۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۹/۲۰

اداره کل ورزش و جوانان استان البرز
شماره شناسه ۱۶۰۶۷۴۰

فرهیختگان ورزشی
شماره مسلسل ۴۷۵۱
سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۵
۲۱ نوامبر ۲۰۲۳
شماره ۴۰۱۳
| Tue | 21 Nov 2023 | vol.15 |
No. 4013 | 16 Pages

یک مقام آگاه در کارگروه نظارت بر سقف بودجه: جزئیات پرونده استقلال با ۲ باشگاهی که جریمه شدند تفاوت داشت

ایرادها به استقلال نزدیک به واقعیت است

ادعاها درباره هوادار متمول پرسپولیس را هم کسی نتوانست ثابت کند

سرور جپاروف: ماشاریپوف بازیکن قابل احترامی است، نمی‌دانم چرا استقلال را انتخاب نکرد

ایران و ۳ تیم دیگر شانس قهرمانی آسیا دارند

عکس: سعید زارعیان

یحیی به یک دلیل تا پایان قراردادش می‌ماند

وزارت ورزش به دنبال گزینه مناسب برای مدیرعاملی پرسپولیس

گزینه‌های اینتر برای تقویت در زمستان مشخص شدند

طارمی و ۲ بازیکن وستهام و ناپولی

اختلافی که دامنگیر پرسپولیس می‌شود

شاید گل محمدی نام مصدومان را از لیست خارج نکند

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سرور جپاروف در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: ماشاریپوف بازیکن قابل احترامی است نمی‌دانم چرا استقلال را انتخاب نکرد

مقابل ایران حق اشتباه نداریم، به‌دنبال تاریخ‌سازی در تاشکند هستیم

■ سبک بازی آزمون و کریمی را دوست دارم ■ ایران و ۳ تیم دیگر شانس قهرمانی آسیا را دارند ■ هنوز هم به استقلال وفادارم

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

تیم ملی فوتبال ایران در حالی عصر امروز از هفته دوم مرحله گروهی مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶ به مصاف تیم ملی ازبکستان می‌رود که تا به حال در خاک این کشور از ازبک‌ها شکست نخورده و این موضوع امیدواری‌ها به کسب نتیجه لازم در این میدان را افزایش می‌دهد. این در حالی است که ایران چند ماه قبل با سرمربی بومی خود در رقابت‌های کافا که به میزبانی ازبکستان برگزار شد با برتری مقابل این تیم عنوان قهرمانی رقابت‌های آسیای میانه را به خود اختصاص داد. با همه این تفاسیر ملی‌پوش سابق ازبک‌ها که یکی از پرافتخارترین بازیکنان قاره آسیا به‌شمار می‌رود و اتفاقا سابقه بازی در کشورمان را هم دارد، امیدوار به تاریخ‌سازی و شکسته شدن این رکورد منفی ازبک‌هاست. درخصوص بازی امروز دو تیم ایران و ازبکستان و سایر موارد مرتبط دیگر با سرور جپاروف که سابقه بازی در استقلال را هم در کارنامه دارد دقایقی به گفت‌وگو پرداختیم که متن مصاحبه «فرهیختگان» با او را در ادامه می‌خوانید.

از آخرین وضعیت خودتان بعد از خداحافظی از فوتبال صحبت کنید. آخرین اخبار درباره شما این بود که سرمربی تیم ملی جوانان ازبکستان شده‌اید.

بله، مدت‌ها در این تیم کار کرده و تجربیات خوبی به‌دست آوردم. در حال حاضر هم به‌عنوان دستیار در تیم ملی امید ازبکستان کار خود را آغاز کرده‌ام و در این تیم مشغول به کار و کسب تجربه در ادامه مسیر مربیگری هستم. در این مسیر اهداف بزرگی را دنبال می‌کنم و دوست دارم در سرمربیگری به آنها برسم.

به بازی روز سه‌شنبه ایران و ازبکستان در مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶ برسیم. تیم ملی ایران تا حالا در کشور شما به ازبکستان نباخته است. فکر می‌کنید امروز توانایی تاریخ‌سازی داشته باشید؟

این امری که می‌گویید حقیقت دارد و حرفی که می‌زنید درست است، اما امیدوارم امروز همه چیز تغییر کرده و به قول شما بتوانیم با شکست ایران، برای اولین بار یک گام به صعود به جام جهانی نزدیک شویم. اما ایران هم از بازیکنان باتجربه و باکیفیت زیادی بهره می‌برد که این امر نبرد برابر آنها را مثل همیشه سخت می‌کند. به‌نظرم در این دیدار ما اگر ۳ امتیاز را می‌خواهیم باید اشتباهات کمتری را مرتکب شویم و شاید هم باید تاکید کنم که مقابل ایران اگر برتری می‌خواهیم اصلا حق اشتباه کردن نداریم. در این دیدار باید به بازی سرعت بدهیم تا بتوانیم با دست پر از میدان خارج شویم.

از تیم ملی ازبکستان به‌عنوان قدرت جدید و نوظهور فوتبال آسیا نام برده می‌شد. البته حدود ۳ دهه قبل در بازی‌های آسیایی این اتفاق افتاد و تیم ملی این کشور حتی به قهرمانی آسیا رسید. چرا هرگز دوباره ازبکستان در این سال‌ها به سطح اول برنگشت؟

کار کردن با بازیکنان جوان همیشه زمان‌بر و سخت است، اما نکته مهم‌تر این است که برای نسل‌سازی باید سال‌های زیادی زمان صرف شود و زمان زیادی طول می‌کشد تا شما بتوانید نسلی را تربیت کنید و این موضوع زمان زیادی می‌برد. در آن سال‌ها که اشاره کردید ما نسل خوب فوتبالی داشتیم و شاید برای آنها در این سال‌ها جایگزینان مناسبی پیدا نشدند؛ هر چند در حال حاضر تیم ملی قدرتمندی داریم و به آینده این تیم بسیار خوشبین و امیدوار هستم.

درباره تیم ملی فوتبال ایران صحبت کنید. گفته می‌شود میانگین سنی این تیم بالا و تیم ملی فوتبال ایران پیر است. شما به‌عنوان یک مربی جوان، در مربیگری جوان‌گرایی و کار با جوان‌ها را می‌پسندید یا نتیجه گرفتن به هر ترتیبی را؟

تیم ملی هر کشوری نیاز ضروری، دائمی و مبرم به بازیکنان باتجربه و باکیفیت دارد. با این حال اگر بازیکنی بتواند همان کیفیت را فراهم کند و هم با بازیکنان بزرگ‌تر از سن خودش یک رقابت سالم داشته باشد و از سوی دیگر هم از نیمکت‌نشینی ناامید نشده و به رقابت خود ادامه دهد، این یک اتفاق بسیار خوب است که هم تیم از آن سود می‌برد و هر مربی‌ای از این ماجرا استقبال می‌کند. شما مطمئن باشید در فوتبال اگر نتیجه‌ای حاصل شود همیشه این طور است که تلفیقی از بازیکنان جوان و باتجربه در آن نقش‌آفرینی خواهند کرد.

از بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران در حال حاضر کدام یک را به خوبی می‌شناسید و به بازی‌اش علاقه‌مند هستید؟

به‌صورت کلی من عاشق بازیکنان تهاجمی هستم. در تیم ملی ایران، آزمون و کریمی را می‌شناسم و سبک بازی آنها مورد علاقه من هستند.

در جام ملت‌های آسیا کدام تیم‌ها مدعیان کسب عنوان قهرمانی هستند؟

به‌نظرم کشورهایی مانند ژاپن، کره‌جنوبی، عربستان و همچنین تیم ملی ایران شانس قهرمانی در این رقابت‌ها را دارند؛ هر چند در این بین نمی‌توان تیم ملی ازبکستان را نادیده گرفته و این تیم هم قطعا برای موفقیت در قطر شانس خواهد داشت.

درباره برتری پرگل سپاهان تیم سابق خود مقابل نماینده ازبکستان در لیگ قهرمانان آسیا چه نظری دارید؟

در فوتبال گاهی اوقات این اتفاقات رخ می‌دهد و این برتری‌های پرگل هم از این دسته از اتفاقات هستند که به نتایج و ماجراهای در حین بازی مربوط می‌شود.

هنوز هم نتایج استقلال را دنبال می‌کنید؟ هواداران استقلال بعد از سال‌ها هنوز علاقه زیادی به شما دارند و از شما به نیکی یاد می‌کنند.

من به همه تیم‌های سابق خودم از جمله استقلال علاقه‌مند هستم و هنوز هم به آنها وفادارم. هواداران استقلال هم در این سال‌ها همیشه به من محبت و لطف داشته‌اند و من هم همیشه از آنها با خاطرات خوب یاد می‌کنم.

به‌عنوان یک هافبک طراح و کلاسیک سابق در فوتبال، بعد از رفتن شما از استقلال هنوز هم در این سال‌ها بازیکنی مثل شما با توانمندی‌ها و خلاقیتی که در خط میانی زمین داشتید به استقلال نیامده است. آیا فوتبال امروز تغییر کرده یا هنوز هم به بازیکنان طراح مثل شما برای کسب موفقیت تیمی نیاز است؟

من هم قبول دارم که این دست از فوتبالیست‌ها در فوتبال دنیا کم هستند اما برای کسب نتیجه، شما به هر سبک بازیکنی نیاز دارید.

ماشاریپوف در ابتدای فصل جاری قرار بود به استقلال بیاید که این امر محقق نشد. برای این بازیکن چه صحبتی دارید؟ او فرصت خوبی را از دست نداد؟

بله، ماشاریپوف بازیکن بسیار خوبی است و در این سال‌ها در تیم ملی ازبکستان و تیم‌های باشگاهی خودش بازی‌های باکیفیتی را ارائه داده است. به‌نظرم او نیازمند احترام بیشتری است، البته من از وضعیت استقلال اطلاع دقیق و کاملی ندارم و نمی‌دانم چرا ماشاریپوف این تیم را انتخاب نکرده و باشگاه دیگری را انتخاب کرد.

در پایان صحبتی باقی می‌ماند؟

بازی امروز قطعا یک دیدار جذاب و پرهیجان خواهد بود که امیدوارم تیمی که بهتر بازی می‌کند و فوتبال بهتری ارائه می‌دهد، برنده این مسابقه باشد.

چرا مهد فوتبال در باتلاق فرو می‌رود؟

فوتبال خوزستان بی‌توجه به استعدادهای جوانش

نیلوفر مژدهی
خبرنگار

شرایط فوتبال در خوزستان خوب نیست و بازخورد این موضوع در عملکرد سه تیم خوزستانی حاضر در لیگ برتر کاملا واضح و مشخص است. برای استانی که زمانی مهد فوتبال نام داشت و دیگر باشگاه‌های کشور را تغذیه می‌کرد، افت دارد که بگوییم در بدترین شرایط ممکن قرار دارد و از استعدادهای جوانش به خوبی استفاده نمی‌کند و آنها را از همان عنفوان جوانی از دست می‌دهد.

پول عامل نابودی

فارغ از شرایط مالی که اجازه نمی‌دهد بسیاری از استعدادهای فوتبالی در مناطق محروم از جمله خوزستان به ورزش حرفه‌ای روی آورده و استعداد خود را نشان دهند، این خطه خود استعدادسوزی می‌کند. در چنین شرایطی انگشت اتهام به سوی باشگاه‌های حرفه‌ای نشانه گرفته می‌شود و اغلب، این باشگاه‌ها را به دلیل استفاده نکردن از بازیکنان جوان مواخذه می‌کنند، در حالی که این باشگاه‌ها فقط نیمی از مقصران این شرایط هستند. با این حال در استانی که شرایط برای پرورش استعداد فراهم نیست، تنها امید علاقه‌مندان به فوتبال، همین باشگاه‌ها خصوصا سه باشگاه فوتبال حاضر در لیگ برتر هستند. از سوی دیگر اما این باشگاه‌ها خود با چنان مشکل مالی روبه‌رو هستند که در مخارج واجب و ضروری خود مانده‌اند. از این رو نمی‌توان توقع داشت باشگاهی با بودجه محدود و بسیار پایین، تیم بزرگسالان را با امتیاز میلیاردی رها کرده، سراغ جوانان و نوجوانان برای پرورش استعدادشان برود. از آنجا که پیش از این هم هر آنچه استعداد از خوزستان به فوتبال ایران معرفی شده معمولا به صورت ذاتی و خودجوش بوده است، در ادامه نیز آنهایی که باید در این زمینه تلاش‌هایی می‌کردند، فوتبال خوزستان را رها کردند به این امید که باز هم چشمه جوشان این خطه، استعداد تولید کند.

شعارهای پوچ

درست اوایل فصل و قبل از اینکه فشار مسائل مالی و اختلاف نظرها بین مربیان دو تیم استقلال خوزستان و صنعت نفت با مدیریت این باشگاه‌ها به وجود بیاید و همه چیز در ظاهر گل و بلبل به نظر می‌رسید، عبدالله ویسی و سیروس پورموسوی به استفاده از بازیکن توانمند حاضر در استان تاکید داشته و معتقد بودند، می‌خواهند تیم را بر چنین پایه و اساسی ببندند. اتفاقا قوانین جدید درخصوص استفاده از بازیکنان جوان و کم شدن سهمیه بازیکنان پا به سن گذاشته، باعث شد مربیان تیم‌های لیگ برتری ناخودآگاه به سمت جذب بازیکنان جوان کشیده شوند اما ملاک فقط جذب این نفرات نیست بلکه تیمی که در زمین قرار می‌گیرد و نفراتی که در ترکیب اصلی به میدان می‌روند ملاک اصلی برای استفاده از بازیکنان جوان و نوجوان است. در حالی که اغلب افراد حاضر در این دو تیم فقط از شعار جوان‌گرایی در سطح استان استفاده کردند ولی اتفاقات دیگری رخ داد.

مدیران نگران سهام

وقتی پول با فوتبال عجین می‌شود دیگر شاهد فداکاری نخواهیم بود. هیچ مدیری حاضر نیست به قیمت رشد و اعتلای فوتبال، امتیاز چندده میلیاردی باشگاه خود را فدا کند، در شرایطی که میدان دادن به بازیکنان جوان و اتصال‌شان به تیم بزرگسالان نیازمند صبر و شکیبایی است. با این حال از مدیری که نمی‌داند تا چه زمانی در باشگاه وجود دارد و عمر مدیریتش چقدر طول می‌کشد، نمی‌توان توقع داشت که فرصت محدود خود را برای استفاده از بازیکنان مستعد تیم‌های پایه هدر دهد. به فرض که این مدیر چنین کاری کرد، مگر عمر مدیریت او چقدر طول خواهد کشید که در ادامه مسابقات هم نفر جدید بخواهد از این نفرات حمایت کرده و آنها را تا لحظه رشد و شکوفایی همراهی کند. متاسفانه اما انتخاب مدیران باشگاه‌های خوزستانی براساس توانمندی‌های این افراد در شرکت‌ها و پالایشگاه‌های جنوبی رقم می‌خورد که چون توانایی مشخص و اغلب مرتبطی ندارند، محتمل است به فوتبال لطمه وارد کنند. اسم و شهرت و ستاره بودن به تنهایی برای موفقیت یک تیم کافی نیست، آن هم تیم‌هایی که هر روز از مشکلات مالی گلایه دارند و برای برطرف کردن نیازهای لجستیکی خود نیز پولی در بساط شان نیست. این تیم‌ها می‌توانند با قربانی کردن امتیاز خود هم که شده به تولد دوباره فوتبال و ایجاد انگیزه و رشد استعدادهای استانی کمک کنند. همین حالا باشگاهی همچون پیکان که مدت‌هاست از آکادمی خود تغذیه می‌کند، نه تنها به لیگ برتر سقوط نکرده بلکه هرگز برای قهرمانی هم مبارزه نمی‌کند. برای تیمی همچون پیکان توقع کسب سهمیه و رتبه وجود ندارد بلکه دستاورد این تیم برای علاقه‌مندان به فوتبال این است که ببینند در فصل جدید تیم پیکان چه ستاره و پدیده‌ای را از بین بازیکنان آکادمی خود معرفی می‌کند. در نتیجه برای فوتبال خوزستان که توان خرید بازیکن ستاره را ندارد بهترین اتفاق استفاده از نیروهای استانی است.

اتفاق بد در خوزستان

مربیان استان خوزستان مخصوصا صنعت نفت و استقلال خوزستان به استفاده از بازیکنان جوان و با استعداد این خطه تاکید داشته و مدعی هستند از تیم جوانی استفاده می‌کنند، در حالی که با نگاهی آماری به دقایق حضور بازیکنان این تیم در لیگ برتر مشخص می‌شود که آنها از آنچه ادعا می‌کنند، بسیار فاصله دارند. فولاد در شمایل کلی در انتهای جدول قرار دارد. این تیم حتی در یارگیری نیز نگاهی به جوانان استان نداشت و به نظر می‌رسد از اهدافش به شدت دورافتاده است. صنعت نفت نیز دست‌کمی از فولاد ندارد. ضمن اینکه استقلال خوزستان نیز هرچند در موقعیت بهتری قرار گرفته اما برای استفاده از بازیکنان جوان چندان تمایلی از خود نشان نمی‌دهد. در واقع استفاده از بازیکنان جوان چه در تیم‌های خوزستانی و چه در دیگر تیم‌های لیگ برتر بیشتر شبیه یک شعار است اما برای استان خوزستان که با همه بی‌توجهی‌ها و محرومیت‌ها همچنان استعدادهایی را در تیم‌های جوانان و نوجوانان ملی دارد، نداشتن بازیکنان مستعد خوزستانی در سنین پایین در ترکیب تیم خوشحال‌کننده نیست. در مورد استقلال خوزستان و صنعت نفت شرایط کاملا فرق می‌کند. این تیم‌ها به بازیکنان جوان روی آورده و در ابتدای فصل با شعار اعتماد به نیروهای جوان شهر و استان کار خود را آغاز کردند. اتفاقا در یارگیری‌ها به این امر اصرار داشتند و هر کدام حدود ۱۰ بازیکن جوان در لیست خود جا دادند. اما به نظر می‌رسد استفاده از بازیکنان جوان فقط یک شعار است و خوزستانی‌ها در گفتار و مصاحبه‌هایشان در مقاطع مختلف، از بازیکنان جوان و بومی فقط برای فرار رو به جلو و ساکت کردن جو و فضای ملتهب فضای مجازی و رسانه‌ای استفاده می‌کنند و در عمل نیز فقط برای پر کردن لیست تیم‌هایشان از جوانان بومی استفاده ابزاری می‌کنند و در حقیقت اعتقادی به آنها ندارند. با نگاهی به ترکیب دو تیم در همین هفته دهم لیگ برتر که اخیرا سپری شد کاملا مشخص است که به جز دو بازیکن در ترکیب دو تیم، دیگر تمایل به استفاده از بازیکنان جوان وجود نداشته است. استقلال خوزستان برای این مهم به دو مهاجم خود اعتماد کرد و صنعت نفت نیز تنها از شریعت‌زاده جوان در خط حمله سود برد. اگر عملکرد نامناسب دروازه‌بان عراقی نبود، ویسی حاضر نمی‌شد در ترکیب تیمش به پارسا میدان دهد. عدم جذب این بازیکن عراقی هرچند کم هزینه اما می‌توانست زمینه‌ساز حضور بسیاری از بازیکنان جوان و مستعد استان خوزستان باشد. به نظر می‌رسد، پورسانت، مطرح شدن و ناتوانی در اجرایی کردن عملیات مدیریتی و بسیاری از موارد دیگر، دلیل کشیدن قلم قرمز روی نام استعدادهای تیم‌های خوزستانی است.

نوبت اول

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب

فراخوان مناقصه عمومی

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفا به صورت الکترونیکی (توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می‌باشد.

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره م م/۰۲/۰۳۲۶ مربوط به مرمت و بهسازی جاده و محوطه چاه ۹۱ اهواز

الف- شرح مختصر خدمات
عملیات تخریب، تسطیح و کوبیدن بستر، عملیات خاکی، اجرای قشر مخلوط رودخانه‌ای و تثبیت با آهک، شن‌ریزی، تسطیح و رگلاژ، خاکبرداری و خاکریزی، اجرای قشر زیراساس و شفته آهک، ساختمان پی دستگاه حفاری، دیوار سنگی سمت ۱۷ متری، احداث گودال بتنی/بلوکی آبگل، لوله‌کشی آب و گاز، ساخت و نصب مهارهای لوله گاز، سپتیک، محل احداث مخازن سوخت و موتور برق، حصار محوطه چاه، احداث آبرو از لوله بتن مسلح: تجهیز و برچیدن کارگاه

ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار
محل اجرای خدمات در ۳۰ کیلومتری اهواز و مدت انجام آن ۶ ماه می‌باشد.

ج- برآورد کارفرما
برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۳۸,۹۱۴,۷۲۱,۷۷۳ ریال و تعدیل‌پذیر می‌باشد.

د- شرایط مناقصه‌گران متقاضی
- داشتن ظرفیت آزاد (تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه
- مناقصه‌گران دارای حداقل پایه ۵ گرایش راه و ترابری در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر، الویت با شرکت‌های بومی استانی می‌باشد. داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی - داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی الزامی است و همچنین اصالت گواهینامه مذکور ارائه گردیده می‌بایست در سایت www.mcls.gov.ir رویت گردد. عدم ارائه یا رویت گواهینامه صلاحیت ایمنی به منزله حذف از مناقصه می‌باشد. توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ -/۱,۹۴۵,۷۳۶,۰۸۹ ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد:

الف: ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق‌الذکر به شماره حساب IR۹۴۰۱۰۰۰۴۰۰۱۱۱۱۶۰۴۰۲۲۰۶۷ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران –اهواز کد ۰ حساب– به نام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

ب: ارائه ضمانتنامه بانکی به میزان مبلغ فوق‌الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰ روز) معتبر بوده و پس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.

- توانایی ارائه ۵٪ مبلغ پیمان (درصورت برنده شدن) به عنوان تضمین انجام تعهدات

مناقصه‌گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است به صورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان طرح های راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.

هـ- محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه‌گران
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی ساده) روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به عمل آید.

۱- مهلت اعلام آمادگی: به صورت الکترونیکی غیرحضوری و از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۶ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

۲- مبلغ خرید اسناد و شماره حساب: واریز مبلغ ۴,۰۴۶,۰۰۰ ریال از طریق درگاه موجود در سامانه به نشانی www.setadIran.ir

محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها
متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۵:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۰۳ به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمنا پیشنهادات در ساعت ۰۸:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۰۶ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه‌گران با معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است.

همچنین مناقصه‌گران می‌بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۵:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۰۳ اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان طرح‌های راه و ساختمان تسلیم نمایند. همزمان ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.

تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکت‌ها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.

امور حقوقی و قراردادها - شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
WWW.NISOC.IRhttp://iets.mporg.ir
شماره شناسه ۱۶۰۷۳۸۵

آگهی فقدان سند مالکیت خانم کبری محمودی صابر ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی واقع در طبقه دوم قطعه هفتم تفکیکی به مساحت ۱۳۵/۵۹ مترمربع به شماره پلاک ۱۳۰۰۰ فرعی از ۱۵۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۵۱۸ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان ذیل دفتر ۲۱۹۵ صفحه ۱۷۴ و ثبت ۸۳۷۵۳۹ به نام متقاضی ثبت و سند به شماره چاپی ۴۳۳۹۸۸ صادر و تسلیم شد که سند مالکیت به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. لذا تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد. بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود یا درصورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد. محدودیت: یک مورد بازداشت دائم به موجب دستور شماره ۱۳۹۸۱۳۲۰۰۲۰۱۱۲۱ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۴ صادره از شعبه اول دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ فجر کرج به مبلغ ۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال با نفع – برای مالکیت کبری محمودی صابر بازداشت می‌باشد.

مسلم مرزآرا
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج
شناسه آگهی: ۱۶۰۶۸۶۴

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a66348018@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

وزارت ورزش به‌دنبال گزینه مناسب برای مدیرعاملی پرسپولیس

یحیی به یک دلیل تا پایان قراردادش می‌ماند

کادر فنی قرمزها سخت پیگیر ترکیب مدنظر کاسترو

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

پرسپولیس در ادامه روند آماده‌سازی خود روز گذشته در یک بازی تدارکاتی به مصاف نساجی مازندران رفت و به زحمت توانست این بازی را با تساوی یک- یک به پایان برساند. این مسابقه به سرخپوشان کمک کرد که در فیفادی از شرایط مسابقه خارج نشده و در فرم مطلوب خود را آماده بازی با النصر کنند. در شرایط فعلی آنچه بیش از هر چیز فکر مربیان پرسپولیس را مشغول کرده ترکیبی است که النصر می‌خواهد در بازی ششم آذرماه به میدان بیاید. این تیم که صعودش به مرحله یک هشتم لیگ قهرمانان قطعی شده سه روز بعد از بازی با پرسپولیس باید دربی عربستان را با الهلال برگزار کند. در همین راستا نیز رسانه‌های عربستانی این روزها صحبت از این می‌کنند که النصر می‌خواهد با تیم دومش به مصاف پرسپولیس بیاید. خبری بسیار امیدوارکننده برای یحیی گل‌محمدی و شاگردانش که بسیار جدی پیگیر اخبار مربوط به ترکیب مدنظر لوئیس کاسترو در بازی ششم آذر هستند. در تمرین سرخپوشان صحبت از این است که کاسترو درنظر دارد دو بازیکنان خارجی که در سفر به تهران همراه با النصر نبودند را در مصاف با آنها به میدان بفرستد. تالیسکا، یکی از ستاره‌های خارجی النصر بود که از لیست بازی رفت خط خورد و احتمالا در بازی برگشت یکی از نفرات اصلی خواهد بود. برای پرسپولیسی‌ها آنچه اهمیت دارد این است که کاسترو به رونالدو، مانه و مارسلو بروزویچ در بازی برگشت دو تیم استراحت دهد که با توجه به حساسیت بالای بازی النصر و الهلال امکان آن کم نیست. نکته قابل توجه اینکه آیمریک لاپورت بهترین مدافع النصر هم فعلا مصدوم است و بسیار بعید است که کاسترو بخواهد او را در بازی با پرسپولیس حتی درصورت بهبودی نسبی به میدان بفرستد.

گل‌محمدی درمورد نبیل ریسک نکرد

دیدار دوستانه دیروز پرسپولیس و نساجی با توجه به افزایش شدت باران تهران یک ساعت زودتر برگزار شد. البته هر چه از این مسابقه گذشت بارش باران شدیدتر شد، اما با این حال بازی تا آخر ادامه پیدا کرد. یحیی در این مسابقه تقریبا از تمامی نفراتش در غیاب ملی‌پوشان و وحید امیری مصدوم استفاده کرد و فقط در مورد نبیل باهویی ریسک نکرد. در هر صورت در این اوضاع نه‌چندان خوب پرسپولیس، نبیل به بازیکن مهمی برای پرسپولیس تبدیل شده است، چون از ناحیه همسترینگ تازه بهبود پیدا کرده و یحیی به توصیه کادر پزشکی به این بازیکن بازی نداد تا مبادا ماجرا تشدید مصدومیت وحید امیری در بازی برگشت با استقلال تاجیکستان تکرار شود. البته نبیل هیچ مشکلی برای همراهی سرخپوشان در مصاف با النصر در عربستان ندارد.

اصلی‌ها نتیجه را واگذار کردند!

پرسپولیس در بازی با نساجی بازی را با ترکیب اصلی شروع کرد و با وجود اینکه هر دو هافبک دفاعی این تیم در ترکیب اصلی بودند (سرلک و ریگی) سرخپوشان یک گل زودهنگام در دقیقه هفت بازی دریافت کردند و تلاش‌های آنها برای زدن گل تساوی نتیجه نداد. اما بعد از اینکه یحیی پنج شش بازیکن جوان تیمش را به جای بازیکنان اصلی راهی میدان کرد، توسط محمدمهدی احمدی مدافع چپ پایش روی ریباند که از روی شوت امیررضا شیخی‌راد بود به گل تساوی دست یافت، البته نساجی هم در این دقایق با اکثر بازیکنان ذخیره‌اش بازی می‌کرد.

احتمال تغییر برنامه سفر عربستان

پرسپولیس طبق برنامه قرار است صبح روز جمعه پیش‌رو راهی عربستان شود. خواسته یحیی این بوده که سرخپوشان قبل از مصاف با النصر سه جلسه تمرین داشته باشد. در این برنامه همچنین سفر به جده و زیارت خانه خدا هم گنجانده شده بود که به احتمال زیاد منتفی شود. از قرار معلوم مدیران باشگاه پرسپولیس بعد از اینکه متوجه شدند اگر قرار باشد از ریاض به جده بروند باید هزینه زیادی را برای سفر هوایی متقبل شوند و از این رو احتمالا سرخپوشان چند ساعت بعد از مسابقه با النصر یا فردای این بازی به تهران برگردند. البته مربیان پرسپولیس تاکید کرده‌اند که زمان رفت و برگشت آنها بامداد یا نیمه‌شب نباشد تا ساعت خواب بازیکنان به‌هم نریزد. اتفاقی که در سفر رفت و برگشت به تاجیکستان رخ داد و باعث اعتراض شدید بازیکنان به برنامه‌ریزی غلط باشگاه شد.

بوی تغییر مدیرعامل قرمزها می‌آید!

این روزها در باشگاه پرسپولیس بیش از هر زمان دیگری صحبت از تغییر مدیرعامل به گوش می‌رسد. عملکرد رضا درویش در چند ماه اخیر باگاف‌های زیادی همراه بوده که آخرین آن جریمه اعضای تیمش با وجود مخالفت برخی اعضای هیات‌مدیره بوده است. اتفاقی که باعث شد شکاف عمیقی بین بازیکنان و مربیان تیم پرسپولیس با مدیریت این باشگاه ایجاد شده و بیانیه بی‌سابقه‌ای هم از سوی سرخپوشان علیه ضعف‌های مدیریتی درویش صادر شود. بیانیه‌ای که هیچ واکنشی از سوی او را به همراه نداشت اما درعوض یکی از مربیان تیم‌های پایه پرسپولیس به خاطر یک استوری انتقادی از درویش به خاطر ضعف در تیم بستن، توسط این مدیر از حضور در تمرینات تیمش منع و به کمیته انضباطی باشگاه احضار شد. در این مورد از وزارت ورزش هم پیگیر ماجرا شدیم و با خبر شدیم که وزیر ورزش هم اصلا از عملکرد درویش رضایت ندارد و به‌دنبال یک گزینه مناسب برای جانشینی او است؛ هر چند بدهی سنگینی که درویش در پرسپولیس بر جای گذاشته باعث شده هر مدیری حاضر به جانشینی او نباشد. این باشگاه درحال‌حاضر نزدیک به سه میلیون دلار بدهی بانکی دارد و درآمدزایی این فصلش از اسپانسر تقریبا یک‌سوم هزینه‌هایی است که این باشگاه در فصل جاری خواهد داشت. در چنین شرایطی هر مدیری جانشین درویش شود کار بسیار سختی پیش‌رو خواهد داشت.

یحیی تا پایان فصل استعفا نخواهد داد

در فصل جاری گل‌محمدی چندبار صحبت از جدایی از پرسپولیس کرد و حتی مدعی شد بعد از نوتیس‌هایی که داده قراردادی با این باشگاه ندارد اما با این حال در تمرینات تیمش حاضر شد ولی هرگز به محل این باشگاه با وجود دعوت مدیرعامل و هیات‌مدیره نرفت. اخیرا هم که درویش را آنفالو کرده که نشان دهد حتی نمی‌خواهد با او کوچک‌ترین ارتباطی داشته باشد. یحیی بعد از جریمه درنظر گرفته شده از سوی درویش برای تیمش نیز باز هم تهدید به کناره‌گیری کرد اما درنهایت تصمیمش را عملی نکرد. در این مورد با خبر شدیم مهم‌ترین دلیلی که باعث شده یحیی در پرسپولیس بماند، قرارداد مالی او با این باشگاه است. از قرار معلوم قرارداد سه‌ساله‌ای که یحیی در زمان مجید صدری با باشگاه پرسپولیس امضا کرد در فصل جاری بیشترین جهش را داشته و به حدود ۲۴ میلیارد تومان رسیده است. تا اینجای فصل هم که فقط ۲۰ درصد قراردادش را دریافت کرده و اگر استعفا دهد مابقی پول را نمی‌تواند از پرسپولیس دریافت کند. در همین راستا او فعلا تصمیم دارد تا پایان فصل در جمع سرخپوشان بماند. در این میان یکی دو تیم لیگ برتری هم دنبال استخدام او هستند که در زمان مناسب مفصل به شرح جزئیات آن خواهیم پرداخت.

یک مقام آگاه درکارگروه نظارت بر سقف بودجه درگفت‌وگو با «فرهیختگان»: جزئیات پرونده استقلال با ۲ باشگاهی که جریمه شدند تفاوت داشت

گمانه‌زنی‌ها درباره ایرادات به استقلال نزدیک به واقعیت است

ادعاها درباره هوادار متمول پرسپولیس را هم کسی نتوانست ثابت کند

استعلام از برخی نهادها باعث شد تا بررسی پرونده استقلال طول بکشد

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

یک مقام آگاه در کارگروه نظارت بر سقف بودجه و قراردادهای لیگ برتر فوتبال در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره اینکه آیا سرانجام پرونده استقلال به کمیته انضباطی ارسال شده است یا خیر اظهار داشت: «ایرادهایی که درخصوص استقلال اعلام شده تقریبا همه گمانه‌زنی بوده که البته بیشتر آنها درست و نزدیک به واقعیت بوده است. در هر صورت برای باشگاه استقلال پرونده‌ای تشکیل شده و عصر امروز نیز به کمیته انضباطی ارسال شده است. ما از طریق سیستم اتوماسیون اداری این پرونده را ثبت کردیم و شماره ثبت آن هم موجود است. این پرونده به صورت مستقیم برای آقای حسن‌زاده ارسال شده و ممکن است ایشان هنوز هم آن را باز نکرده باشد. به همین دلیل است اگر سایر اعضای این کمیته از ابلاغ پرونده بی‌خبر باشند.»

وی درباره اینکه تا چه اندازه شباهت بین پرونده استقلال با دو باشگاه متخلف دیگر وجود داشته و این موضوع می‌تواند احتمال کسر امتیاز از آبی‌ها را کاهش بدهد گفت: «درخصوص جزئیات نمی‌توان صحبت کرد. ضمن اینکه کمیته انضباطی رای را صادر می‌کند. بنده و سایر اعضا در این خصوص نه سوالی از کمیته انضباطی مطرح می‌کنیم و نه اینکه به خودمان اجازه می‌دهیم سوالی بپرسیم. کارگروه گزارش میدهد و اعلام می‌کند که برخی بندهای دستورالعمل بر اساس شواهد و مدارکی که به دست‌مان رسیده رعایت نشده است. ادله باشگاه ذیربط را اخذ کرده و سپس برای کمیته انضباطی ارسال میکنیم. قاعده‌اش این است که کمیته انضباطی هم آنها را بررسی و رای خود را اعلام می‌کند. درنهایت این کمیته نظر و رای نهایی را می‌دهد. ما فقط گزارش می‌دهیم. درخصوص پرسپولیس و سپاهان هم کمیته انضباطی قانع نشده و امتیازات این دو تیم را کسر کرد. کارگروه فقط از دستورالعملی که مصوب شده است صیانت می‌کند، اگر جایی به این موضوع برخورد کرد که تخلفی صورت گرفته آن را به کمیته انضباطی ارسال می‌کند و اعلام میدارد چنین مواردی رعایت نشده است.»

این عضو کارگروه در ادامه گفت‌وگو با «فرهیختگان» درخصوص اینکه چرا برخلاف پرونده دو باشگاه دیگر، بررسی و ارزیابی پرونده باشگاه استقلال مدت زمان بیشتری را طی کرده است، اظهار داشت: «هر چیزی شرایط خاص خودش را دارد. وقتی با ماشین حساب رقم شش یا هفت بازیکن یک باشگاه را جمع می‌زنید و میشود ۳۲۰ میلیارد تومان دیگر نیازی به بررسی بیشتر نیست. درواقع یک ماشین حساب تکلیف را روشن می‌کند و این کار سختی نیست؛ یا اگر تیمی سقف را رد کرده و می‌خواهیم آن را اصلاح کند و می‌گویند نمی‌شود چون قرارداد بسته‌ایم؛ این موارد شفاف و روشن هستند و خیلی جای بحث ندارد اما در استقلال یک‌سری موارد بر اساس ابهاماتی بود که ما برای آنها مدارک نداشتیم. در این خصوص یک نهاد نظارتی برخی موارد را مطرح کرده بود که باید آن را به صورت مکتوب به ما گزارش می‌داد و یا ما باید استعلاماتی را از برخی نهادها می‌گرفتیم. ما که روح‌مان هم خبردار نبود که مثلا با مربی این تیم قرارداد داخلی امضا شده است، باید مدارک را بررسی می‌کردیم. چون آنجا یک شرکت دولتی هست، یک نهاد نظارتی گزارش داده که اینها چنین کاری را کرده‌اند. تا وقتی پاسخ استعلام از سازمان بازرسی نمی آمد نمی شد تعیین تکلیف کرد. مثلا درباره پرسپولیس هم که می گفتند هوادار متمول به این باشگاه کمک کرده است، اما کسی نتوانست آن را ثابت کند و مدرکی بیاورد. اما باید یکسری اسناد و مدارک که درباره استقلال ارائه می شدند، تایید می شد. ورود این نهاد جهت گزارش نهایی باعث شد پرونده استقلال زمانبر شود.»

وی افزود: «یا به طور مثال پولی به حساب این مربی واریز شده در حالی که قراردادی از وی در سازمان لیگ ثبت نشده است و ما هم نمی‌توانستیم حساب بانکی کسی را رصد کنیم. به همین دلیل پرونده این باشگاه زمان برد که این نهاد که اختیار داشت، مکاتبه لازم را با بانک کرده و مجوز مقام قضایی را بگیرد. یا مثلا اطلاعاتی داده بودند که رقم رضایتنامه خالدآبادی ۹ میلیارد تومان است که در این خصوص هم مدرک خواستیم که یک‌سری مدارک به ما دادند و ما براساس آن نامه‌نگاری‌هایی را انجام دادیم. بنابراین برای تخلفات صورت‌گرفته در پرونده استقلال به دنبال تایید این نهاد نظارتی که یکی از آنها سازمان بازرسی است، بودیم. البته ما اول از خود استقلالی‌ها سوال کردیم و طول کشید تا ابهامات ما را پاسخ بدهند. بعد هم ادعاهای این باشگاه را به نهادهای نظارتی دادیم که آنها هم طول کشید تا پاسخ ما را بدهند و چون استعلامات زمان‌بر هستند این امر بیشتر از سایر پرونده‌های دیگر طول کشید. بنابراین ورود این نهاد جهت گزارش نهایی باعث شد پرونده استقلالی‌ها به طول بینجامد. آنها هم گزارش خود را دادند و در این خصوص دیگر کمیته انضباطی تصمیم‌گیرنده خواهد بود. کمیته انضباطی عادلانه کار می‌کند و به این قضایا نگاه رنگی ندارد. پنج قاضی کاردرست در این کمیته هستند که می‌دانیم باوجدان عمل می‌کنند. برای ما هم تیم‌ها با هم فرقی ندارند و دیدید که پرونده سه باشگاه دیگر را هم برای کمیته انضباطی فرستادیم.»

اخبار کوتاه

گزینه‌های اینتر برای تقویت در زمستان مشخص شدند

طارمی و ۲ بازیکن وستهام و ناپولی

رسانه‌های ایتالیایی همچنان پیگیر اخبار مربوط به انتقال مهدی طارمی به لیگ این کشور هستند و هر روز جزئیات جدیدی از احتمال حضور ستاره تیم ملی ایران در اینترمیلان منتشر می‌کنند. حتی خبرنگاران معروف حوزه نقل و انتقالات در اروپا هم معتقدند طارمی فاصله زیادی تا پیوستن به اینتر ندارد و حتی پیشنهاد اولیه اینتری‌ها به باشگاه پورتو ارسال و مورد قبول این تیم پرتغالی قرار گرفته است. بدون شک اینکه قرارداد این مهاجم ایرانی در انتهای فصل به پایان می‌رسد و می‌تواند بدون پرداخت هیچ پولی از پورتو جدا شود در روند این پرونده تاثیر زیادی خواهد داشت. البته برخی رسانه‌های ایتالیایی معتقدند اینتر فقط طارمی را مدنظر ندارد و چند گزینه دیگر نیز در رادار این تیم هستند که ممکن است در همین ژانویه برای خرید آنها دست به کار شوند. سایت «سمپر اینتر» در اینباره می‌نویسد: «براساس اخبار و شنیده‌هایی که وجود دارد گفته می‌شود اینترمیلان برای تقویت خود در زمستان چهار گزینه را مد نظر دارد که همگی در انتهای فصل قراردادشان به پایان می‌رسد و بازیکن آزاد خواهند شد. از جمله مهمترین این گزینه‌ها می‌توان به مهدی طارمی و توماس سوچک اشاره کرد. به‌په موراتا، مدیر اینتر به دقت مشغول بررسی گزینه‌های پیش‌رو است تا بهترین مورد را برای خط حمله این تیم انتخاب کند. غول سری A در سال‌های اخیر بازیکنان موثری همچون مارکوس تورام و هاکان چالهان‌اوغلو را به عنوان بازیکن آزاد به خدمت گرفته است و در این زمینه سابقه مناسبی دارد. به همین دلیل آنها تمایل دارند به‌جای هزینه هنگفت برای خرید بازیکن در خط حمله، به سراغ گزینه‌های ارزان‌تر و در دسترس‌تر بروند. گفته می‌شود آنها چهار بازیکن را در لیست نهایی خود قرار داده‌اند. نفر اول این فهرست مهدی طارمی است. مهاجم ۳۱ ساله پورتو که همین تابستان قبل هم جزء گزینه‌های نرآتزوری بود. البته درنهایت این انتقال نهایی نشد تا اینتر مارکو آرناتوویچ را بخرد. با این حال این مهاجم ایرانی هنوز در سبد خرید اینتر قرار دارد و نزدیکانش خبر می‌دهند که او بازی در سری A را به لیگ برتر جزیره ترجیح می‌دهد به همین دلیل هیچ بعید نیست او را به زودی در اینتر ببینیم. توماس سوچک، هافبک اهل جمهوری چک وستهام دیگر بازیکنی است که سیمونه اینزاگی برای تقویت خط حمله تیمش مدنظر دارد. پیوتر زیلینسکی از ناپولی هم که قراردادش در انتهای فصل به پایان می‌رسد دیگر گزینه اینتر است و درنهایت اینزاگی به خرید تیاگو جالو، مدافع سابق میلان نیز علاقه‌مند است که این روزها در لیل عضویت دارد.»

شاید گل‌محمدی نام مصدومان را از لیست خارج نکند

اختلافی که دامنگیر پرسپولیس می‌شود

پرسپولیس در حال حاضر دو بازیکن مصدوم در اردوی خود دارد که حداقل شش تا هفت ماه دیگر شرایط بازی کردن نخواهند داشت. مرتضی پورعلی‌گنجی و یاسین سلمانی از جمله این بازیکنان هستند که ممکن است یحیی گل‌محمدی نخواهد برای آنها در تعطیلات نیم‌فصل جایگزین بیاورد. در این مورد باخبر شدیم که سرمربی سرخپوشان تا الان تصمیمی برای خارج کردن نام این نفرات از لیست تیمش ندارد و حتی ممکن است در نیم‌فصل بخواهد قرارداد آنها تمدید شود. واقعیت امر این است که یحیی به هر دو بازیکن اعتقاد دارد و اگر قرار باشد نام آنها را از لیست خارج کند آن وقت هر دو بازیکن در تابستان بازیکن آزاد خواهند شد و پرسپولیس باید برای تمدید قرارداد با آنها مذاکرات جدیدی را آغاز کند. از این جهت که قرارداد هر دو بازیکن با پرسپولیس تا پایان فصل جاری است. در همین راستا امکان اینکه یحیی از مدیران باشگاهش بخواهد که در زمستان قرارداد این دو بازیکن و برخی دیگر از ستاره‌های پرسپولیس که قراردادشان تا پایان این فصل است، تمدید شود وجود دارد؛ هرچند در شرایط فعلی یحیی با درویش شدیدا به اختلاف خورده و این مساله می‌تواند در خیلی از برنامه‌های یحیی در زمستان تداخل به وجود بیاورد. مگر اینکه تا آن زمان تغییر مدیرعامل را در باشگاه پرسپولیس شاهد باشیم.

تفاوت جالب قانون در لیگ برتر و لالیگا

سکوت آیین‌نامه جدید درمورد بازیکنان مصدوم

هوشنگ نصیرزاده به عنوان یکی از اعضای سابق کارگروه نظارت بر سقف قراردادهای باشگاه‌ها در گفت‌وگوی اخیرش با «فرهیختگان» پاسخ عجیبی به یک سوال داد. او در واکنش به این سوال که اگر باشگاهی در نیم‌فصل بازیکن مصدومی در اردوی خود داشته باشد و چون نمی‌تواند تا پایان فصل از او استفاده کند نامش را از لیست خارج کند، آیا می‌تواند جای او بازیکن بگیرد یا نه، گفت: «چنانچه سقف قرارداد این باشگاه پر نشده باشد، بله، می‌تواند اما اگر این باشگاه سقفش پر باشد باید با بازیکن مصدومش توافق کند کمتر از رقم قراردادش دریافت کند و مبلغ کسرشده از سقف باشگاه کم می‌شود تا بر اساس آن این باشگاه بتواند با این مبلغ بازیکن جدید بگیرد!» اما روز گذشته در همین راستا خبری را در رسانه‌های اسپانیایی در واکنش به مصدومیت گاوی خواندیم. خبر در این مورد بود که باشگاه بارسلونا به خاطر رعایت فیرپلی مالی در نیم‌فصل نمی‌تواند بازیکن جدیدی به لیستش اضافه کند اما چون گاوی مصدوم شده و بیش از چهار ماه دور از میدان خواهد بود طبق قوانین سازمان لیگ اسپانیا این باشگاه می‌تواند ۸۰ درصد رقم قرارداد این بازیکن مصدوم، بازیکن جدید به خدمت بگیرد. موردی که نشان می‌دهد قوانین در لالیگا چقدر حرفه‌ای و کامل است. اما آیین‌نامه سازمان لیگ هیچ بندی درمورد بازیکنان مصدوم باشگاه‌ها ندارد و همه چیز به رعایت سقف قراردادها خلاصه شده است. خیلی واضح و روشن است که بازیکن مصدوم حاضر نمی‌شود دستمزدش را به خاطر سقف قرارداد باشگاهش کم کند و پاسخی که نصیرزاده در مورد سوال اشاره‌شده دارد نشان می‌دهد که در آیین‌نامه تنظیم شده به خیلی موارد حتی فکر هم نشده است؛ هرچند پیش از این بارها مربیان و مدیران لیگ برتری بر این نکته تاکید داشته‌اند که آیین‌نامه سازمان لیگ پر از ایراد و ابهام است و جالب اینکه این آیین‌نامه توسط افرادی لحاظ شده که مدعی‌اند بر قوانین فیفا اشراف کامل دارند! به نظر می‌آید در مورد بازیکنان مصدوم، باشگاه‌ها باید از کارگروه نظارت بر سقف قرارداد باشگاه‌ها بخواهند بندی را اضافه کند و یا حداقل مشخص کند که تکلیف باشگاه‌هایی که قصد خروج نام بازیکن مصدومی را از لیست دارند، چیست.

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

۱۳ میلیارد هزینه و بیننده‌های دورقمی

شکست پروژه تلویزیون اینترنتی کتاب

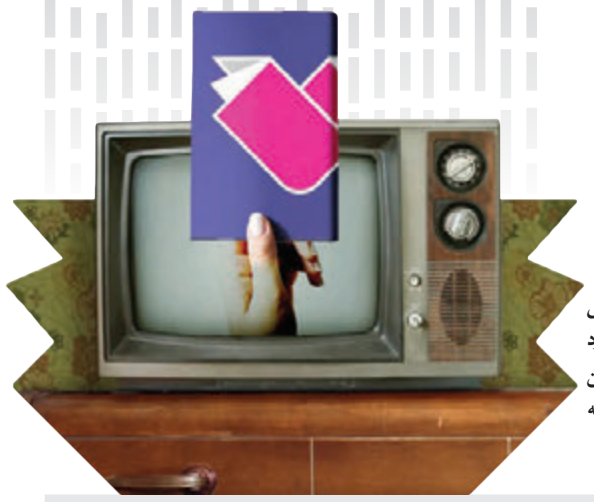

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

یک صندلی گذاشته و رو به مردم نشسته است و کتابی در دستش، جمعیت زیاد با سکوت کامل به کتاب خواندنش گوش می‌دهند، این تصویر چند روز پیش از سروش صحت درحال کتابخوانی منتشر شد؛ تصویری که اگر نخی داشته باشیم و آن را دنبال کنیم، حتما به تلویزیون می‌رسیم که یک بازیگر و کارگردان تلویزیونی را توانست به یکی از چهره‌های مشهور حوزه کتاب تبدیل کند. این جادوی رسانه تصویری است که توانست عصاره دل‌انگیز کتاب را برای بخش مهمی از مردم جذاب و شیرین کند. گزارش پیش‌رو درظاهر، درمورد یک شبکه رسانه‌ای مختص کتاب است، اما واقعیتش این است که درمورد شیوه‌ها و فرآیندهای ضروری تولید برنامه ویژه کتاب حرف زدیم.

۱۳ میلیارد برای چه تعداد بیننده؟

از بودجه ۵۰۰ میلیونی شروع کردند و حالا بودجه شبکه‌شان به ۱۳ میلیارد رسیده و ۲۲ کارمند دارند. این اطلاعاتی از تلویزیون اینترنتی کتاب است که حدود یک سال است به‌صورت رسمی در حوزه نشر و کتاب، فعالیتش را آغاز کرده است. این شبکه هشت ساعت پخش برنامه دارد و از بسترهای متفاوت اینترنتی برای انتشار محتوا استفاده می‌کند. البته به استناد گفته‌های مجید صحاف- که این شبکه تلویزیونی را راه‌اندازی کرده- ایده این رسانه تصویری به سال‌های اول دهه ۹۰ برمی‌گردد. او در گفت‌وگویی که با شهروند، گفته است: «آن زمان موسس و مدیرعامل موسسه رسانه‌ای «شیرازه» بودم که زیرنظر مجمع ناشران فعالیت داشت. البته در یکی از IPTV های کشور هم حدود شش سال کار کرده بودم و آنجا هم برنامه‌مان این بود که شبکه کتاب داشته باشیم. درواقع مقصودم این است که ما سر این موضوع از همان زمان کار مطالعاتی را شروع کرده بودیم و می‌دانستیم وقتی می‌گوییم «شبکه کتاب» از چه پدیده‌ای صحبت می‌کنیم. اما ایده اصلی شاید به نمایشگاه کتاب سی‌وسوم برمی‌گردد که مدیر روابط عمومی نمایشگاه بودم و به دلیل اینکه تلویبون بستر پرمخاطبی بود، پیشنهاد دادیم که شبکه «کتاب‌نما» را در این بستر راه‌اندازی کنیم. چندین ساعت هم درطول روز برنامه داشتیم. از طرف دیگر به دوستان وزارت ارشاد و مدیران خانه کتاب هم پیشنهاد دادیم طرح «شبکه کتاب» را جلوتر ببریم، چون معتقد بودیم در فضایی که کتاب رسانه‌ای ندارد و پیام‌رسان‌های مختلف هم محدودیت‌هایی دارند، حوزه کتاب دارد غریب و غریب‌تر می‌شود. درعین حال گفتیم برای زیرنظر گرفتن این طرح چه جایی بهتر از وزارت ارشاد که متولی حوزه کتاب است. به این ترتیب طراحی‌ها و امکان‌سنجی‌ها آغاز شد تا رسیدیم به هفته کتاب و شبکه را با عنوان Ketab.tv راه‌اندازی کردیم.»

چه اهدافی برای این تلویزیون اینترنتی نوشته شده است

تلویزیون اینترنتی کتاب کارش را به صورت رسمی از هفته کتاب سال گذشته شروع کرد تا بتواند به حوزه کتاب و همه حواشی آن بپردازد. حدود یک سال قبل، تفاهم‌نامه این شبکه با معاونت فضای مجازی سازمان صداوسیما و اخذ مجوز تاسیس و راه‌اندازی شبکه اختصاصی کتاب در بسترهای مجازی طرح‌ریزی و بسته شد. این شبکه تلویزیونی زیر نظر خانه کتاب و ادبیات ایران راه‌اندازی شده است و ماموریت‌های آن را ایجاد بستری برای ارتقای سطح آگاهی و معرفت عمومی، قرارگاهی برای هدایت فرهنگی جامعه در جهت زیستی خردمندانه، امیدآفرین و بانشاط در میان عموم مردم و در افقی متعالی، آماده‌سازی جامعه برای نیل به تمدن نوین اسلامی عنوان می‌کنند. بنا این بود تا با همراهی نخبگان، نویسندگان، ناشران، نهادها، موسسات و صنوف فعال در حوزه کتاب و نشر، با برنامه‌سازی در موضوعات این حوزه، بستری برای ترویج فرهنگ کتابخوانی، بیان چالش‌ها و مسائل حوزه کتاب و نشر و نیز حمایت از فعالان این عرصه، فراهم کنند. هدف‌شان را در چند بخش تنظیم کرده‌اند؛ ترغیب مخاطبان به کتابخوانی، معرفی کتاب‌های مفید و موردنیاز گروه‌های سنی مختلف، معرفی نویسندگان، مترجمان، تصویرگران، ویراستاران و ناشران کشور و تولید و پخش برنامه‌های کتاب‌محور با استفاده از قالب‌های رایج و جذاب رسانه‌ای.

ترویج کتاب با تلویزیون تخصصی

تمام کسانی که در حوزه کتاب فعالیت می‌کنند، با این نگاه که باید کتاب را ترویج کرد و کتابخوانی را در همه ابعادش گسترش داد، موافقند؛ برای همین است که در رسانه‌ها و مخصوصا رسانه‌هایی که تخصصی در حوزه کتاب فعالیت می‌کنند، بارها بر این تاکید شده است که ارائه تصویری فراگیر برای کتاب و کتابخوانی باعث می‌شود که زیرساخت مهمی برای همه حوزه‌ها و بخش‌های مختلف هنر شکل بگیرد. اما اینکه شبکه تخصصی برای آن در نظر گرفته شود، جای کمی تامل دارد. همه ما خاطره رادیو کتاب را در ذهن داریم، رادیویی که تخصصی در حوزه کتاب فعالیت می‌کرد، اما بعد از مدتی فعالیت با شبکه رادیویی فرهنگ ادغام شد و به کارش پایان داد؛ همان زمان رحمانیان مدیروقت رادیو فرهنگ در مورد علت تعطیلی این شبکه رادیویی در گفت‌وگویی با ایسنا گفته بود: «شبکه رادیویی کتاب با سه ساعت تولید در روز به راه افتاد. این شبکه بسیاری از برنامه‌های خود را که وام‌گرفته از شبکه‌های دیگر بود، بازپخش می‌کرد. یعنی در این هشت الی ۱۰ ساعتی که برنامه پخش می‌کرد، بسیاری از برنامه‌هایش بازپخش و وام‌گرفته از شبکه‌های دیگر بود. اما از زمانی که ادغام شده است، مباحثی که به موضوع کتاب می‌پردازد، متنوع‌تر است؛ به‌طور کلی رادیو فرهنگ روزانه حداقل شش ساعت به موضوع کتاب از نگاه‌های متفاوت اجتماعی، ادبی، هنری، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد.» همان زمان خیلی‌ها معتقد بودند برای اینکه کتاب دغدغه مردم شود، باید در همه شبکه‌های تلویزیونی کتاب دیده شود و نگاه تخصصی فقط در یک شبکه نباید به آن باشد، بلکه همه شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی باید کتاب را ببینند. حالا داستان همین شبکه کتاب است. در جست‌وجوهایی که انجام دادیم و با فعالان حوزه کتاب که در نشر بین‌الملل فعال هستند، صحبت کردیم، هیچ‌کدام از وجود شبکه تخصصی کتاب در کشورهای دیگر، خبر نداشتند. البته صحاف که این شبکه تلویزیونی را راه‌اندازی کرده، معتقد است که این شبکه کتابی فقط نمی‌خواهد در این محدوده تلویزیون اینترنتی باقی بماند و گفته است: «ما می‌خواستیم در تمام بسترها دیده شویم. ما ذیل Ketab.tv، در حال جمع‌آوری تمام تولیدات محتوایی مربوط به کتاب هستیم. در واقع هدف‌مان این است که به نوعی آپارات کتابی برسیم؛ طوری که جنبه UGC هم داشته باشد. یعنی این ظرفیت را ایجاد کنیم تا کاربران بتوانند محتوای تولیدی خودشان را بارگذاری کنند.» اما این ایده زمانی محقق خواهد شد که بعد از گذشت یک سال از فعالیت این شبکه شاهد تاثیرگذاری آن باشیم و بخش مهمی از مخاطبان این مجموعه رسانه‌ای با محتوای تولیدی آن درگیر شده باشند؛ موضوعی که همچنان محقق نشده است.

بیننده‌های دورقمی

این شبکه اینترنتی درحال حاضر از بسترهای شبکه‌های اجتماعی مثل شاد، سروش‌پلاس و سپهر استفاده می‌کند و ظاهرا بستر اصلی انتشار محتوای تصویری آن روی تلویبون است. با رصد تلویبون با توجه به اینکه از ابتدا به‌عنوان یار اصلی این شبکه معرفی شد، متوجه می‌شویم که اولا آرشیو کاملی روی تلویبون برای این شبکه تلویزیونی وجود ندارد، البته احتمالا این آرشیو نداشتن فقط به تلویزیون اینترنتی برنمی‌گردد و باید در این مورد اشکال را در تلویبون دید. بااین‌حال اگر به بخشی از برنامه‌های آرشیوشده این شبکه در تلویبون نگاه کنید متوجه تعداد محدود بیننده‌های این شبکه خواهید شد. اگر سی‌ویکمین دوره هفته کتاب را به‌عنوان زمانی که بهار کتاب می‌گوییم، درنظر بگیریم، با رصد برنامه‌های پخش‌شده در بستر تلویبون به این می‌رسیم که تعداد دانلودهای برنامه صفر است و بازدیدکننده‌ها بین پنج تا ۶۵ نفر نوسان دارند! و تعداد بیننده‌ها از دو رقم خارج نمی‌شود. این را مقایسه کنیم با برنامه‌های کتابی که قبل از این از تلویزیون پخش می‌شد و اصلا با برنامه شهرت‌یافته «کتاب‌باز» که از دوپینگ سرگرمی و چهره‌های مشهور بهره می‌برد، کاری نداریم اما برنامه‌های دیگری داشتیم که توانسته بودند بدون حضور سلبریتی‌ها برنامه کتابی را برای مخاطب جذاب کنند، به‌صورت مصداقی برنامه شابک که سال ۱۳۹۶ از شبکه سوم سیما پخش شد و هدفش پرداختن به موضوع کتاب و کتابخوانی بود، سعی می‌کرد دغدغه کتابخوانی را با مردم به اشتراک بگذارد. این جنس برنامه‌ها این توانایی را داشته‌اند که بین عموم مردم وجاهت پیدا کنند و نیاز کتابخوانی را در مردم شکل دهند. توقعی که از تلویزیون اینترنتی کتاب هم می‌رود، این است که بتواند به هدف اصلی که برای خودش تعریف کرده، یعنی ترویج کتابخوانی عمل کند و بازوی رسانه‌ای و تبلیغاتی مهمی برای ناشران و فعالان حوزه کتاب باشد. اصلا یکی از اهدافش همین است، اما نگاه مردم و اطلاع نداشتن از این شبکه تلویزیونی و برنامه‌هایش ما را به اینجا می‌رساند که بپرسیم کارکرد این رسانه بعد از یک‌سال چه چیزی است؟

وضعیت این رسانه در شبکه‌های اجتماعی هم خودش قابل‌تامل است، مثلا تعداد افراد مشترک این رسانه در شبکه اجتماعی سروش‌پلاس، ۱۴ عضو است و عملا فعالیتش در این بستر معنا و کارکردی ندارد. در شبکه اجتماعی بله حدود ۲۰ هزار مشترک دارد که بازدید هرکدام از محتواهای این کانال به‌صورت میانگین ۶۰۰ بازدید است. بستر اینترنتی شاد یکی از ظرفیت‌های مهم ارتباطی با دانش‌آموزان و مربیان مدارس است. کانال شبکه اینترنتی کتاب در شاد، حدود ۷۵ هزار نفر عضو دارد، محتوای این کانال در برنامه شاد بیشتر برگزاری مسابقه است که همزمان دانش‌آموزان را ترغیب می‌کنند که هم در شبکه کتاب و هم در برنامه‌ای که از هفته کتاب به‌صورت مستقیم از شبکه کودک برگزار می‌شود در این مسابقه‌های کتابخوانی شرکت کنند. به‌نظر می‌رسد این شبکه در برنامه شاد موفق بوده و بازدیدها بالایی داشته اما نتوانسته است کانال ارتباطی مهمی جهت رجوع به تلویزیون اینترنتی کتاب باشد.

فقط گفت‌وگو و دیگر هیچ!

با رصد سایت شبکه اینترنتی کتاب دسته‌بندی‌های برنامه‌ها را در این چند بخش می‌بینیم؛ اختصاصی شبکه کتاب، اخبار حوزه نشر، نقد و معرفی کتاب، جوایز و جشنواره‌های ملی، دوره‌های آموزشی، کتاب و نشر، رویدادها، نمایشگاه‌های فرهنگی و پخش زنده.

با مرور اهدافی که برای راه‌اندازی این شبکه تلویزیونی دارند، مخصوصا «تولید و پخش برنامه‌های کتاب‌محور با استفاده از قالب‌های رایج و جذاب رسانه‌ای» به این می‌رسیم که قالب‌هایی که برای برنامه‌های این شبکه درنظر گرفته شده، یک فرم محدود از اشکال مختلف رسانه‌ای است. اینکه مجری با یک نفر مدام در حال گفت‌وگو باشد و هشت ساعتی که برنامه‌های این شبکه در حال پخش است، یا کارگاه آموزشی باشد، یا اینکه گفت‌وگو و پخش زنده رویدادها، نتیجه‌ای در ضریب نفوذ بین مخاطبان ندارد!

علی اصغر عزتی‌پاک، نویسنده معتقد است که این شبکه تلویزیونی دردی را از حوزه کتابخوانی دوا نکرده است، چون اکثر محتوایش به پخش زنده و پوشش خبری برنامه‌های حوزه کتاب خلاصه می‌شود و در این باره گفته است: «به نظرم راه‌اندازی شبکه تلویزیونی اینترنتی کتاب، گرهی از مشکلات حوزه کتاب و صنعت نشر را برطرف نکرده و به ترویج کتاب‌خوانی منجر نمی‌شود. برنامه‌های نسخه آزمایشی این شبکه اینترنتی بیشتر پوشش خبری است و کمتر برنامه مهیج و جذابی در این حوزه داشته است. ضمن اینکه کسانی که پیگیر برنامه‌های معرفی و رونمایی کتابی هستند در زمان اجرای آن برنامه از طریق لایو اینستاگرام یا آپارات، برنامه را دنبال می‌کنند، پس با پخش زنده برنامه‌های رونمایی و نقد و بررسی کتاب، نمی‌توان یک شبکه تلویزیون اینترنتی راه انداخت.»

هدفی که روی کاغذ نوشته شده این است که برنامه‌های جذابی ساخته شود، اما انگار توان اجرایی آن وجود نداشته است و اگر یک سال گذشته را رصد کنید، نمی‌توانید برنامه‌ای از این شبکه را پیدا کنید که اسمش حتی بین فعالان حوزه کتاب مشهور شده باشد یا مخاطبی بخواهد آن را دنبال کند. اینها همه نشانگانی است از اینکه تلویزیون اینترنتی کتاب مسیری ناقص و اشتباهی را برای برنامه‌سازی انتخاب کرده است.

برای اینکه برنامه‌سازان این شبکه بتوانند بخش مهمی از ناشران و فعالان حوزه کتاب را با خود همراه کنند، بایستی فهم دقیقی از سلایق مختلف داشته باشند. در حوزه کتاب، ناشران و نویسندگان مختلفی داریم که در حال فعالیت هستند و مطمئنا فعالیت‌های خوبی را در این حوزه انجام می‌دهند، اما در برنامه‌های این شبکه تلویزیونی انگار ناشران گزینشی انتخاب می‌شوند! حتما همه نگاه‌ها و پرداختن به آنها می‌تواند کمک‌کننده باشد تا یک مجموعه درست‌تر در مسیری که برای خودش درنظر گرفته است، پیش برود.

شکست‌خورده، خنثی، غیرکاربردی!

شبکه کتاب و آن چیزی که باید باشد

محمدعلی یزدان‌یار
نویسنده

اولین برخورد من با تلویزیون اینترنتی کتاب به برگزاری نمایشگاه کتاب سال ۱۴۰۱ برمی‌گردد که به عنوان کارشناس نشر ستاد خبری نمایشگاه کتاب در برنامه‌های شبکه «کتابنما» حضور پیدا می‌کردم. از آن تاریخ خبر خاصی از چنین پدیده‌ای نداشتم تا امسال و طی هفته کتاب چندجایی نام تلویزیون اینترنتی کتاب به گوشم خورد. گویا نام این شبکه تغییرات کوچکی داشته؛ قسمت «نما» که گویا وسواس نام‌گذاری اهالی برنامه‌ساز است از اسم شبکه حذف شده است و به نام خیلی خیلی غیرخلاقانه «کتاب» بسنده کرده‌اند. برای من این ۹۰ کلمه تنها صحبت‌هایی بود که می‌توانستم به شکل خنثی درمورد چنین شبکه‌ای داشته باشم. تلویزیون اینترنتی کتاب حتی قبل از راه‌اندازی هم ایده شکست‌خورده‌ای است، چه برسد به حالا که فعال هم هست. رسانه قواعدی دارد و رسانه تصویری قواعد سنگین و سخت‌تری که ماشاءالله هیچ‌کدام از این قواعد در راه‌اندازی این شبکه حتی به قدر سر سوزنی رعایت نشده‌اند. همین الان که در حال نگارش این مطلب هستم- حوالی ساعت ۱۱:۳۰ صبح روز دوشنبه- این شبکه در حال پخش یک مراسم کتاب سال دانشجویی است که من فکر نمی‌کنم آدم سال ۱۴۰۲ دو سه ساعت وقت بگذارد و بنشیند پای یک مراسم این شکلی!

افتتاح هر شبکه تلویزیونی -اینترنتی یا کابلی، منطقه‌ای یا سراسری- به یک نیازسنجی، برنامه‌ریزی، تولید با کیفیت و برد اجتماعی مناسب نیاز دارد. حالا کدام یک از این موارد در «تلویزیون اینترنتی کتاب» رعایت شده است؟ آیا ما اصلا نیاز به یک شبکه داریم که چندین ساعت در روز در مورد کتاب برنامه داشته باشد؟ آیا چنین شبکه‌ای اساسا عقلانی است و مشابه‌هایی در دنیا داشته است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد اگر Book Television کانادا را که بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ و به عنوان شبکه تخصصی کتاب در کانادا فعال بود مستثنی کنیم، دیگر هیچ تجربه مشابهی در این زمینه پیدا نخواهیم کرد. به صورت کلی کتاب‌ها یا بخشی از یک برنامه تلویزیونی در یک شبکه هستند و یا در بهترین حالت یک برنامه تلویزیونی در شبکه‌ها به بحث در مورد کتاب اختصاص می‌یابد.

نگاه پشت افتتاح این شبکه هم مهم است، گرچه گفته می‌شود که «ارتقای فرهنگ کتابخوانی و اطلاع‌رسانی در مورد کتاب» از اهداف افتتاح این شبکه است اما ناگفته پیداست که راه‌اندازی تلویزیون اینترنتی کتاب قبل و بیش از هر چیزی با هدف رزومه‌سازی و سنگین کردن پرونده اعمال صالح افتتاح شده است. فردا روزی اگر از مدیران سازمان صداوسیما، تلوبیون یا خانه کتاب بپرسند برای ارتقای فرهنگ کتابخوانی چه کردید، به راحتی می‌گویند «افتتاح تلویزیون اینترنتی کتاب» بدون اینکه در مورد خنثی و غیرکاربردی بودن چنین شبکه‌ای ذره‌ای خم به ابروی خود بیاورند.» مساله مهم‌تر، به عبارت دیگر یکی از دو مساله خیلی مهم در چنین شبکه‌ای- و در هر شبکه‌ای- تولید برنامه‌ها و محتوای باکیفیت است. این همان مقوله‌ای است که VOD ها را سرپا نگه می‌دارد و تلویزیون اینترنتی کتاب هم طبیعتا باید از همین قاعده پیروی کند. طی دفعاتی که من به شکل تصادفی به این شبکه سر زدم جز چندی سمینار و همایش و گاهی برنامه‌های میزگرد شاهد هیچ محتوای خاصی نبودم. همه چیز در بی‌مزه‌ترین و خنثی‌ترین حالت ممکن به سر می‌برد. نه میهمان و نه میزبان برای هم هیچ چالشی ایجاد نمی‌کنند و هیچ اتفاق خاصی در این شبکه نمی‌افتد که آدم به خودش نگوید کل محتوای این شبکه را می‌شود در کنداکتور پخش شبکه ۴ جای داد. برنامه‌های تولیدی هم اگر در این شبکه وجود داشته باشند، صرفا هستند که بعدا گفته شود درصدی از برنامه‌های این شبکه تولیدی بوده‌اند. اصلا چند سالی می‌شود که جذابیت دیگر برای مسئولان صداوسیمای ما حتی در حد استانداردهای خودشان هم دغدغه و مساله نیست؛ حالا کتاب که کلا برای آقایان مساله‌ای دکوری محسوب می‌شود دیگر جذابیتش کجا بود اصلا؟ بگذارید در مورد برد اجتماعی و رسانه‌ای چنین شبکه‌ای هم همین جا صحبت کنیم. شما این چند وقت بریده‌ای از برنامه‌های این شبکه را در شبکه‌های اجتماعی دیده‌اید؟ بین دوستان و آشنایان‌تان دیده‌اید که کسی از تلویزیون اینترنتی کتاب صحبت کند؟ اصلا برایتان پیش آمده در مترو و تاکسی و اتوبوس کسی از برنامه‌ای که در این شبکه دیده است صحبت کند؟ و بگذارید پا را فراتر بگذارم؛ اصلا چند نفر به طور کلی می‌دانند که چنین شبکه‌ای وجود دارد؟ پس، اینجا ما شبکه‌ای داریم که از دو اصل مهم لازم برای موفقیت خودش هیچ‌کدام را در حد حداقل‌ها هم کسب نکرده است.

صداوسیما و سیاست‌گذاران رسانه طی سال‌های اخیر با دلیل و بی‌دلیل تمام برنامه‌های موفق خودشان را سلاخی کرده‌اند. ۹۰، بزرگ‌ترین قربانی سیاست‌های صداوسیما بود؛ بعدها برنامه‌های دیگری هم از زیر تیغ سلایق مسئولان سازمان گذشتند که آخرین آنها برنامه موفق «به افق فلسطین» بود. مهم‌ترین و موفق‌ترین برنامه کتاب‌محور این سال‌های ما «کتاب‌باز» بود که بدون توضیح و بدون وجود کوچکترین حاشیه‌ای به تعطیلی کشانده شد. حالا و تجربه یک ساله مشترک بین صداوسیما، خانه کتاب و تلوبیون بیش از پیش موید این نکته است که ارتقای فرهنگ کوچک‌ترین ارتباطی با افتتاح شبکه‌های خنثی، بی‌کاربرد و متعدد ندارد. هنوز که هنوز است «کتاب‌باز» تنها برنامه‌ای بوده که مردم را پای گیرنده‌ها بیاورد؛ بنابراین موفقیت یک برنامه در حوزه تخصصی هیچ نیازی به یک شبکه ندارد که بعدا گردانندگانش برای پر کردن کنداکتور پخش به چه کنم چه کنم بیفتند. یک برنامه درست و حسابی جذاب، ده‌ها برابر چنین شبکه‌ای در ارتقای فرهنگ کتابخوانی تاثیر دارند. مخالفید؟ از سروش صحت بپرسید!

ادامه در صفحه ۱۳

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

چند کلمه درباره یک شبکه تلویزیونی برای کتاب

هزار راه نرفته

حمید نورشمسی
ناشر و کتابفروش

در یکی از همین روزهای هفته کتاب جاری در خلال پرسه زدن‌های روزانه در فضای مجازی برای دیدن آنچه بر بستر آن در حال اتفاق است با پستی روبه‌رو شدم از یک فوتوبلاگر ایرانی که داشت برای فعالیت در یوتیوب به مخاطبانش اطلاعات می‌داد و درنهایت گفت: «هر شبکه اجتماعی، زمان استفاده خاص خودش را دارد و الان دوره یوتیوب است. عقب نمانید!» راستش به این جمله خیلی فکر کردم. نه به اینکه دوره چیست و آیا واقعا دوره این وب‌سایت است یا اینکه دوره‌اش مدت‌هاست شروع شده یا اینکه گذشته. بیشتر خود عبارت دوره برایم جالب بود. الغرض اینکه تجربه من لااقل، نشان‌داده که دوره کتابخوانی تفننی در ایران سپری شده است. دیگر کمتر می‌شود کسی را پیدا کرد که از سر دلتنگی یا برای پر کردن اوقات فراغت کتاب بخواند. منظورم این نیست که کتابخوان کم شده است. نه اتفاقا. کم که نه شاید در برخی زمینه‌ها بیشتر هم شده باشد اما آنچه زیاد شده است، کتابخوانانی کاربردی است. یعنی خواندن برای رفع یک نیاز ملموس که این روزها بیشتر اجتماعی با کارکرد آموزش فردی و مدیریت فردی و توسعه و شناخت توانایی روانی است. مخاطب امروز کتاب از خوانش آن دنبال یک نتیجه ملموس است. چیزی که بتواند حسش کند. فی‌المثل باعث ارتقای توان کاریش شود یا در برقراری ارتباط کاری و فردی به او چیزی مشخص نشان دهد، نیازی عاطفی از او برآورده کند یا توانایی خاصی را در او مکشوف کند.

همه اینها که نوشتم از نگاه منی که کار رسانه را هم به صورت آکادمیک و عملی تجربه کردم، یعنی تبلیغ و معرفی و هر نوع حرف زدن درباره کتاب نیز اگر قرار است منجر به نتیجه برای مخاطب شود باید با درک همین مساله باشد. حالا همه اینها را گفتم که برسیم به چه؟ به رویکردهای ما در مواجهه با کتاب. مدتی است که با صرف بودجه‌ای از نهاد عمومی و تقریبا دولتی خانه کتاب و ادبیات امکانی با عنوان تلویزیون اینترنتی کتاب برای مخاطبان این حوزه برپا شده است. یک شبکه تصویری بر بستر وب با امکان پخش زنده برنامه در بستر یکی از قدیمی‌ترین و مشهورترین سکوهای نمایش ویدئویی در کشور که در آن انحصاری درباره کتاب تولید محتوا می‌شود. نمی‌دانم شمای خواننده این سطور اسم این شبکه را شنیده‌اید یا خیر اما می‌توانم حدس بزنم جمع زیادی از اهالی کتاب مانند خود من با این اتفاق آشنایی ندارند. چرا؟ پاسخش به زعم من در همان بخش اول این یادداشت داده شده. اگر قبول داریم که امروز دوره رسانه‌های تازه و تجربه‌های تازه در برقراری ارتباط و انتقال پیام است باید قبول کنیم که اطلاع‌رسانی درباره این رویداد نیز نیاز به بسترهای نوینی دارد. فی‌المثل در همین ایام هفته کتاب چقدر تلاش شد تا این امکان تازه و آنچه در آن رخ می‌دهد برای مخاطب معرفی شود؟ پاسخش را خودتان بدهید.

نکته دیگر در سبک تولید محتوا نهفته است. تمامی کسانی که حتی مخاطب و نه تولیدکننده جدی محتوا در فضای مجازی باشند، می‌دانند ظرافت‌های پنهان و آشکار کلی و جزئی درباره این موضوع وجود دارد که می‌تواند مخاطبان یک محتوا در فضای مجازی را رشد داده یا از رونق بیندازد. از ساعت انتشار محتوا تا چگونگی خندیدن یا گریستن یا مواجهه با دوربین برای تولید محتوا. نمی‌شود به مخاطب امروز توییتر باز گفت که فلان مقاله چندهزار کلمه‌ای را در آن روزنامه قدیمی که هنوز با قطع ۴۵ سال قبل منتشر می‌شود را بخوان. پس در مواجهه اینترنتی و تصویری با کتاب هم نمی‌شود به روش‌های کلاسیک تولید محتوا کرد و انتظار نتیجه داشت. نکته دیگر درباره نحوه مواجهه با موضوع و محتواست. تجربه این سال‌ها در امر کتاب نشان داده که محتوای تاثیرگذار از زبان و کانال چهره‌های تاثیرگذار یا افرادی که قابلیت تاثیرگذاری داشته باشند، بر جان مخاطب می‌نشیند و منشأ اتفاقات مثبت می‌شود. با این وصف، بی‌تفاوتی به تجربه‌های موفق تولید محتوا در تلویزیون و سکوهای فضای مجازی و راه رفتن تنها و تنها به شکلی که خود می‌پسندیم، درنهایت به مقصد مطلوب ما را نمی‌رساند.

داشتن یک شبکه به اصطلاح تلویزیونی برای کتاب فی‌نفسه اتفاق مبارکی است. رویدادی پرطمطراق که رسانه‌ای است برای نمایش میزان اعتنای ما به حوزه فرهنگ و به خصوص کتاب و کتابخوانی اما این رویداد اگر نخواهد و نتواند خود را در کانال صحیحی هدایت کند که اقتضائات این دست برنامه‌سازی و تولید محتوا را دربر دارد، درنهایت راه به بی‌راهه خواهد برد و تبدیل به یک موجود کم‌خاصیت یا بی‌خاصیت در ساحت رسانه و سرابی در میان صدها و شاید هزارها محتوای بصری، صوتی و ترکیبی خواهد شد که هر روز در بستر فضای مجازی و با موضوعات مختلف منتشر می‌شود.

درباره شبکه تلویزیونی کتاب

برای مخاطب تلاش کنیم

مصطفی وثوق‌کیا
خبرنگار

۱ تلویزیون اینترنتی کتاب شاید در دوران کنونی که فضای مجازی همه چیز را قبضه کرده است چیز عجیبی نباشد، ولی عجیب است. چرا؟ چون در دورانی هستیم که کتاب با شمارگانی ناچیز منتشر می‌شود؛ و با قیمتی بالا به مخاطب عرضه می‌شود. شاید بگویید این دو مقوله به هم ربطی ندارد. اما من می‌گویم مقوله ترویج کتاب این روزها کاملا به مساله اقتصادی کتاب گره خورده است و بدون حل آن شاید کار ما کمی سخت باشد و البته کار عوامل تلویزیون اینترنتی کتاب که در این فضا می‌خواهند از کتاب بگویند و آن را ترویج کنند. بالاخره مخاطبی که از پای این برنامه می‌خواهد برود کتابفروشی کتابی بخرد آخر کار به جیبش نگاه می‌کند. پس ربط دارد.

۲ چند سال قبل صداوسیما و بخش صدایش یک رادیو داشت به اسم رادیو کتاب که مدیران آن زمان این رادیو را جزء دستاوردهای خود محسوب می‌کردند. از قضا نویسنده این کلمات هم برنامه‌ای در آن داشت و آخر شب با اهالی نشر گپ و گفتی می‌کرد. چند باری نیز پیگیر شدم که اصلا این برنامه که ما اجرا می‌کنیم شنونده دارد و هر بار به طریقی جواب نگرفتم. القصه در دوران کوتاه ریاست آقای سرافراز بر صداوسیما این رادیو به دلیل کم بودن مخاطب با رادیو فرهنگ ادغام شد و خلاص. حالا در مدل مدیریتی برنامه چه اتفاقاتی رخ داد، من خبر ندارم اما خوب می‌دانم که رادیو به دلایلی همچنان مخاطب خود را دارد و وقتی شبکه‌ای به دلیل کمبود مخاطب تعطیل شود یعنی واقعا فاجعه بوده است؛ هرچند بعدها هم ندیدم آمار برنامه‌های رادیو فرهنگ اعلام شود تا میزان مخاطب را بسنجیم.

۳ من موافق هرگونه راه و روش برای ترویج کتاب هستم. چه مجازی چه حضوری چه تبلیغی و... چراکه هر کدام از این روش‌ها می‌تواند درصدی بر مخاطبان کتاب بیفزاید. پس اینکه فکر کنیم اگر فلان راه را رفتیم دیگر سراغ باقی راه‌ها نرویم این خطاست. پس با این حساب باید بگویم که خشنودم از اینکه کتاب برای خودش شبکه‌ای دارد و رویدادهای مختلف آن تحت پوشش است. با این دست‌فرمان اما اینجا وقتی اسم شبکه کتاب روی چیزی می‌گذاریم باید حد و اندازه‌اش را هم رعایت کنیم. نباید آن را کوچک بشماریم و بی‌ارزشش کنیم. باید مخاطبش را افزایش دهیم و راه آن هم استفاده از فکر و جذابیت است. باید کتاب را جذاب معرفی کنیم تا مخاطب بیاید پای برنامه ما و مشتری‌اش شود. تا جایی‌که می‌دانم این شبکه علاوه بر تلویبون در چند بستر دیگر هم پخش می‌شود. سایت اختصاصی هم دارد. به آمار سایر بخش‌ها که دسترسی نداریم اما آمارهای تلویبون نشان می‌دهد وضع مخاطبان این شبکه در آن بستر تعریفی ندارد که با توجه به فراگیری آن کمی محل تامل است.

اینها که گفتم دلیل نمی‌شود تلاش‌های انجام‌شده ناچیز شمرده شود بلکه برای آن گفتم که در دورانی با همین استنادات کرکره برنامه خاصی پایین کشیده شد و خب قرار نیست دوباره از یک سوراخ گزیده شویم.

به بهانه بازگشت پیکر محمدعلی اسلامی ندوشن به ایران

در آغوش مادر بلاکشیده‌اش آرام گرفت

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

«هرگز آرزو نکرده‌ام که از کشور دیگری جز ایران می‌بودم و خوشبختی بزرگی برای خود می‌دانستم که زبانم فارسی است، بر هیچ مقام و موقعیتی حسرت نخورده‌ام، هیچ میزی بلندتر از آن میزی که در خانه‌ام پشت آن می‌نشینم، نشناخته‌ام.»

فهرست بلند و بالای مکتوبات استاد محمدعلی ندوشن را که بررسی کنیم، غیر از کاوش‌های ادبی و تاریخی در موضوعات مختلف، به یک منظومه فکری منسجم هم بر خواهیم خورد که شخص نویسنده را چند قدم از نوشته‌هایش جلوتر می‌آورد و پیش چشم خواننده می‌گذارد. اجزای این منظومه فکری مثل قطعات یک جورچین کنار هم می‌نشینند و تصویری از انسانی ویژه را پیش نظر خواننده می‌آورند که فراتر از داده‌های علمی درون متون، خود نویسنده را برای خواننده‌اش کنجکاوی‌برانگیز می‌کند و می‌برد تا آنجا که از خود می‌پرسد او کیست؟ اینکه پاسخ بدهیم او محمدعلی اسلامی‌ندوشن، متولد فلان سال و فلان محل است و در کجا و کجا تحصیل و تدریس و تالیف کرده، به درد اداره ثبت احوال یا تنظیم‌کنندگان دایره‌المعارف می‌خورد. اما سوالی که از خواندن متون محمدعلی اسلامی‌ندوشن برخاسته، جواب دقیق‌تر و عمیق‌تری می‌طلبد. او کیست به جز فرزند ایران. عباراتی از این دست، مثل فرزند ایران، به سبب اینکه زیاد دستمایه شعارها و خطابه‌ها قرار گرفته‌اند شاید شکل کلیشه پیدا کرده باشند اما وقتی در منظومه فکری و مجموعه رفتارهای کسی مثل اسلامی‌ندوشن غور و خوض می‌کنیم، معنای دقیق و عمیق و غیرکلیشه‌ای این عبارت خودش را نمایان می‌کند. فرزند ایران بودن یعنی یک چنین چیزی؛ محمدعلی اسلامی‌ندوشن. به عبارت دقیق‌تر، او نسخه‌ای از کلامیده شدن یک ذهن ایرانی است. خودش می‌گوید: «دنیای من این شد که هرچه در زندگی من قرار می‌گیرد، آن را به کلام بازگردانم و پیوند دهم. بنابراین می‌توانم گفت که هیچ چیز را به تنهایی دریافت نمی‌کنم، هر چیزی خود آن است به اضافه کلام؛ یعنی عشق به اضافه کلام، سیر و سیاحت به اضافه کلام، کوهنوردی به اضافه کلام، برخورداری هنری به اضافه کلام و... من دیگر دریافت خالص از دنیای خارج ندارم. هرچه را می‌یابم و می‌بینم، از راهرو کلام می‌گذرانم تا به درون خود وارد کنم و هرچه را به عالم کلمه آورده‌ام، واقعیت دومی یافته است و این واقعیت دوم است که شریک زندگی من بوده و از آن رویش گرفته‌ام.»

همان‌طور که اسلامی‌ندوشن می‌گوید «برای من کلام ادبی رابط با دنیای خارج است و می‌توان گفت که بی‌آن، معنی و جهت زندگی را از دست می‌دهم»، ارتباط با او یا به عبارتی ارتباط با ذهن فرزند ایران هم از طریق کلام و ادبیات امکان‌پذیر است. ندوشن اضافه می‌کند: «به همین علت است که جز در میان فارسی‌زبانان و ایران هیچ جا امکان زندگی برایم نیست.» چیزی که ندوشن در ادامه این کلام می‌آورد چقدر به دوران ما مربوط است: «از اینکه ایرانی به صورت یکی از دو جبهه اروپایی (شرقی یا غربی خالص) به راه برده شود، به نظرم وحشت‌آور می‌نماید و از این دو وحشت‌آورتر، آن است که نیمه بد ایرانی با نیمه بد فرنگی جمع شود.» در زمانه‌ای که خیلی‌ها دلسوزانه فغان می‌کنند و می‌گویند چند دانشگاه معتبر کشور با پول بیت‌المال در حال تربیت کسانی هستند که افق اعلای خودشان را مهاجرت می‌بینند، کسی که در فرنگ درس خوانده و به ایران برگشته و به لحاظ کسوت علمی اجل از همه این خرده‌محصل‌های فرنگ‌دوست است، نه اینکه چیزی خلاف‌آمد روزگار باشد، بلکه نمایان‌کننده روح حقیقی فرزندان ایران است. این ایرانی بودن به معنای بستن در ذهنیت روی تمام افق‌های دیگر نیست. «هم مادی‌اندیش هستم و هم معنی‌گرا؛ هم مقداری از دکارت را قبول دارم و هم مقداری از شیخ اشراق را؛ هم چیزهایی از مارکس را می‌پذیرم و هم اجزایی از عرفان مولانا جلال‌الدین را؛ هم قدری آرمانگرا (ایده‌آلیست هستم) و هم قدری واقع‌پسند (رئالیست)؛ هم به قدرت و حقانیت علم معتقدم و هم بیم از این دارم که علم سرنوشت بشر را به تنهایی در دست گیرد.» در تفکر اسلامی‌ندوشن، هم عدالت‌خواهی را می‌توان یافت و هم طلب آزادی را. او حتی در مورد دموکراسی هم نظری داده که از یکسو مرزبندی‌اش با امپریالیسم را نشان می‌دهد و از سوی دیگر تفاوت او با ایران‌گرایانی را نمایان می‌کند که قله ایرانی بودن را در دوران سلطه مرکزی ایران بر سایر ملل می‌دیدند. کسانی که این‌طور به تاریخ نگاه می‌کنند طبیعتا این منطق که «برتری با سلطه‌گر است» را پذیرفته‌اند و از همین‌روست که به‌رغم ادعاهای پرطمطراق ایران‌گرایانه، طوری عاشق غربند که گاهی می‌شود گفت عاشق ارباب‌های سفید هستند. اسلامی‌ندوشن می‌گوید: «جامعه دموکراتیک آن نیست که تنها خیر و صلاح خود را در نظر بگیرد و همه چیز را بر خویش بخواهد، مثلا اموال دیگران را بگیرد و عادلانه بین مردم خود تقسیم کند. اگر دموکراسی این است، پس بسیاری از کشورگشایان قدیم حتی مغولان را باید پیشوایان دموکراسی شمرد! زیرا به هر جا یورش می‌بردند، ثروت آنجا و غنائم جنگ را بین لشکریان خود تقسیم می‌کردند. سرنوشت دموکراسی در کشورهای مشرق‌زمین به دست روشن‌بینان و باخبران هر کشور است.

اگر در مملکتی تعداد این گروه به حد نصاب رسید و از قابلیت و ایمان بهره‌مند بودند، آن‌گاه می‌توان به آینده دموکراسی در آن مملکت امید بست. اینان باید چون آیینه‌ای باشند که وجدان ملی مردم خود را در خویش پرتوافکن سازند.» محمدعلی اسلامی‌ندوشن آذر ماه سال ۱۳۹۴ حین اظهارنظری راجع‌به مکتبی هنری به نام «دارکولییسم» که در سال ۲۰۱۵ شخصی به نام محمدرضا نظری دارکولی آن را پدید آورده بود گفت: «ایران امروز بیشتر از هرچیزی احتیاج به اخلاق دارد تا بنیاد یک جامعه مترقی و در عین حال سالم را بتواند بریزد و قبل از هرچیز وجدان کار و اخلاقیات مورد نیاز آن است که امیدوارم از حرف و آرزو به عمل درآید. مهرورزی مستلزم یک جامعه آگاه و آرام است. شوربختانه دنیای جدید همه چیز را از چشم یک نوع تحول اقتصادی-اجتماعی می‌بیند و تحول اخلاقی کمتر مورد نظرش است. مردم باید با هم و در کنار هم زندگی کنند و این علاوه‌بر یک اجتماع سالم، نوعی وجدان عمومی و اخلاقیات هم لازم دارد که افراد درواقع با هم رایگان باشند، با محبت به همدیگر نگاه کنند. تنها ادب ظاهری کافی نیست برای این موضوع، بلکه یک نوع همدلی و همفکری درونی هم لازم است.» اسلامی‌ندوشن سالی یک‌بار برای ملاقات با فرزندانش به کانادا می‌رفت اما در آخرین سفر، طبیبش امر کرد که به علت کهولت سن و خطرات ابتلا به کرونا در همان جا بماند. عاقبت در پنجم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، فرزند ایران هزاران فرسنگ دورتر از خاک ایران درگذشت. این مرگ در غربت می‌توانست تفسیری نمادین برخلاف لقبی که به محمدعلی داده شده بود، داشته باشد. او چگونه فرزند ایران است، حال آنکه دست روزگار جانش را در غربت می‌گیرد؟ این اما اتفاقا چیزی بود که باعث شد شخصیت چنین چهره‌ای بهتر رخ بنماید. پیکر محمدعلی اسلامی‌ندوشن به امانت در کانادا دفن شد و بعد از یک سال و چند ماه به ایران برگشت تا هم در تهران و ندوشن تشییع شود، هم نهایتا به نیشابور برود؛ جایی که از آن به‌عنوان بلاکشیده‌ترین شهر نام برده بود و در کنار عطار نیشابوری به خاکش بسپارند. محمدعلی اسلامی‌ندوشن حتی وقتی مرده بود به هر زحمتی شده جنازه‌اش را به ایران رساند تا در اینجا بیارامد. اتفاقا مرگ در غربت انگار فرصتی بود تا فرزند ایران بتواند نشان بدهد حتی اگر دورتر از دورترین کوه‌ها و دریاها، در جایی خارج از دامان مادرش بمیرد، هر طور شده باز می‌گردد تا در آغوش او آرام بگیرد.

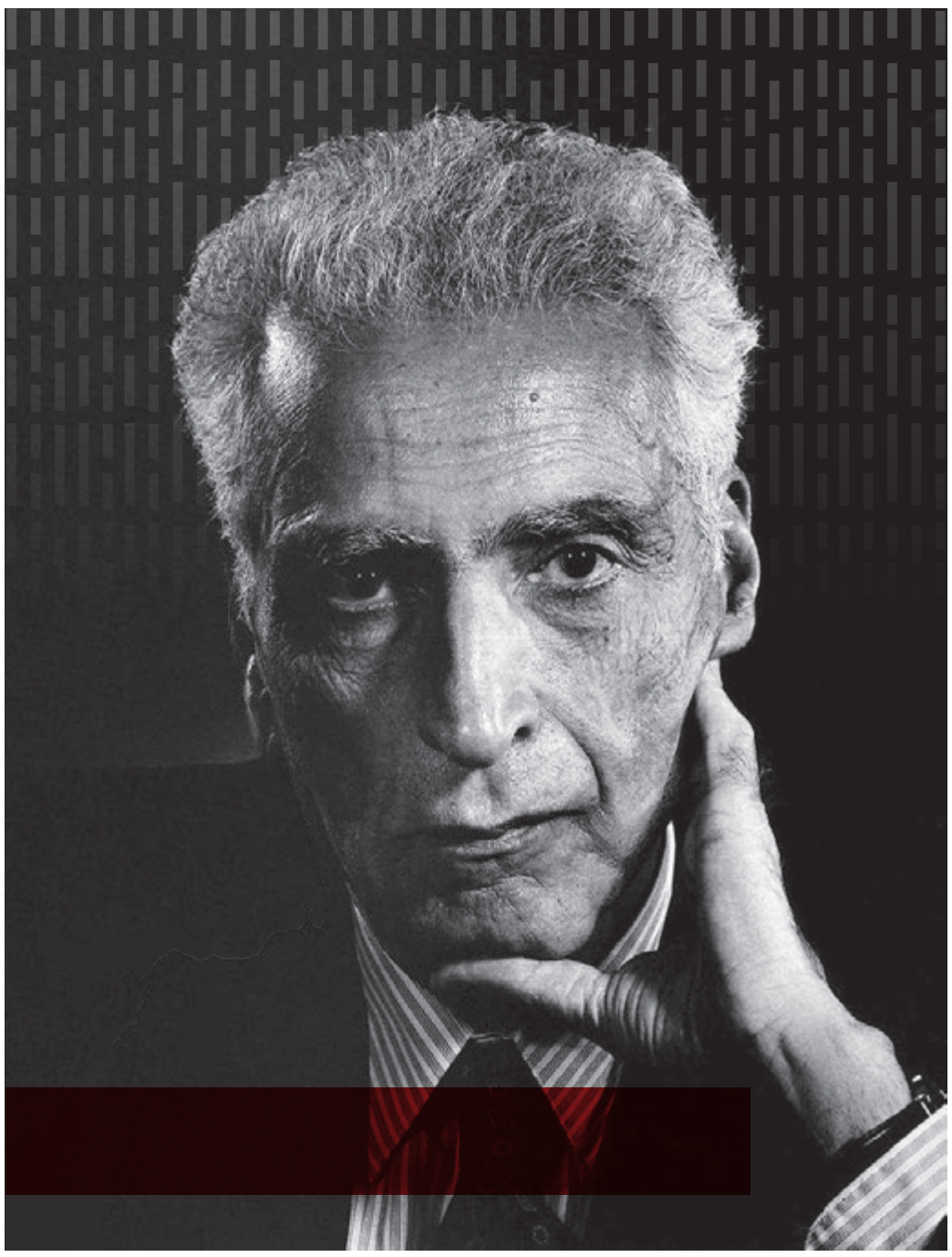

ادامه از صفحه ۱۲

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

برای درک آنچه در غزه پیش‌روی اسرائیل است، کافی است به نبرد سال ۱۹۸۲ لبنان بنگرید

روح لبنان

سجاد عطازاده
مترجم

سارا ایی پارکینسون، استاد علوم سیاسی در دانشگاه جانز هاپکینز ایالات‌متحده، در مقاله‌ای با عنوان «روح لبنان، برای درک آنچه در غزه پیش‌روی اسرائیل است، کافی است به نبرد سال ۱۹۸۲ لبنان بنگرید» که در وب‌سایت فارن افرز منتشر شده، به طرح این گزاره پرداخته است که رخدادهای جاری در غزه مشابه تهاجم سال ۱۹۸۲ رژیم صهیونیستی به لبنان است و همان‌طور که تهاجم مذکور نتوانست اسرائیل را به اهداف خود برساند و زمینه را برای ظهور حزب‌الله و بیرون راندن اسرائیل از خاک لبنان در سال ۲۰۰۰ فراهم آورد، نبرد غزه نیز می‌تواند سبب ایجاد نسل جدیدی از مبارزان فلسطینی شود. اکنون مردم این مکان را «مخیم الشهداء» می‌نامند؛ قرارگاه شهدا. این شهرک پناهجویان که در میان تپه‌های زیبا و باغ‌های مرکبات در نزدیکی مرز اسرائیل قرار دارد، پیش‌تر محل استقرار دستگاه‌های ارائه خدمات اجتماعی و سیاسی و سربازگیری گسترده‌ای بود که توسط سازمان‌های فلسطینی راه‌اندازی شده بودند. بنابراین هنگامی که تهاجم آغاز شد، این اردوگاه در فهرست اهداف اسرائیل قرار داشت. ابتدا، شبه‌نظامیان تحت حمایت اسرائیل آن را محاصره کردند و غیرنظامیان را در داخل آن به دام انداختند. سپس دوجین تانک‌های نیروهای [موسوم به] دفاعی اسرائیل وارد شهرک شدند. به گفته شاهدان، این تانک‌ها برای تخریب راه‌های فرار و نفوذ به پناهگاه‌های زیرزمینی، به راه‌پله‌های ساختمان‌ها شلیک می‌کردند، یعنی جایی که معمولا ضعیف‌ترین بخش ساختار یک بنا به‌شمار می‌رود. این گلوله‌باران با بمباران شدید هوایی دنبال شد. یکی از بمب‌ها به یک مرکز تجمع اصابت کرد و از ۹۶ غیرنظامی که در آنجا پناه گرفته بودند، تنها دو نفر جان سالم به در بردند. شبه‌نظامیان فلسطینی حاضر در این اردوگاه سه‌روزونیم مقاومت کردند اما درنهایت ارتش اسرائیل از فسفر سفید برای غلبه بر آنها استفاده کرد. نجات‌یافته‌ها می‌گویند که دنباله‌های ابری باقی‌مانده از این ماده شیمیایی در هوا و همچنین سوختگی‌های سیاه و دهانه مانندی را که روی پوست افراد بر جای می‌گذاشت هنوز به‌خاطر دارند. به گفته رهبران این شهرک، در این نبرد تقریبا ۲۶۰۰ نفر از ۱۶۰۰۰ ساکن اردوگاه کشته شدند.

این حمله می‌توانست صحنه‌ای از جنگ کنونی اسرائیل در غزه باشد؛ جایی که ارتش اسرائیل از تانک، حملات هوایی و (به گفته گروه‌های حقوق بشری) فسفر سفید در حملات خود علیه شهرهای فلسطینی و اردوگاه‌های آوارگان استفاده کرده است. اما این نبرد درواقع در جریان درگیری رخ داد که ۴۱ سال پیش اتفاق افتاد. حمله به برج الشمالی، نام رسمی اردوگاه شهدا، یکی از اولین نبردهای شهری در طول تهاجم اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ بود. جنگ پس از آن آغاز شد که یک گروه فلسطینی حاشیه‌ای تلاش کرد تا سفیر اسرائیل در بریتانیا را ترور کند. هدف فوری تهاجم تل‌آویو، ریشه کن کردن سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف)، گروه‌های چریکی وابسته به آن (ازجمله فتح و جبهه مردمی برای آزادی فلسطین) و دیگر گروه‌های مبارز فلسطینی بود. اما مقامات اسرائیلی جاه‌طلبی‌های دیگری نیز داشتند. آنها با هدف قرار دادن زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی فلسطینی در جنوب لبنان، امیدوار بودند که یک منطقه حائل در امتداد مرز اسرائیل و لبنان ایجاد کنند، به حضور سوریه در لبنان پایان دهند و یک دولت مسیحی دوست و دست‌راستی را در بیروت بر سر کار آورند. شباهت‌های بین تهاجم اسرائیل به لبنان و عملیات کنونی آن در غزه فراتر از این انتخاب‌های تاکتیکی است. در آن زمان نیز مانند اکنون، تهاجم اسرائیل پس از یک حمله تکان‌دهنده از سوی فلسطینی‌ها آغاز شد. در آن زمان نیز رهبران جنگ‌طلب اسرائیل یک واکنش حداکثری را انتخاب کردند. در آن زمان نیز بیشتر نبردها در مناطق شهری پرجمعیت و با ستیزه‌جویانی که اغلب در میان غیرنظامیان پراکنده شده بودند رخ داد و نهایتا اینکه ارتش اسرائیل در آن زمان نیز مانند اکنون دست به پاسخ نامتناسبی زد. این توازی دل‌چسب نیست. اگر اتفاقات لبنان را الگوی خود قرار دهیم، جنگ اسرائیل در غزه برای فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها پایان بدی خواهد داشت. با وجود برتری نظامی، اسرائیل هرگز موفق به ریشه‌کن کردن سازمان آزادی‌بخش فلسطین نشد. دستاوردهای اصلی ارتش اسرائیل در این عملیات کشتن ده‌ها هزار غیرنظامی، تکه‌تکه کردن گروه‌های فلسطینی به سلول‌های کوچک‌تر (گروه‌هایی که سال‌ها دست به عملیات‌های شلیک و فرار می‌زدند) الهام‌بخشی برای ظهور یک حزب جدید مبارز لبنانی به نام حزب‌الله و از دست دادن بیش از هزار شهروند اسرائیلی تا زمان اشغال لبنان در سال ۲۰۰۰ بود. این الگویی است که درحال‌حاضر دوباره درحال انجام است. از ۱۲ نوامبر، زمانی که حمله ارتش اسرائیل ارتباط با بسیاری از بیمارستان‌های غزه را قطع کرد، حداقل ۱۱ هزار غیرنظامی فلسطینی به‌دلیل جنگ جان خود را از دست داده‌اند، این رقم همچنان افزایش خواهد یافت. حمله حماس در ۷ اکتبر باعث قتل‌عام حدود ۱۲۰۰ اسرائیلی شد که اکثر آنها غیرنظامی بودند؛ به‌علاوه حماس مدعی شده است که برخی از ۲۴۰ گروگان اسرائیلی که در جریان تهاجم به گروگان گرفته شده بودند در بمباران ارتش اسرائیل کشته شده‌اند. ارتش اسرائیل دست‌کم ۳۹ سرباز خود را نیز در غزه از دست داده است. به‌علاوه با درنظر گرفتن همه جوانب، بعید است که اسرائیل بتواند حماس یا جهاد اسلامی را نابود کند؛ البته ممکن است آنها را به‌طور قابل توجهی تضعیف کند، یعنی همان کاری که ارتش اسرائیل با سازمان آزادیبخش فلسطین و بسیاری از گروه‌های چریکی دیگر در سال ۱۹۸۲ انجام داد. اما این گروه‌ها خود را بازسازی خواهند کرد و سازمان‌های دیگری نیز برای پر کردن هر خلأ احتمالی ظاهر خواهند شد -درست همان‌طور که گروه‌های اسلامگرا در اواخر دهه ۱۹۸۰ رخ نمودند. درعوض آنچه تصمیم‌گیرندگان اسرائیلی کشف خواهند کرد چیزی است که باید قبلا درک می‌کردند و کارشناسان منطقه سال‌هاست می‌دانند: هیچ راه‌حل نظامی برای مناقشه اسرائیل و فلسطین وجود ندارد.

ویتنام اسرائیل

تعدادی از آوارگان فلسطینی از زمان «نکبت» ۱۹۴۸ -زمانی که بیش از ۷۰۰ هزار فلسطینی توسط گروه‌های شبه‌نظامی صهیونیستی که برای بیرون راندن اعراب از سرزمینی که به اسرائیل تبدیل می‌شد تلاش می‌کردند، مجبور به ترک سرزمین خود شدند- در لبنان زندگی می‌کنند. حدود ۱۰۰ تا ۱۳۰ هزار نفر از این پناه‌جویان به لبنان گریختند و بیشتر آنها نیز در شهرهای ساحلی- البته به‌طور موقت به‌زعم خودشان- در شهرهای ساحلی این کشور مستقر شدند. فقیرترین آنها نیز به اردوگاه‌های پناهندگان رفتند. قوانین لبنان، فلسطینیان را از داشتن دارایی، اشتغال در ۷۲ حرفه مختلف و کسب تابعیت لبنان محروم می‌ساخت و بسیاری به فقر دائمی و جایگاه درجه دوم نزول کردند. در سال ۱۹۶۹، مقامات لبنانی و فلسطینی توافقنامه قاهره را امضا کردند که طی آن اداره اردوگاه‌های پناهندگان از شاخه‌ای از سرویس‌های اطلاعاتی لبنان به سازمان آزادیبخش فلسطین واگذار شد. سپس ساف سال‌ها صرف ایجاد یک دستگاه حکمرانی و ارائه خدمات اجتماعی گسترده در لبنان کرد؛ این کار از طریق نهادهای مختلف ازجمله جناح‌های نظامی تشکیل‌دهنده آن انجام شد؛ به‌طوری که گروه‌های چریکی مانند فتح و جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، مهدکودک و کلینیک پزشکی تاسیس کردند و از گروه‌های پیشاهنگی نوجوانان و گروه‌های رقص حمایت کردند. این گروه‌ها به‌طور همزمان اردوگاه‌های آموزشی را راه‌اندازی کرده و به‌شدت از بین جمعیت حاشیه‌نشین پناهنده و همچنین جوامع لبنانی اقدام به جذب نیرو کردند و به‌علاوه جنوب لبنان را به پایگاهی برای پرتاب موشک‌های کاتیوشا و انجام عملیات‌های مرگبار علیه شهرهای شمالی اسرائیل تبدیل کردند. اسرائیل هم در مقابل با گلوله‌باران مکرر اردوگاه‌های فلسطینی‌ها و روستاهای مرزی لبنان و همچنین اقدام به تورهای هدفمند و حملات کماندویی به تلافی این حمله پرداخت. ارتش اسرائیل همچنین عملیات‌های بزرگ‌تر نظامی نیز انجام داد که «صلح برای الجلیل» -نام اسرائیل برای تهاجم به لبنان در سال ۱۹۸۲- اولین مورد از آنها نبود. ارتش اسرائیل چهار سال قبل هم در پاسخ به ربودن یک اتوبوس توسط فتح که منجر به کشته شدن ده‌ها اسرائیلی شد، به جنوب لبنان حمله کرده بود. تهاجم سال ۱۹۷۸ کوچک‌تر از تهاجم سال ۱۹۸۲ بود، اما بیش از ۲۸۵ هزار نفر را از جنوب لبنان آواره کرد و جان هزاران شهروند لبنانی و فلسطینی را گرفت. این تهاجم با تصویب دو قطعنامه سازمان ملل متحد مبنی‌بر خروج اسرائیل، ایجاد نیروی موقت سازمان ملل در لبنان برای اجرای این قطعنامه‌ها و توافق آتش‌بس بین اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین پایان یافت؛ اما جنبش مبارزاتی فلسطینی را تضعیف نکرد. عملیات صلح برای الجلیل به‌گونه‌ای طراحی شده بود که گسترده‌تر و قاطعانه‌تر از عملیات ۱۹۷۸ باشد. البته درعین‌حال قرار بود که به‌سرعت انجام گیرد. تصمیم‌گیرندگان نظامی و اطلاعاتی اسرائیل در ابتدا آن را به‌عنوان یک ماموریت ۴۸ ساعته برنامه‌ریزی کرده بودند که طی آن ارتش این «کشور» پیش از عقب‌نشینی زیرساخت‌های ساف و تاسیسات چریکی آن را در محدوده ۴۰ کیلومتری مرز از بین می‌برد. اما هنگامی که این عملیات در اوایل ژوئن آغاز شد، بلافاصله اهداف آن دستخوش تغییر شد. رافائل ایتان، رئیس ستاد ارتش اسرائیل و آریل شارون، وزیر دفاع، به‌شدت ستیزه‌جو بودند و به همین دلیل بر ارتش اسرائیل فشار آوردند که پیشروی بسیار عمیق‌تری از آنچه پیش‌تر برنامه‌ریزی شده بود در داخل خاک لبنان انجام دهند. شارون نیز مانند بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر کنونی اسرائیل متهم بود که جنگ را برای تامین منافع سیاسی خود دنبال می‌کند (نظرسنجی‌های داخلی اسرائیل سطوح افتضاحی از حمایت موجود از نتانیاهو را نشان می‌دهد؛ به‌علاوه او به اتهام فساد درحال محاکمه است و ممکن است پس از پایان جنگ برکنار شود).

کابینه نتانیاهو، مانند کابینه مناخیم بگین، نخست‌وزیر اسرائیل در سال ۱۹۸۲، تحت تسلط تندروهاست و بنابراین جنگ مسیری تهاجمی را دنبال می‌کند. نیروهای اسرائیلی درحال‌حاضر در داخل بزرگ‌ترین شهر غزه درحال نبرد هستند و هدف حداکثری دولت اسرائیل -ریشه‌کن کردن حماس- به این معنی است که هیچ راهبرد آشکاری برای چگونگی و زمان پایان جنگ وجود ندارد. در لبنان راهبردی جنگ‌طلبانه و نادقیق مشابه، جان ده‌ها هزار غیرنظامی را گرفت و زیرساخت‌های این کشور را از هم پاشید. شارون و ایتان حتی در تابستان ۱۹۸۲ به ارتش اسرائیل دستور دادند که بیروت را محاصره کنند و آب، غذا، برق و امکانات حمل‌ونقل جمعیتی بالغ بر ۶۲۰ هزار نفر را برای بیش از یک‌ماه قطع کردند. اسرائیل سرانجام ساف و چریک‌ها را مجبور به عقب‌نشینی کرد، اما این کار تنها پس از کشته شدن حداقل ۶ هزار و ۷۷۵ نفر از ساکنان بیروت، ازجمله بیش از پنج هزار غیرنظامی انجام شد. اسرائیل اکنون محاصره گسترده‌تری را علیه غزه اعمال کرده که نتایج مخرب مشابهی خواهد داشت. اما به‌نظر می‌رسد که رهبران اسرائیل وقعی به هزینه‌های انسانی نمی‌نهند. مثلا یوآف گالانت، وزیر دفاع اسرائیل اعلام کرده است که کشورش با «حیوانات انسان‌نما» می‌جنگد و بر اساس این باور عمل خواهد کرد. سخنان او بازتاب اظهارات ایتان در آوریل ۱۹۸۳ است که مغرورانه لاف می‌زد: «وقتی اسرائیلی‌ها در این سرزمین شهرک‌سازی کنند، تمام کاری که اعراب می‌توانند انجام دهند، چرخیدن در اطراف مانند سوسک‌های سم‌پاشی شده در درون یک بطری است.»

ارزیابی غیرانسانی حیرت‌انگیز ایتان نشان‌گر بخشی از مشکلات بسیار زیاد ارتش اسرائیل در جنوب لبنان بود. رهبران نظامی اسرائیل که نسبت به برتری خود متقاعد شده بودند، انتظار نداشتند با مقاومت شدید فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها روبه‌رو شوند یا برای این کار هم آموزش ندیده بودند. درنتیجه هنگامی که نیروهای اسرائیلی دست به حرکت در بزرگراه ساحلی که شهرهای بزرگ لبنان را به‌هم وصل می‌کند، زدند اغلب بر اثر مقاومت شدیدی که در اردوگاه‌های پرجمعیت و فقیر پناهندگان و همچنین محلات لبنان با آنها مواجه می‌شدند، شگفت‌زده شدند. حتی علی‌رغم فروپاشی بسیاری از واحدهای ارتش آزادیبخش فلسطین و فرار فرماندهان چریکی این گروه‌ها بر اثر آتش شدید ارتش اسرائیل، شبه‌نظامیان فعال در سطح اردوگاه‌ها -یعنی گروه‌هایی که به دفاع از محله‌های خود می‌پرداختند- به‌طور جداگانه موفق شدند ارتش اسرائیل را برای روزها با درگیر کردن در جنگ شهری، منفجر کردن تانک‌ها و کشتن چندین افسر مهار کنند. مثلا نبرد ارتش اسرائیل در عین الحلوه -اردوگاه پناهندگان در شهر صیدا- را درنظر بگیرید. برای یک هفته‌تمام، گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی با جنگ و گریز در کوچه‌های پرپیچ‌وخم، ساختمان‌های فروریخته و تونل‌های زیرزمینی و اجرای کمین، ارتش اسرائیل را در رسیدن به اهداف خود ناکام گذاشتند. آنها با استفاده از سلاح‌های کوچک، نفربرهای زرهی و تانک‌های ارتش اسرائیل را منفجر می‌کردند. حداقل یک جوان فلسطینی به‌خاطر توانایی خود برای اصابت قرار دادن برجک تانک‌های دشمن با استفاده از آر.پی.جی به شهرت رسید؛ او می‌توانست تانک‌ها را دقیقا در زمان مناسب مورد هدف قرار داده و متوقف کند و جان سربازان درون تانک‌ها را به‌خطر بیندازد. عملیات در این اردوگاه آن‌قدر برای اسرائیلی‌ها کشنده بود که آنها هر شب دست به عقب‌نشینی می‌زدند و از دستاوردهای ارضی خود در طول روز چشم می‌پوشیدند. درنهایت ارتش اسرائیل به بمباران اردوگاه با سلاح‌های آتش‌زا ازجمله فسفر سفید متوسل شد، خرابه‌ها را با بولدوزر تخریب کرد و به پیشروی به‌سمت شمال ادامه داد. نبرد زمینی تنها راهی نبود که اسرائیل با استفاده از آن به‌دنبال از بین بردن مقاومت بود. ارتش همچنین از دستگیری‌های دسته‌جمعی استفاده کرد و تنها در سال ۱۹۸۲، ۹ هزار و ۶۴ مرد فلسطینی و لبنانی را از یک اردوگاه بازداشت کرد. اما این اقدام نیز برای ارتش اسرائیل نتیجه معکوس داشت. زندانیان -که همه آنها رزمنده نبودند- بر اثر فشارهای بازجویی و ضرب و شتم، دست به شورش یا فرار زدند. بسیاری از مبارزان چریکی به گروه‌های قبلی خود بازگشتند و به نبرد ادامه دادند. حبس انبوه و تخریب اردوگاه‌ها همچنین جمعیت گسترده‌ای از زنان، کودکان و سالمندان فلسطینی بی‌خانمان را ایجاد کرد که نیروهای اسرائیلی آمادگی کمک به آنها را نداشتند؛ همین افراد به یکی از قدرتمندترین منتقدان ارتش اسرائیل تبدیل شدند. مثلا یک جنبش اعتراضی به رهبری زنان فلسطینی در عین‌الحلوه با گروه‌های بین‌المللی حقوق بشری، سازمان‌های رسانه‌ای و سازمان ملل تماس گرفت تا توجه آنها را به وضعیت اسفناک خود جلب کند. این افراد تظاهرات برپا کردند، جاده‌ها را مسدود کردند و در حرکتی نمادین چادرهای ناکافی را که سازمان ملل برایشان تهیه کرده بود به آتش کشیدند؛ اقداماتی که هم روزنامه‌نگاران و هم سازمان‌های حقوق بشری در گزارش‌های خود آنها را ذکر کردند. شهرت بین‌المللی اسرائیل که پیش‌تر دچار مشکل شده بود ضربه دیگری خورد. امروزه وضعیت اسرائیل بهبود چندانی را تجربه نمی‌کند. پس از موجی از ابراز همدردی با این «کشور» پس از حمله «وحشیانه حماس»، اخبار مربوط به درگیری به‌طور فزاینده‌ای بر قتل عام انجام شده از اسرائیل در غزه متمرکز شده است. رسانه‌های بین‌المللی نیز گزارش‌هایی درباره خشونت شبه‌نظامیان شهرک‌نشین اسرائیلی در کرانه باختری منتشر کرده‌اند. براساس گزارش‌های نیویورک‌تایمز، واشنگتن‌پست، رویترز و سازمان‌های حقوق بشری، شهرک‌نشینان از ۷ اکتبر تاکنون در کرانه باختری هشت فلسطینی از جمله یک کودک را به قتل رسانده‌اند. ارتش اسرائیل هم که از شهرک‌نشینان محافظت می‌کند حداقل ۱۶۷ نفر دیگر از جمله ۴۵ کودک را کشته است. شهرک‌نشینان علاوه‌بر کشتار از آتش‌سوزی، حملات مسلحانه و تهدید به مرگ برای اخراج نزدیک به هزار نفر از فلسطینی‌ها از روستاهای خود استفاده کرده‌اند. این حملات شبیه خشونت‌هایی است که شبه‌نظامیان راست‌گرای لبنان در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ انجام دادند و تحت نظارت ارتش اسرائیل برای تهدید و اخراج فلسطینیان ساکن صیدا مرتکب می‌شدند. در واقع اتحاد ارتش اسرائیل و شبه‌نظامیان مسیحی متحد آن به وقوع بدنام‌ترین قتل عام رخ‌داده در طی عملیات صلح برای الجلیل انجامید. پس از کشته شدن بشیر جمیل، متحد اسرائیل و رئیس‌جمهور منتخب لبنان در سپتامبر ۱۹۸۲ بر اثر انفجار بمب ارتش اسرائیل بیروت غربی را اشغال کرد و اردوگاه آوارگان صبرا- شتیلا را محاصره کرد. سپس ارتش اسرائیل از ورود و خروج فلسطینی‌ها به/از اردوگاه یا محله‌های اطراف جلوگیری کرد اما به شبه‌نظامیان لبنانی مسیحی وابسته به ارتش اسرائیل اجازه ورود به منطقه را داد. برای دو روز متوالی این شبه‌نظامیان در منطقه اطراف اردوگاه صبرا- شتیلا غوغا کردند و حداقل دو هزار غیرنظامی فلسطینی را کشتند و انبوهی از جنایات دیگر از جمله شکنجه و خشونت جنسی را مرتکب شدند. در همین حال سربازان ارتش اسرائیل اردوگاه را گلوله‌باران کرده و آن را با شعله‌های آتش روشن می‌کردند. این قتل عام مردم سراسر جهان از جمله ساکنان خود اسرائیل را خشمگین کرد. تقریبا ۳۵۰ هزار اسرائیلی به تظاهرات سراسری پیوستند و خواستار استعفای بگین و شارون شدند؛ امری که دولت را بر آن داشت تا تحقیقات عمومی درباره این قتل عام انجام دهد. کمیسیون کاهان که در واکنش به این اعتراضات شکل گرفت، نتیجه گرفت که شارون شخصا مسئول این خشونت است و اعلام کرد که اقدامات ایتان «معادل نقض وظیفه است.» شارون در سال ۱۹۸۳ مجبور به استعفا شد و ایتان هم در همان سال بازنشسته شد. بگین هم در اواخر همان سال استعفا داد.

گذشته به‌عنوان رویه

مذاکرات بر سر جنگ تا حدی با میانجیگری فرستاده ویژه ایالات‌متحده در خاورمیانه، فیلیپ حبیب در تابستان ۱۹۸۲ انجام شد. در ماه اوت، طرفین با آتش‌بس موافقت کردند. تحت شرایط این توافق، ساف و اعضای گروه‌های چریکی - در مجموع ۱۴۳۹۸ نفر - لبنان را تخلیه کردند. نظامیان اسرائیل و سوریه نیز موافقت کردند که از بیروت خارج شوند. یک نیروی ماموریت حافظ صلح متشکل از سربازان بریتانیایی، آمریکایی، فرانسوی و ایتالیایی هم در ماه اوت برای تسهیل فرآیند تخلیه، حفاظت از غیرنظامیان فلسطینی و کمک به حفظ آتش‌بس تشکیل شد. ساف و فتح مقر خود را به تونس منتقل کردند و سایر گروه‌های چریکی در مکان‌هایی در کشورهای مختلف عربی پراکنده شدند. اما کشتار صبرا- شتیلا کمتر از یک ماه بعد اتفاق افتاد. این قتل عام تنها یکی از نشانه‌های بسیاری بود که روشن می‌ساخت شکست ساف پایان جنگ نیست. این شکست حتی پایان ساف نیز نبود، حتی باوجوداینکه اسرائیل موفق شد بسیاری از فرماندهان چریکی را بکشد و پایگاه‌های ساف را در لبنان برچیند، این سازمان در تونس دوباره دست به سازمان‌دهی خود زد. اسرائیل به تداوم اشغال جنوب لبنان ادامه داد و مبارزان فلسطینی هم که از عملیات صلح برای الجلیل جان سالم به در برده بودند، هسته‌ها و واحدهای جدیدی تشکیل داده و به نبرد با اسرائیل ادامه دادند. این گروه‌ها که از ساختار رسمی فرماندهی و کنترل استفاده نمی‌کردند، ثابت کردند که می‌توانند حملات خشونت‌آمیز و نامنظمی علیه نیروهای اشغالگر اسرائیل انجام داده و همدستان اسرائیلی را نیز مورد هدف قرار دهند. گروه‌های فلسطینی همچنین در محیطی فعالیت می‌کردند که به‌طور فزاینده‌ای توسط مقاومت محلی لبنان در برابر اشغالگری اسرائیل شکل می‌گرفت- از جمله حزب‌الله که برای بیرون راندن ارتش اسرائیل ایجاد شده بود و گروه‌های چپ مانند حزب کمونیست لبنان. در مجموع شکست این سازمان‌ها غیرممکن بود. سربازان اسرائیلی مناطقی از جنوب لبنان را برای ۱۸ سال دیگر اشغال کردند و به‌کرات دست به یورش و دستگیری زدند اما ارتش اسرائیل با تمام ظرفیت خود - حملات هوایی، عملیات اطلاعاتی، گشت‌زنی با جیپ و واحدهای کماندویی - نتوانست مخالفانش را از بین ببرد. نتایج حاصله در غزه به مذاکرات بر سر موضوعاتی بسیار متفاوت از آنچه در لبنان وجود داشت بستگی دارد. لبنان یک کشور مستقل با دولت، شهروندان، اقتصاد و پویایی‌های پیچیده خود است (میزبانی سازمان آزادیبخش فلسطین و چریک‌های فلسطینی در سیاست داخلی لبنان شکاف ایجاد کرد و به جنگ داخلی ۱۵ ساله این کشور انجامید.) اما غزه یک سرزمین فلسطینی است که سازمان‌های بین‌المللی و گروه‌های حقوق بشری معتقد هستند اسرائیل آن را اشغال کرده و اسرائیل همراه با مصر یک محاصره ۱۶ ساله را بر آن اعمال کرده است. این منطقه هیچ اقتصاد مستقل یا کنترلی بر برق و آب خود ندارد. اما درس‌های نظامی و بشردوستانه اخذشده از لبنان قویا حاکی از آن است که شرایط فاجعه‌بار کنونی در غزه حادتر خواهد شد و پیامدهای فاجعه‌بار و بلندمدتی برای همه طرف‌ها در پی خواهد داشت. رویکرد پرسابقه اسرائیل به جنگ شهری، برنامه‌های آن برای اشغال غزه (نتانیاهو گفته است که اسرائیل «مسئولیت امنیتی کلی» غزه را برای «مدت نامحدود» برعهده خواهد گرفت)، اتحاد آن با شبه‌نظامیان غیردولتی و استفاده از زندان‌های انبوه و توده‌ای همه اتفاقات لبنان را منعکس می‌کنند. بنابراین تصور اینکه نتیجه اساسا متفاوت باشد دشوار است. این امر متاسفانه بر تعداد کشته‌ها می‌افزاید. هیچ کس دقیقا نمی‌داند چند نفر در جنگ ۱۹۸۲ جان خود را از دست دادند. آمار رسمی شامل افراد مدفون در زیر آوار، افرادی که خانواده‌هایشان آنها را در حیاط منزل یا در تپه‌ها دفن کرده‌اند یا افرادی که در جریان رویدادهایی مانند کشتار صبرا- شتیلا ناپدید شده‌اند، نمی‌شود. اما براساس برآوردهای مقامات دولتی و بیمارستانی لبنان، عملیات صلح برای الجلیل تنها در چهار ماه پس از شروع منجر به گرفتن جان ۱۹۰۸۵ لبنانی و فلسطینی شد که تقریبا ۸۰ درصد آنها غیرنظامی بودند. تخمین‌های سازمان آزادیبخش فلسطین هم حاکی از کشته شدن ۴۶ هزار و ۶۰۰ غیرنظامی و پنج هزار و ۳۰۰ نظامی است. در همین چهار ماه، ۳۶۴ سرباز اسرائیلی در طی عملیات کشته و دو هزار و ۳۸۸ نفر دیگر هم زخمی شدند. در طول کل جنگ لبنان و متعاقب آن اشغال جنوب لبنان از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۰، ۱۲۱۶ سرباز اسرائیلی جان خود را از دست دادند؛ تلفاتی که عمدتا در درگیری با حزب‌الله به وقوع پیوست. تلفات اسرائیل ناچیز نیست و آسیب‌های وارده بسیار جدی و فراتر از مرگ و جراحات فیزیکی است. مطالعه‌ای که توسط «مرکز تروما و تاب‌آوری اسرائیل» انجام شده تخمین می‌زند که نزدیک به ۲۰ درصد از ۷۰ هزار اسرائیلی که در طی جنگ ۱۹۸۲ خدمت کرده‌اند، علائم «اختلال استرس پس از سانحه» را نشان می‌دهند و تنها ۱۱ درصد از آنها هم به دنبال درمان بوده‌اند. لبنان به دلایل خوبی به‌عنوان «ویتنام اسرائیل» شناخته می‌شود. علی‌رغم پیامدهای احتمالی اسرائیل حاضر به بررسی آتش‌بس نبوده و ادعا می‌کند که این امر به معنای پیروزی حماس خواهد بود؛ اما این ادعا گمراه‌کننده است. بزندگان واقعی آتش‌بس غیرنظامیان و جنبش‌های اجتماعی غیرخشونت‌آمیز هستند که بسیاری از آنها مدت‌هاست از پایان دادن به اشغال، محاصره، شهرک‌سازی‌های غیرقانونی اسرائیل و به رسمیت شناختن برابری فلسطینی‌ها به‌عنوان امری ضروری برای امنیت اسرائیل و فلسطین حمایت می‌کنند. در مقابل بازندگان آتش‌بس حماس و تندروهای اسرائیل خواهند بود که هر دو شیوه‌های خشونت‌آمیز شدید را برای رسیدن به اهداف ایدئولوژیک خود دنبال می‌کنند - البته یکی از آنها با حمایت قدرت ارتش دولتی و دستگاه نظارتی گسترده. مثلا برخی از افراط‌گرایان اسرائیلی علنا خواستار پاک‌سازی غزه یا راندن مردم غزه به مصر شده‌اند. هیچ یک از این نتایج بدون شلیک گلوله نمی‌تواند اتفاق بیفتد. با توجه به تنش‌های کنونی نمی‌توان گفت این جنگ چگونه و چه زمانی ممکن است پایان یابد. قطر به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان میانجی در این مناقشه مطرح شده و دست به میانجیگری بین حماس، اسرائیل و ایالات‌متحده زده است اما واشنگتن تنها بازیگری است که می‌تواند دولت اسرائیل را برای توقف کشتار جمعی در غزه و خشونت در کرانه باختری به‌طور موثر تحت فشار قرار دهد. باید دید که آیا دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا این کار را انجام خواهد داد یا خیر. تاکنون بایدن قاطعانه چنین درخواست‌هایی را رد کرده است و ادعای اسرائیل مبنی بر اینکه آتش‌بس به نفع حماس است را تکرار کرده است. البته مقامات آمریکایی با موفقیت اسرائیل را تحت فشار قرار دادند تا چهار ساعت «وقفه‌های بشردوستانه» را برای پذیرش کمک‌ها بپذیرد اما با توجه به میزان کمک مورد نیاز و شدت خصومت‌ها، این کمک‌ها احتمالا تاثیر پایدار کمی بر رفاه غیرنظامیان در غزه خواهد داشت اما امیدواریم که بایدن درنهایت تصمیم بگیرد که برای پایان واقعی این نبرد تلاش کند. اگر بایدن این کار را انجام دهد از رویه یک رئیس‌جمهور دیگر ایالات‌متحده پیروی خواهد کرد؛ رونالد ریگان. زمانی که جنگ لبنان آغاز شد دولت ریگان به دو دسته تقسیم شد؛ برخی از مقامات می‌خواستند با تهدید تحریم‌ها خواستار عقب‌نشینی فوری اسرائیل شوند، اما برخی دیگر احساس می‌کردند که ساف و سوریه نیز باید مجبور به عقب‌نشینی شوند. اما با تبدیل شدن این درگیری به یک کابوس بشردوستانه رئیس‌جمهور موضع انتقادی‌تری گرفت. در ژوئیه ۱۹۸۲، کاخ سفید ارسال مهمات خوشه‌ای به اسرائیل را متوقف و اعلام کرد که اسرائیلی‌ها قراردادهای تسلیحاتی را برای عدم استفاده از این تسلیحات در مناطق غیرنظامی نقض کرده‌اند. پس از یک موج حملات به‌شدت مرگبار علیه بیروت در جریان محاصره توسط اسرائیل، ریگان با بگین تماس گرفت و از ارتش اسرائیل خواست تا گلوله‌باران را متوقف کند. او برای این کار از اصطلاحات عمیقا احساسی استفاده کرد. ریگان گفت: «اینجا، در تلویزیون ما، هر شب به مردم نمادهای این جنگ نشان داده می‌شود و این یک هولوکاست است.» در آوریل ۱۹۸۳، او به مردم آمریکا گفت که دولت او فروش هواپیمای اف-۱۶ به اسرائیل را متوقف کرده است و ادامه داد تا زمانی که این کشور از لبنان خارج نشود، فروش هواپیماهای مذکور از سر گرفته نخواهد شد. شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه خواسته‌های دولت آمریکا تصمیم‌گیرندگان اسرائیل را مجبور به تغییر رفتار خود کرد. در ژوئیه ۱۹۸۲، واشنگتن‌پست درباره میانه‌روی «شگفت‌انگیز» در رفتار دولت اسرائیل نوشت و ریگان را دلیل اصلی آن ذکر کرد. در این مقاله آمده بود که رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند که عامل کلیدی در «انعطاف‌پذیری» جدید دولت بگین، نامه‌ای سختگیرانه از رئیس‌جمهور ریگان در هفته قبل بود. امروز بایدن دوباره باید از نفوذ ایالات‌متحده برای پایان دادن به جنگ اسرائیل استفاده کند. آتش‌بس تنها خط مشی منطقی از نظر سیاسی، تقویت‌کننده امنیت و راهبرد قابل دفاع اخلاقی است؛ به‌ویژه اگر واشنگتن امیدی به باقی ماندن به‌عنوان یک بازیگر محترم در خاورمیانه داشته باشد اما راه جایگزین این است که مردم غزه به تحمل بمب، گلوله و سوختگی بیشتر محکوم شوند. این امر مترادف با واداشتن آنها به تحمل کم‌آبی مداوم، گرسنگی و بیماری خواهد بود و نتیجه آن این خواهد بود که یک منطقه فقیر و بسیار پرتراکم را برای دهه‌ها از فرصت توسعه محروم کنیم. در نتیجه احتمالا نسل جدیدی از شبه‌نظامیان ایجاد خواهد شد که جان خود را برای مبارزه با اسرائیل به خطر خواهند انداخت. «همه اینها قبلا اتفاق افتاده است» قوی‌ترین استدلالی است که برای جلوگیری از تکرار چیزی وجود دارد.

راهبرد آمریکا سبب تقویت ذخایر هسته‌ای پکن شده است

سوءتفاهم درباره گسترش توان هسته‌ای چین

سجاد عطازاده
مترجم

ام تیلور فراول (استاد علوم سیاسی دانشگاه ام‌آی‌تی ایالات‌متحده آمریکا)، هنریک استالهان هیم (دانشیار دانشگاه دفاعی نروژ) و ماگنوس لانگشت توان (پژوهشگر سابق موسسه مسائل بین‌المللی نروژ) در مقاله‌ای با عنوان «سوءتفاهم درباره گسترش توان هسته‌ای چین، راهبرد آمریکا سبب تقویت ذخایر هسته‌ای پکن گشته است» که در وب‌سایت فارن‌افرز منتشر شده، گسترش توان هسته‌ای چین را معلول اقدامات تهاجمی آمریکا دانسته و بر این اعتقاد هستند که با توجه به‌شدت گرفتن رقابت دو کشور در سال‌های آینده، هماوردی هسته‌ای آنان نیز پررنگ‌تر خواهد شد.

در میان انبوه مسائل مربوط به مدرن‌سازی نظامی مداوم چین، شاید هیچ یک به‌اندازه برنامه تسلیحات هسته‌ای این کشور چشمگیر نباشد. دولت این کشور طی چندین دهه به حفظ و برخورداری از یک نیروی هسته‌ای نسبتا کوچک راضی بود، به‌طوری‌که تا سال ۲۰۲۰ زرادخانه این کشور نسبت به دهه‌های گذشته تغییر چندانی نکرده و با حدود ۲۲۰ سلاح برابر با تنها حدود ۵ تا ۶ درصد از کلاهک‌های هسته‌ای ایالات‌متحده یا روسیه بود. اما این کشور از آن مقطع به بعد به‌سرعت درحال گسترش و مدرن‌سازی زرادخانه هسته‌ای خود بوده است. پکن در سال ۲۰۲۰، ساخت سه سیلوی موشکی را برای نگهداری بیش از ۳۰۰ موشک بالستیک قاره‌پیما آغاز کرد. یک سال بعد نیز دست به آزمایش یک موشک هایپرسونیک زد که قادر به طی ۲۱ هزار و ۶۰۰ مایل می‌باشد. همزمان دولت چین به تلاش‌های خود برای ایجاد سه‌گانه کامل هسته‌ای - مشتمل بر تسلیحات هسته‌ای پرتاب‌شده از هوا، دریا و زمین- سرعت بخشیده است. طبق برآوردهای وزارت دفاع ایالات متحده، چین تا سال ۲۰۳۰ احتمالا بیش از هزار کلاهک هسته‌ای عملیاتی خواهد داشت که بیش از چهاربرابر تسلیحات هسته‌ای این کشور تنها در یک دهه قبل - ۲۰۲۰- خواهد بود. بعید است که توسعه هسته‌ای چین در مرکز دیدار بایدن و شی جین پینگ در نشست سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (اپک) قرار گیرد؛ اما این مساله آنقدر مهم است که نمی‌توان آن را به‌طور کامل به استراتژیست‌های دفاعی سپرد. چین به‌جای تداوم راهبرد پیشین خود در چند دهه گذشته - حفظ میزانی از تسلیحات هسته‌ای که برای مقابله به‌مثل درصورت حمله کافی باشد- اکنون سیاست جدیدی را در پیش گرفته و بسیاری در ایالات‌متحده بیم آن را دارند که تقویت قابلیت‌های هسته‌ای پکن گزینه‌های تهاجمی را نیز در اختیار آن قرار دهد. در سال ۲۰۲۱، چارلز ریچارد، رهبر وقت «فرماندهی راهبردی ایالات متحده» توسعه هسته‌ای چین را به‌عنوان یک «گریز راهبردی» توصیف کرد که «توانایی اجرای هر گونه راهبرد کاربست هسته‌ای ممکن را برای آن فراهم می‌کند.»

برای درک منطق این دگرگونی، برخی در واشنگتن به ماهیت خاص این تحول توجه کرده‌اند، مثلا فرانک کندال، وزیر نیروی هوایی آمریکا اظهار داشته است که صرف‌نظر از نیات چین، ساخت صدها سیلو موشک‌های بالستیک قاره‌پیما به‌معنای ایجاد قابلیت حمله اول است، یعنی داشتن سلاح کافی برای نابود کردن زرادخانه هسته‌ای دشمن با حمله اول اما تلاش برای استنباط انگیزه‌ها از صِرف قابلیت‌ها می‌تواند سبب ایجاد بدترین مفروضات گمراه‌کننده شود، به‌ویژه با توجه به تمایل ایالات متحده به انتساب راهبرد خود به دشمنان بالقوه‌اش؛ دام تحلیلی که «تصویر آیینه‌ای» نامیده می‌شود. اما استراتژیست‌ها و کارشناسان هسته‌ای خود چین دیدگاه متفاوتی از تفکر این کشور ارائه می‌دهند. نوشته‌ها و تحلیل‌های آنها از سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که توسعه هسته‌ای چین بیشتر از آنکه تغییری در نیات این کشور به‌شمار رود، پاسخی به آنچه پکن به‌عنوان تغییرات تهدیدآمیز در راهبرد هسته‌ای ایالات‌متحده درک می‌کند، محسوب شده و منعکس‌کننده یک معضل امنیتی حاد به‌شمار می‌رود. تحلیلگران چینی نگران این هستند که ایالات‌متحده آستانه توسل به تسلیحات هسته‌ای خود را کاهش داده است - ازجمله در صدور مجوز استفاده محدود و پیش دستانه در درگیری احتمالی بر سر تایوان - به‌علاوه، با توجه به اینکه ارتش ایالات‌متحده درحال دستیابی به قابلیت‌های جدیدی است که می‌تواند برای نابود کردن یا کاهش قابل‌توجه نیروهای هسته‌ای چین استفاده شود، بنابراین بسیاری از کارشناسان چینی به این نتیجه رسیده‌اند که این کشور به زرادخانه قوی‌تری نیاز دارد. با توجه به بیم چین و ایالات‌متحده از برنامه‌های هسته‌ای یکدیگر، افزایش ارتباطات این دو کشور ممکن است به فائق آمدن بر این وضعیت کمک کند. براساس آنچه درباره نگرانی چین گفته شد، ایالات‌متحده باید متوجه شود که چگونه تغییرات در قابلیت‌ها و دکترین هسته‌ای این کشور نقشی حیاتی در شکل‌دهی به ادراک تهدید چین و تصور آن از نیروهای لازم برای مقابله با این تهدید دارد، زیرا در شرایط کنونی چین به پاسخگویی به آن دسته از پیشرفت‌های ایالات‌متحده که تصور می‌شود بازدارندگی هسته‌ای پکن را تضعیف می‌کنند، ادامه خواهد داد. پکن نیز در مقابل باید درک کند که فقدان شفافیت پیرامون گسترش سریع توانایی هسته‌ای، به ارزیابی‌های فعلی ایالات‌متحده که مبتنی‌بر وقوع بدترین شرایط و حالات هستند، دامن زده است. تداوم عدم شفافیت منجر به سوءظن بیشتر ایالات‌متحده خواهد شد و تشدید رقابت تسلیحاتی بین دو کشور را درپی خواهد داشت.

کنشگران واکنشی

از حدود سال ۲۰۱۸، کارشناسان چینی به این نتیجه رسیده‌اند که موضع هسته‌ای واشنگتن چالش‌های فزاینده‌ای را برای بازدارندگی چین ایجاد کرده است؛ به‌ویژه آنها نگران تغییرات رخ داده در راهبرد هسته‌ای ایالات‌متحده بودند که در «سند موضع هسته‌ای ایالات‌متحده» در سال ۲۰۱۸ بیان شده بود. بسیاری از کارشناسان چینی بر این باورند که چین در سند مذکور به‌عنوان یک رقیب راهبردی برجسته شده و به‌علاوه در این سند از آمریکا خواسته شده آستانه تحمل خود برای کاربست تسلیحات هسته‌ای را- از جمله در پاسخ به انواع خاصی از حملات غیرهسته‌ای- پایین بیاورد. آنها همچنین به تاکید گزارش بر سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی که می‌توانند برای اجبار چین استفاده شوند، تاکید می‌کنند. کارشناسان چینی با استناد به نظرات تحلیلگرانی مانند البریج کولبی که به‌عنوان معاون دستیار وزیر دفاع در امور راهبردی و توسعه نیرو در دولت ترامپ خدمت می‌کرد، موضع جدید ایالات‌متحده را تا حدی برای جبران این واقعیت می‌دانستند که توازن نظامی در متعارف آسیای شرقی به نفع چین درحال تغییر است. به‌طور مشخص، سند منتشره در سال ۲۰۱۸ نگرانی چینی‌ها از احتمال استفاده پیش‌دستانه و محدود آمریکا از تسلیحات هسته‌ای در یک درگیری متعارف نظامی با چین- احتمالا بر سر تایوان- را بالا برد. به‌گفته لی بین، کارشناس کنترل تسلیحات چین این سند پیشنهاد می‌کند که «ایالات‌متحده از سلاح‌های هسته‌ای خود برای پاسخ به تجاوزهای غیرهسته‌ای چین استفاده خواهد کرد.» نکته قابل‌توجه‌تر، تحلیل لو شی، کارشناس آکادمی علوم نظامی ارتش آزادی‌بخش خلق است؛ نهادی که مستقیما به کمیسیون مرکزی نظامی حزب کمونیست چین گزارش می‌دهد و به تدوین راهبرد و دکترین نظامی آن کمک می‌کند: «چین نمی‌تواند نگران استفاده پیش‌دستانه آمریکا از تسلیحات هسته‌ای در یک بحران منطقه‌ای نباشد.» یک ژنرال بازنشسته چینی به نام پان ژنچیانگ هم در سال ۲۰۱۸ حتی صریح‌تر درباره این مساله صحبت کرد: «چین باید سناریوی جنگی را درنظر بگیرد که در آن ایالات‌متحده ممکن است حمله هسته‌ای انجام دهد، مثلا شاید در درگیری بر سر تنگه تایوان.» یک کارشناس دیگر آکادمی علوم نظامی چین تاکید کرد که با کاهش آستانه هسته‌ای، واشنگتن شاید سبب تبدیل «درگیری‌های کم‌شدت به جنگ هسته‌ای شود.» پکن همچنین نگران ساخت و توسعه آن دسته از سامانه‌های تسلیحاتی تهاجمی و دفاعی از سوی ایالات‌متحده است که می‌توانند بازدارندگی هسته‌ای چین را خنثی سازند. در ابتدا احتمال داده می‌شد که ایالات‌متحده درحال ساخت سلاح‌های متعارف جدیدی است که می‌تواند برای حمله به نیروهای هسته‌ای چین استفاده شود؛ راهبردی که به‌عنوان «نیروی متقابل متعارف» شناخته می‌شود. برخلاف استفاده از سلاح‌های هسته‌ای برای از بین بردن نیروهای هسته‌ای دشمن- گامی که اقدام تلافی‌جویانه هسته‌ای را تقریبا حتمی می‌سازد - این سلاح‌ها به مهاجم اجازه می‌دهند زرادخانه هسته‌ای دشمن را بدون عبور از آستانه هسته‌ای تخریب یا حتی نابود کنند. استقرار سامانه‌هایی مانند تسلیحات دوربرد دقیق و همچنین استفاده از انواع جنگ سایبری و الکتریکی احتمال حمله متعارف به زرادخانه هسته‌ای چین را بالا می‌برد. یکی از محققان دانشگاه دفاع ملی ارتش چین اظهار داشته که قابلیت‌های رو به رشد نیروهای متقابل متعارف ایالات‌متحده ممکن است «این کشور را تشویق کند تا در موقعیت‌هایی که از سلاح‌های هسته‌ای استفاده نمی‌شود، اولین حمله را انجام دهد و ثبات راهبردی را تضعیف کند.» کارشناسان چینی همچنین نگرانند که دفاع موشکی تقویت‌شده ایالات‌متحده شاید بتواند راهبرد دیرینه چین مبتنی‌بر «انتقام مطمئن» را تضعیف کند؛ راهبردی که منظور از آن توانایی انجام ضدحمله هسته‌ای پس از اولین حمله دشمن است. اگرچه کارشناسان چینی، قابلیت‌های کنونی دفاع موشکی ایالات‌متحده را محدود می‌دانند اما نگرانی‌های دیرینه آنها درباره این سامانه‌ها در سال‌های پیش از شروع ساخت سیلوهای جدید موشکی توسط پکن تشدید شد. ایالات‌متحده مدت‌هاست که برای تسکین چین (و روسیه)، استقرار سامانه‌های دفاع موشکی خود را با هدف جلوگیری از تهدید کشورهایی خودکامه مانند کره شمالی یا ایران توجیه کرده است اما سند بررسی دفاع موشکی وزارت دفاع ایالات‌متحده در سال ۲۰۱۹ خواستار اتخاذ رویکردی جامع برای مقابله با تهدیدات موشکی منطقه‌ای- ازجمله از سوی چین- شد و اعلام کرد که سامانه‌های دفاع موشکی ایالات‌متحده برای مقابله با هرگونه حمله موشکی به این کشور- از جمله هرگونه حمله احتمالی متقابل چین- مورد استفاده قرار خواهد گرفت. به‌گفته لو شی، محقق آکادمی علوم نظامی چین، ایالات‌متحده می‌تواند از دفاع موشکی برای «نابودی قابلیت حمله دوم چین» استفاده کند. روی هم‌رفته، این دو تحول نشان می‌دهد که ایالات‌متحده یک تهدید بزرگ برای بازدارندگی هسته‌ای چین به‌شمار می‌رود. واشنگتن می‌تواند از سامانه‌های تسلیحاتی متعارف (یا هسته‌ای) خود برای نابودی بخش اعظم زرادخانه هسته‌ای کوچک چین استفاده کند و سپس از سامانه‌های دفاع موشکی خود برای تحدید توانایی چین برای مقابله به مثل با موشک‌های باقی‌مانده استفاده کند. همان‌طور که دو محقق نیروی هوایی ارتش آزادیبخش خلق در سال ۲۰۱۹ نوشته‌اند، این «استفاده ترکیبی از سامانه‌های های تهاجمی راهبردی و دفاعی راهبردی به ایالات‌متحده یک مزیت راهبردی انحصاری خواهد داد.»

در همین حال، نگرانی‌های چین با فروپاشی پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد آمریکا و شوروی تشدید شده است؛ پیمانی که استفاده از سامانه‌های موشکی هسته‌ای کوتاه‌برد و میان‌برد متعارف و هسته‌ای را ممنوع کرده بود. با حذف محدودیت‌های برد موشک‌های زمین‌پرتاب و متعاقب آن از بین رفتن این معاهده در سال ۲۰۱۹، کارشناسان دانشگاه ملی فناوری دفاعی چین، موشک‌های مستقر ایالات‌متحده در خاک کشورهای دیگر را به‌عنوان «تهدیدی بزرگ برای موشک‌های متحرک چین» توصیف کنند، زیرا آنها بر این باورند که موشک‌های چینی به‌دلیل ثابت بودن در مرحله پرتاب آسیب پذیر هستند. به همین دلیل یکی از کارشناسان موسسه روابط بین‌الملل معاصر چین در همان سال هشدار داد که استقرار موشک‌های میان‌برد ایالات‌متحده ممکن است تنش‌های بزرگی با چین ایجاد کند و شاید حتی به ایجاد یک «بحران موشکی کوبا از نوع آسیایی آن» دامن بزند.

راه‌های بیشتر برای انتقام

ذکر این نکته ضروری است که چین درباره اهداف تقویت داشته‌های هسته‌ای خود شفاف نبوده است. مثلا آخرین سند دفاعی موسوم به «کاغذ سفید» آن در سال ۲۰۱۹، قبل از شروع ساخت سیلوهای جدید هسته‌ای منتشر شده است. با این وجود، نشانه‌های صادره از سوی چین به طرق مهمی با تفاسیر هشداردهنده ایالات متحده متفاوت هستند. فرماندهان نظامی ایالات متحده معتقد هستند که تقویت هسته‌ای چین گزینه‌های تهاجمی را برای این کشور فراهم می‌کند که آن را برای ایالات متحده بسیار تهدیدکننده‌تر می‌سازد و چالش‌های جدیدی را هم برای راهبرد هسته‌ای ایالات متحده ایجاد می‌کند؛ اما نوشته‌های تحلیلگران چینی و همچنین اظهارات مقامات حزب کمونیست از جمله خود شی جین پینگ، نشان می‌دهد که بحث تمرکز چین تاکنون حول چگونگی اجرای بهتر راهبرد موجود چین برای «انتقام مطمئن» بوده است -اطمینان از اینکه این کشور دارای نیروی هسته‌ای کافی برای پاسخ به یک حمله هسته‌ای است. اگر این نشانه‌ها درست باشند، نشان می‌دهند که گسترش توانایی هسته‌ای چین از فوریت تهدید کمتری برخوردار است و پاسخ قهرآمیز ایالات متحده فقط پویایی‌های یک مسابقه تسلیحاتی غیرضروری را تشدید خواهد ساخت. مثلا به اظهارات شی در بیستمین کنگره ملی حزب کمونیست در اکتبر ۲۰۲۲ توجه کنید. رهبر چین طی یک سخنرانی از ارتش آزادی‌بخش خلق خواست تا «یک سامانه قوی بازدارندگی راهبردی» ایجاد کند. یک ماه بعد، ژو کیلیانگ، معاون اکنون برکنارشده کمیسیون نظامی مرکزی، خاطرنشان ساخت که رویکرد ارتش چین برای بازدارندگی راهبردی باید مبتنی بر «موازنه نامتقارن» باشد؛ امری که نشان می‌دهد چین به دنبال برابری هسته‌ای با ایالات متحده یا روسیه نیست. قبل از اینکه چین شروع به ساخت سیلوهای موشکی جدید خود کند هم استراتژیست‌های چینی بر نیاز به بهبود قدرت بازدارندگی این کشور تأکید کرده و خاطرنشان ساخته بودند که میزان توان هسته‌ای این کشور همیشه براساس تعداد لازم برای انجام یک حمله دوم مطمئن تعیین شده است. مثلا در سال ۲۰۱۸، دو محقق کنترل تسلیحات در دانشگاه چینهوا استدلال کردند که اندازه نسبتا کوچک زرادخانه موجود چین فرصت‌های جدیدی را برای دشمنان ایجاد کرده است تا دست به «تهدیدات هسته‌ای» بزنند. این نگرانی‌ها توسط دیگر کارشناسان چینی نیز تکرار شده است و آنها بر این باور هستند که توانایی حمله دوم چین فاصله زیادی با سطح اطمینان دارد. همچنین باید به آنچه در آثار چینی به آن اشاره‌ای نمی‌شود، توجه کرد؛ هرگونه بحث درباره حرکت - حتی محدود- به سمت راهبرد استفاده اول. بسیاری از قابلیت‌های جدیدی که چین در حال توسعه آنها است، برای افزایش بقاپذیری انجام می‌شوند (توانایی نیروهای هسته‌ای این کشور برای مقاومت در برابر اولین حمله و قادر شدن به انجام یک حمله تلافی جویانه). از سال ۲۰۱۸، محققان وابسته به دانشگاه مهندسی نیروی موشکی ارتش آزادی بخش خلق چین شروع به انتشار مقالاتی کردند که در آنها به بررسی نحوه حفاظت بهتر از موشک‌های زمینی که ستون فقرات بازدارندگی چین را تشکیل می‌دهند، پرداخته شده بود. همانطور که در یک مقاله توضیح داده شد، با افزایش آمادگی کشور برای استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، تسلیحات سیلو-پایه می توانند به «تضمین بازدارندگی مؤثر» کمک کنند. نسخه ۲۰۲۰ سند علوم راهبردی نظامی دانشگاه دفاع ملی ارتش چین هم بیان کرده که چگونه سوار کردن موشک‌ها بر روی پرتابگرهای متحرک -که می‌توانند در منطقه گسترده‌ای پراکنده شوند- و ترکیب آنها با موشک‌های سیلو-پایه می‌تواند راه‌های بیشتری را برای مقابله به مثل در اختیار چین قرار دهد.

کارشناسان چینی همچنین راه‌های دیگری را هم برای تقویت بازدارندگی هسته‌ای چین مورد بحث قرار داده‌اند. این موارد مشتمل بر کاهش زمان واکنش -یعنی زمانی که برای پاسخگویی یک حمله توسط نیروهای هسته‌ای چین لازم است- می‌باشد. استراتژیست‌های چینی همچنین درباره مزایا و معایب سامانه جزئی یا کامل «پرتاب بر اثر هشدار» بحث کرده‌اند؛ سامانه‌ای که بر اساس آن پکن موشک‌های خود را پس از پرتاب موشک‌های دشمن، اما قبل از برخورد و انفجار آنها شلیک می‌کند. گام بالقوه دیگر شامل استقرار دفاع موشکی برای حفاظت از زیرساخت‌های هسته‌ای چین است. کارشناسان چینی همچنین درباره حمله به سامانه‌هایی که از برنامه دفاع موشکی ایالات متحده پشتیبانی می‌کنند مانند ماهواره‌های هشدار زودهنگام ایالات متحده، بحث کرده‌اند؛ حتی علی‌رغم اینکه چنین اقدامی می‌تواند بسیار بی‌ثبات‌کننده باشد.

البته این امکان وجود دارد که هدف از توسعه و نوسازی هسته‌ای چین ایجاد «سپر هسته‌ای» باشد تا یک عملیات تهاجمی متعارف علیه تایوان امکان‌پذیر گردد. براساس این دیدگاه، چین با در اختیار داشتن یک بازدارنده قوی، می‌تواند درگیری متعارفی را علیه تایوان آغاز کرده یا تشدید کند؛ و در عین حال از اجبار هسته‌ای ایالات‌متحده یا حملات محدود هسته‌ای این کشور به منافع خود جلوگیری می‌کند و در نتیجه احتمال پیروزی پکن را افزایش می‌دهد؛ اما در منابع چینی موجود که قبل از شروع گسترش هسته‌ای به رشته تحریر درآمده‌اند، هیچ بحث مستقیمی درباره چنین هدفی وجود ندارد.

به علاوه در چین صحبت‌هایی درباره توسعه سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی نیز شده است. با پشت کردن به تابوهای گذشته، برخی از کارشناسان برجسته علنا پیشنهاد کرده‌اند که چین ممکن است نیاز به افزودن سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی به زرادخانه خود داشته باشد تا از اولین استفاده محدود هسته‌ای ایالات متحده جلوگیری کند. اگر نگرانی‌های چین درباره راهبرد هسته‌ای ایالات متحده افزایش یابد، پکن شاید از این دیدگاه استقبال کند؛ مخصوصا با توجه به این واقعیت که موشک دی-اف ۲۶ سلاح مناسبی برای شلیک این نوع تسلیحات را فراهم می‌سازد؛ اما به نظر می‌رسد اکثر کارشناسان هسته‌ای چین با این سلاح‌ها مخالف هستند و در هیچ مدرک منبع‌بازی نیز برنامه‌ای برای به‌کارگیری آنها ذکر نشده است.

کند کردن مسابقه جدید تسلیحاتی

گسترش توان هسته‌ای چین به‌وضوح ناشی از احساس آسیب‌پذیری و ناامنی فزاینده آن در مواجهه با توانایی‌های در حال توسعه ایالات متحده بوده است؛ اما یک زرادخانه بزرگ‌تر و متنوع‌تر، گزینه‌های بیشتری، به‌جز حمله تلافی‌جویانه را نیز در اختیار پکن قرار می‌دهد. مثلا فرض کنید چین برای جلوگیری از استفاده محدود ایالات متحده، سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی تولید کند. در این شرایط، رهبران چین ممکن است وسوسه مقاومت‌ناپذیری برای استفاده از چنین تسلیحاتی در بحران تایوان داشته باشند. مسیر آینده راهبرد هسته‌ای چین نامشخص است و می‌تواند در جهتی تهاجمی‌تر تغییر کند.

علاوه بر این، حتی اگر راهبرد کلی چین به جای تهدید به حمله بر بازدارندگی در برابر اولین حمله متمرکز شود، سامانه‌های جدید آن ثبات ژئوپلیتیکی را از بین خواهند برد. شاید مهم‌ترین اتفاق استفاده پکن از سامانه پرتاب بر اثر هشدار باشد؛ زیرا در این شرایط خطرات موجود در طول بحران به طور قابل توجهی افزایش خواهد یافت. تجربه محدود چین در حوزه تسلیحات هسته‌ای که در حالت آماده‌باش بسیار حساس هستند، احتمال وقوع حوادث یا اشتباه محاسباتی را حتی بیشتر می‌کند.

اگرچه نیل به موفقیت در حوزه کنترل تسلیحاتی بین واشنگتن و پکن بسیار بعید است، اما هر دوی این کشورها می‌توانند برای جلوگیری از تشدید تنش، دست به اقداماتی بزنند. مثلا چین می‌تواند با شفافیت بیشتر درباره موضع هسته‌ای خود و منطق تقویت آن، به تقلیل برخی از بدترین مفروضات استراتژیست‌های آمریکایی کمک کند. استراتژیست‌های دفاعی واشنگتن در صورت درک چگونگی شکل‌گیری موضع هسته‌ای چین و نقش اقدامات آمریکا در حوزه دفاع موشکی در تشدید برداشت تهدید چین، ممکن است سیاست‌های هسته‌ای را طراحی کنند که پکن آنها را کمتر تحریک‌آمیز دانسته و از این رو نیاز چندانی به پاسخ به آنها نیابد.

اما رقابت کلی ایالات‌متحده و چین و تنش‌های فزاینده این دو بر سر تایوان متاسفانه حاکی از آن است که دستیابی به این اهداف دشوار خواهد بود. در واقع، گسترش توان هسته‌ای چین به این تنش‌ها بیشتر دامن می‌زند تا اینکه به هر نوع تنش‌زدایی منجر گردد. اگرچه رهبران چین ممکن است تلاش‌های خود در عرصه نوسازی هسته‌ای را تدافعی ببینند، اما سیاست‌گذاران و استراتژیست‌ها در واشنگتن خواستار پاسخی قوی به پکن هستند. در اکتبر ۲۰۲۳، «کمیسیون دوحزبی موضع» انجام تغییرات مختلفی را در نیروهای هسته‌ای ایالات متحده توصیه کرد؛ که از جمله آنها می‌توان به آماده شدن برای سوار کردن کلاهک‌های ذخیره‌شده در تسلیحات موجود، گسترش تعداد و انواع سامانه‌های پرتاب و استقرار سامانه‌های موشکی بیشتر در آسیا و اقیانوسیه اشاره کرد. به همین ترتیب، یک گروه متخصص دوحزبی که توسط آزمایشگاه ملی لارنس لیورمور تشکیل شده بود، اخیرا توصیه کرد که ایالات متحده «برنامه‌ریزی و آماده‌سازی لازم برای کاربست کلاهک‌ها و بمب‌های اضافی را داشته باشد.»

چنین اقداماتی تقریبا به طور قطع تنها سبب تقویت تلاش چین برای گسترش زرادخانه هسته‌ای خود خواهند شد. پکن می‌تواند ذخایر تسلیحات هسته‌ای خود را افزایش دهد، سامانه‌های پرتاب جدید مستقر کند و کلاهک‌های هسته‌ای تاکتیکی تولید کند -اقداماتی که ایالات‌متحده همه آنها را تهدیدآمیز می‌داند. بنابراین، پاسخ ایالات‌متحده به برنامه‌های اخیر چین که خود به شدت تحت تاثیر تغییرات رخ‌داده در راهبرد هسته‌ای ایالات‌متحده است، می‌تواند آنچه را که تبدیل به یک چرخه اقدام-واکنش خطرناک شده است، تسریع سازد و به طور بالقوه یک مسابقه تسلیحات هسته‌ای بزرگ را آغاز کند.

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو
آگهی تحدید حدود اختصاصی
به استناد مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت اسناد و املاک کشور تحدید حدود املاک مشروحه ذیل واقع در حوزه ثبتی شهرستان کرمانشاه که آگهی نوبتی آن قبلا منتشر شده در تاریخ‌های مندرج در این آگهی در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد.
۱- ستاد اجرای فرمان امام (ره) متقاضی ثبت ششدانگ یک قطعه زمین محصور قطعه ۷۸ تفکیکی به مساحت ۱۷۹ مترمربع واقع در محل کرمانشاه- نقلیه کوچه اطلسی جنب بیمارستان امام- قبرستان متروکه موضوع دادنامه ۸۶۹۱۷۳۲ - ۱۴۰۰/۵/۴ شعبه ۱۵ دادگاه کرمانشاه که مجهول‌المالک تشخیص داده شده با حدود و حقوق مشخص که پلاک ۵۲۶۲ - اصلی بخش سه شهر کرمانشاه به آن اختصاص یافته است، لذا برابر ماده ۱۴ قانون ثبت بدینوسیله به کلیه مالکان فوق و مجاوران و افرادی که در ملک فوق حقی برای خود قائلند، توسط این آگهی دعوت می‌شود که در تاریخ مندرج در این آگهی در موعد مقرر در محل ملک حضور به هم رسانند چنانچه اعتراضی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی در پلاک یادشده دارند در موقع تحدید حدود مراتب اعتراض خود را کتبا به نماینده محدد ارائه و طبق ماده ۸۶ آیین‌نامه اصلاحی قانون ثبت معترض ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی باید دادخواست خود را به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. ضمنا با توجه به ماده ۱۷ قانون ثبت چنانچه بین متقاضی و معترض نسبت به پلاک مورد اعتراض دعوایی در دادگاه مطرح می‌باشد بایستی گواهی دفتر دادگاه مربوط را مشعر به طرح دعوی در موعد مقرر در آگهی فوق اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. در غیر اینصورت حق وی ساقط خواهد شد. لازم به ذکر است که هر کدام از صاحبان املاک یا قائم مقام قانونی آنها در موقع تحدید حدود حضور نداشته باشند، تحدید حدود مطابق ماده ۱۵ قانون ثبت با حدود اظهارشده به عمل خواهد آمد. بدیهی است اعتراض مالکان فوق‌الذکر درصورت عدم حضور مجاوران در موقع تحدید حدود تا مدت سی روز از تنظیم صورت‌مجلس تحدید حدود پذیرفته خواهد شد.
تاریخ انتشار ۱۴۰۲/۰۸/۳۰
تاریخ تحدید حدود ۱۴۰۲/۰۹/۲۱
شماره ۲۵۷۱/م الف/۱۲
فرشاد نادری
مدیر واحد ثبتی
حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو

مدرک دانشنامه اصغر دهقانی فرزند شکرخدا دارای شناسنامه به شماره ۱۴۴۲ صادره از ری رشته: کاردانی صنایع فلزی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه- کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الأنبیاء (ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

فرهیختگان
صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN
روزنامه فرهیختگان WWW.FDN.IR
farhikhteganonline

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school
ارائه مدرک معتبر و رسمی از مدرسه عالی مهارتی دانشگاه آزاد اسلامی

سهم تسهیلات مسکن در ۱۰ سال اخیر از کل تسهیلات بانکی آب رفته است

مانع‌تراشی بانک‌ها جلوی وام پروژه‌های مسکن

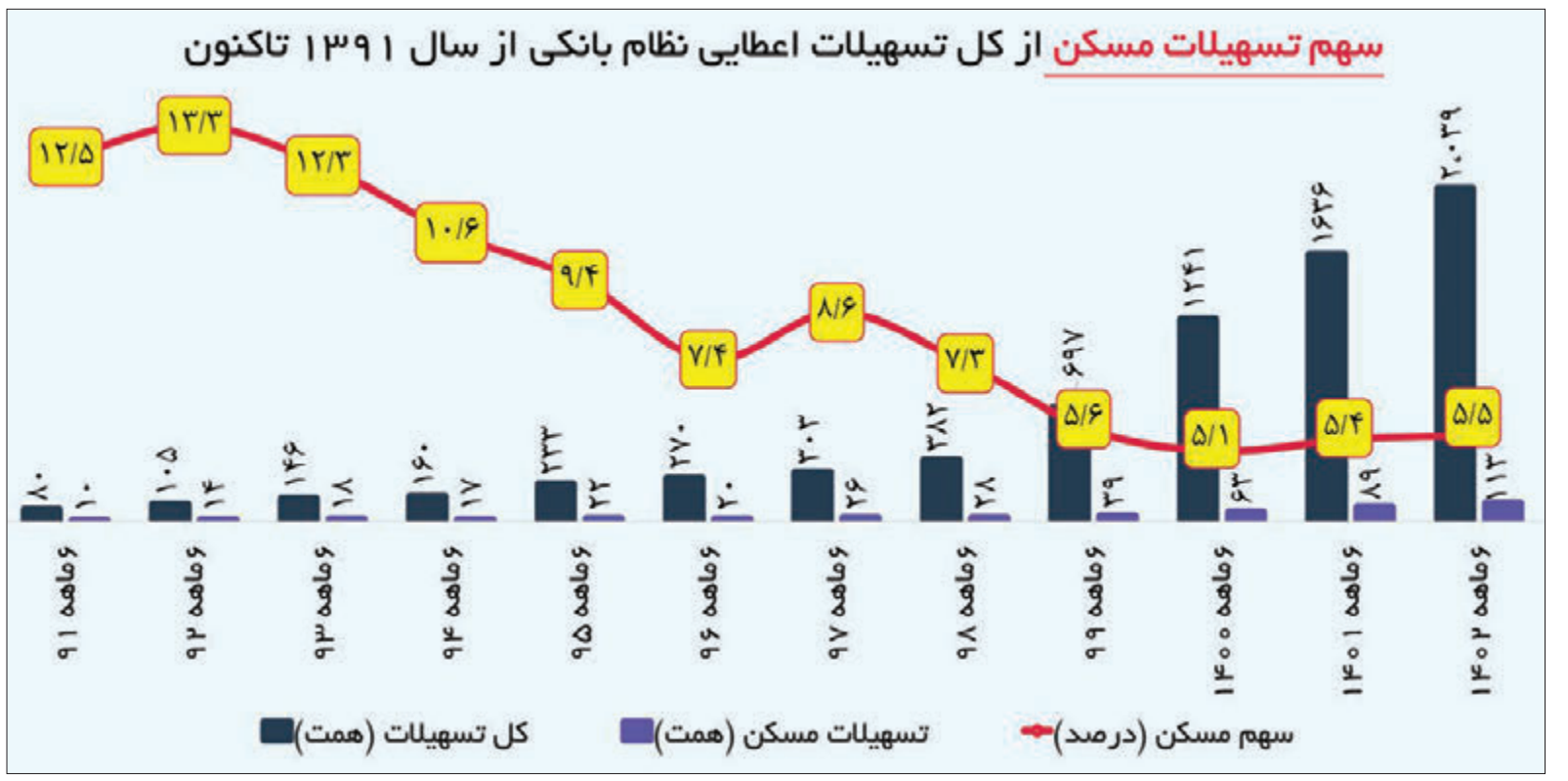

پانیذ رحیمی
خبرنگار

۲۴ شهریور ۱۴۰۰ سیدابراهیم رئیسی قانون مصوب مجلس با عنوان «قانون جهش تولید مسکن» را ابلاغ کرد. براساس ماده ۴ این قانون، بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی مکلف شدند حداقل ۲۰ درصد از تسهیلات سالانه را به بخش مسکن اختصاص دهند. مصوبه مجلس بانک‌ها را مکلف می‌کرد در سال اول ۳۶۰ همت و در سال دوم با احتساب نرخ تورم، رقمی بیش از ۳۶۰ همت را به تسهیلات مسکن اختصاص دهند. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد با وجودی که قانون جهش تولید مسکن، سهم ۲۰ درصدی را برای تسهیلات بخش مسکن تعیین کرده اما سهم همه بخش‌های مسکن و ساختمان از تسهیلات بانکی تا انتهای شهریورماه امسال به ۵٫۵ درصد رسیده است. این موضوع حالا به چالش بین دولت و بانک‌های خصوصی تبدیل شده است. از یک‌سو سازمان مالیاتی با استناد به تبصره ۵ ماده چهار قانون جهش تولید مسکن که می‌گوید، در صورت عدم رعایت موضوع این ماده، جریمه مالیاتی برابر ۲۰ درصد تعهد انجام‌نشده را از بانک‌ها و موسسات اعتباری مستنکف، اخذ و به خزانه‌داری کل کشور واریز کند، ۲۶ همت جریمه از بانک‌ها مطالبه کرده است. در سویی دیگر مدیران بانک‌های خصوصی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» می‌گویند آنها مقصر نبوده و دلیل عدم پرداخت تسهیلات نهضت ملی مسکن، تعلل وزارت راه و شهرسازی در عدم ایجاد یک سامانه بوده است. این موارد درحالی است که حسین درودیان، اقتصاددان به «فرهیختگان» می‌گوید موضوع فقط سامانه نیست. زیرا اولا دولت محدودیت‌هایی برای پرداخت تسهیلات ایجاد کرده، ثانیا دست بانک‌ها به دلیل کنترل ترازنامه، حجم بالای تسهیلات غیرجاری و سهم بالای دارایی‌های منجمد، بسته است.

۸۳ درصد از تسهیلات تکلیفی مسکن پرداخت نشده

براساس ماده ۴ قانون جهش تولید مسکن بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی مکلفند حداقل ۲۰ درصد از تسهیلات پرداختی نظام بانکی در هرسال را با نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار به بخش مسکن اختصاص دهند، به‌صورتی‌که در سال اول اجرای قانون از حداقل ۳۶۰ هزارمیلیارد تومان برای واحدهای موضوع این قانون کمتر نباشد و برای سال‌های آینده نیز حداقل منابع تسهیلاتی مذکور با افزایش درصد صدرالذکر مطابق با نرخ تورم سالانه افزایش یابد. مجموع دوران مشارکت و فروش اقساطی در این تسهیلات، ۲۰ ساله تعیین شده است، همچنین مبتنی‌بر تبصره ۵ سازمان امور مالیاتی کشور موظف است درصورت عدم رعایت موضوع این ماده، در قالب بودجه سنواتی، مالیاتی برابر ۲۰ درصد تعهد انجام‌نشده را از بانک‌ها و موسسات اعتباری مستنکف، اخذ و به خزانه‌داری کل کشور واریز کند. اما آن‌طور که در نمودار قابل‌مشاهده است، در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۰ که هنوز قانون جهش تولید مسکن ابلاغ نشده بود، سهم بخش مسکن از تسهیلات نظام بانکی ۵٫۱ درصد بوده که این میزان در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۱ به ۵٫۴ درصد و در نیمه نخست امسال نیز به ۵٫۵ درصد رسیده است. البته پرواضح است که تنها بخش کوچکی از این تسهیلات عاید نهضت ملی مسکن شده است؛ چراکه این تسهیلات در آمارهای بانک مرکزی شامل هرگونه ساخت‌وساز اعم از مسکن و ساختمان را شامل می‌شود. ردپای این ادعا که همه آن تسهیلات عاید نهضت ملی مسکن نشده در آمار دیگری که بانک مرکزی با عنوان «عملکرد جزء (۱۰) بند (الف) تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۴۰۰ و ماده (۴) قانون جهش تولید مسکن» منتشر می‌کند، قابل‌مشاهده است. این آمار نشان می‌دهد مجموع تسهیلات اعطایی به نهضت ملی مسکن (اعم از تسهیلات شهری روستایی و خودمالکی)، ودیعه مسکن و حوادث غیرمترقبه از مهرماه ۱۴۰۰ تا انتهای مهرماه ۱۴۰۲ حدود ۱۲۵ هزار میلیارد تومان بوده است. به‌عبارتی، درحالی نمایندگان مجلس برای دوسال اجرای قانون جهش تولید مسکن سهم این پروژه عظیم را ۷۲۰ هزار میلیارد تومان (سالانه ۳۶۰ همت) تعیین کرده بودند که طی این مدت تنها ۱۷٫۴ درصد از آن پرداخت شده است. به‌عبارتی، عملا نزدیک به ۸۳ درصد از تسهیلات تکلیفی مجلس به بانک‌ها برای پرداخت به بخش مسکن محقق نشده است.

پرویزیان: مخالفتی با قانون نداریم

کوروش پرویزیان، مدیرعامل بانک پارسیان و رئیس شورای عالی کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی کشور در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهار داشت: «بنا بود در سامانه‌ای که توسط وزارت راه و شهرسازی راه‌اندازی می‌شود، متقاضیان وام به بانک‌ها معرفی شوند و بانک‌ها نیز طبق مستندات وام ارائه دهند. این سامانه در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ راه‌اندازی نشد و درنتیجه متقاضی به بانک‌ها اعلام نشد. در این‌باره ممانعتی از سوی بانک‌ها وجود نداشت، فقط افراد متقاضی یا معرفی نشدند یا در صورت معرفی بعضا واجد شرایط نبودند.» وی درباره جرایم بانک‌ها برای عدم پرداخت وام نهضت ملی مسکن تصریح کرد: «برگه تشخیص وضع جرایم دستوری است. بانک‌ها نسبت به این جرایم اعتراض کردند و منتظر نتیجه رسیدگی قانونی هستیم. بانک‌های مستنکف باید بنا بر قانون مشمول جریمه شوند اما نه در حد جریمه‌هایی که اعلام شده است. این جریمه براساس تغییرات مانده سال قبل بانک نسبت به سال بعد براساس تسهیلات پرداختی ۲۰ درصد محاسبه می‌شود، نه سهمیه‌ای که بانک مرکزی تعیین کرده است. صندوقی توسط دولت تاسیس شد و به‌هرحال باید از طریقی تامین شود. آن صندوق به دنبال این است که با منابع حاصل از سپرده‌های مردم تامین شود اما در عالم واقع چنین چیزی ممکن نیست. اساس تسهیلات نهضت ملی مسکن، گرچه تسهیلات بلندمدت و تکلیفی است اما بانک‌ها به قانون مقید هستند.»

بیگدلی: وزارت راه و شهرسازی سامانه را راه‌اندازی نکرده

بیگدلی، عضو هیات‌مدیره بانک گردشگری در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد: «موضوع ارائه تسهیلات بانک‌ها برای نهضت ملی مسکن دو بخش دارد؛ یک بخش سازوکار وزارت راه و شهرسازی است که هنوز عملیاتی نشده است و تاخیر در راه‌اندازی به عدم ارائه تسهیلات منجر شده است. نقدینگی بانک‌های خصوصی در شرایط خوبی نیست و اکنون نیز اضافه برداشت دارند. بانک اگر منابع مالی داشته باشد در این طرح ملی شرکت و به اکثریت مردم خدمت می‌کند تا اکثریت از منافع آن بهره‌مند شوند. اگر فرضا بنا باشد بانکی دو هزار میلیارد تومان تسهیلات ارائه دهد، حداقل می‌تواند ۵۰ درصد تسهیلات را به این بخش تخصیص بدهد و این‌گونه نیست که هیچ تسهیلاتی ارائه نشود. در موضوع نهضت ملی مسکن حرف از منافع ملی و منافع عموم است و بانک‌ها تمایل دارند به این حوزه ورود کنند.» وی افزود: «قانون تعیین‌کرده ۲۰ درصد سهم تسهیلات صرف مسکن شود اما در شرایط فعلی با این وضعیت نقدینگی بانک‌ها، تحقق این امر سخت می‌شود. اگر زیرساخت‌ها فراهم شود با انعقاد تفاهمنامه می‌توان بخشی از این تسهیلات را همین امسال به متقاضیان پرداخت کرد. تسهیلات تکلیفی تنها به مسکن مربوط نمی‌شود. وام ازدواج، فرزندآوری و... تکالیف سنگینی بر دوش بانک‌ها است و عدم پرداخت آن نیز جریمه سختی به دنبال دارد. در قانون آمده ۲۰ درصد مبلغ به‌عنوان مالیات از بانک‌ها دریافت شود و به‌عنوان مالیات به شرکت مسکن‌سازی وزارت راه و شهرسازی واریز شود. این موضوع نه‌تنها مشکلات را کاهش نمی‌دهد بلکه به افزایش چالش‌های نظام بانکی نیز منجر می‌شود.»

جمشیدی: هیچ فردی به بانک معرفی نشده است

محمدرضا جمشیدی، دبیر کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی کشور در گفت‌وگو با «فرهیختگان» و در پاسخ به این سوال که دلیل مشارکت پایین بانک‌های خصوصی در تامین مالی پروژه نهضت ملی مسکن چه بوده، می‌گوید: «براساس آنچه در قانون آمده، بانک‌ها باید براساس سهمیه‌ای که بانک مرکزی تعیین می‌کند یعنی ۲۰ درصد مجموع تسهیلات سالانه را به بخش مسکن پرداخت کنند. اینکه چه بانکی چه میزانی تسهیلات ارائه بدهد توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود. از سوی دیگر نیز کسانی که متقاضی استفاده از این تسهیلات هستند باید در سامانه‌ای که وزارت راه و شهرسازی راه‌اندازی می‌کند درخواست خود را ثبت کنند. وزارت راه و شهرسازی درخواست‌ها را صحت‌سنجی می‌کند تا ببیند این آقا یا خانم ملک و خانه‌ای ندارد تا تسهیلات را به آن فرد اختصاص دهد. اگر درخواست مورد تایید بود به بانک‌هایی که سهمیه ارائه تسهیلات دارند ارائه می‌شود تا مراحل پرداخت آن انجام شود. این موضوع در دستورالعمل بانک مرکزی عنوان شده و وزارت راه و شهرسازی نیز آن را پذیرفته است. این قانون در سال ۱۴۰۰ تصویب و بنا شد هر سال -از شهریور سال ۱۴۰۰ تا شهریور سال ۱۴۰۱- و به همین ترتیب سال دوم و سوم به سهمیه‌ها اضافه شود. بر این اساس وزارت راه و شهرسازی باید نفرات حائز شرایط را به بانک معرفی کند. پیگیری بانک‌های خصوصی از بانک مرکزی نشان می‌دهد هیچ فردی به بانک‌ها معرفی نشده است.»

وزارت راه و شهرسازی مقصر است

دبیر کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی کشور در ادامه گفت: «وزارت راه و شهرسازی طی نامه‌ای در بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به بانک مرکزی اعلام کرد برای راه‌اندازی این سامانه با چهار بانک گفت‌وگو شده و با بانک‌های دیگر هم به صورت گروه گروه صحبت خواهد شد. اما صحبت کردن با راه‌اندازی سامانه فرق دارد. تا پایان سال ۱۴۰۱ سامانه مورد بحث برقرار نشد. وقتی سامانه‌ای برای ارائه تسهیلات بانکی وجود ندارد و متقاضی به بانک معرفی نشده است چگونه وام به افراد تخصیص پیدا کند؟ بنابراین وامی ارائه نشده است.» وی در پاسخ به این سوال که چرا بانک مسکن تسهیلات نهضت ملی مسکن را پرداخت کرده، می‌گوید: «از ابتدا وزارت راه و شهرسازی و بانک مسکن ارتباط خاصی داشتند و در نتیجه معرفی به این بانک صورت گرفت و تسهیلات توسط این بانک ارائه شد.»

برگه جریمه‌ها غیرقانونی است

جمشیدی در ادامه می‌گوید سازمان امور مالیاتی با مدنظر قرار دادن ماده ۴ قانون جهش مسکن که می‌گوید اگر بانک‌ها از پرداخت تسهیلات به جهش تولید مسکن خودداری کردند باید جریمه مالیاتی شوند، موضوع جریمه را مطرح کرده و برگه تشخیص مالیاتی را برای بانک‌ها فرستاده است. برای برخی نیز برگه جریمه صادر شده است. در قانون ذکر شده جریمه مختص بانک‌های مستنکف است؛ مستنکف کسی است که استنکاف کرده، یعنی تسهیلات ارائه نداده است. مثلا وزارت راه و شهرسازی متقاضی را معرفی کرده و بانک تسهیلات ارائه نداده است. در قانون آمده که سازمان امور مالیاتی موظف است درصورت عدم رعایت موضوع ماده در بودجه سنواتی مالیاتی برابر ۲۰ درصد تعهد انجام‌نشده جریمه تعیین کند. بنابراین سازمان امور مالیاتی آن سهمیه‌ای که برای بانک‌ها تعیین شده را اصل قرار داده و ۲۰ درصد را به‌عنوان جریمه صادر کرده است. وی ادامه داد این تشخیص سازمان امور مالیاتی اشتباه است. ما از وزارت راه و شهرسازی درخواست می‌کنیم اعلام کند چه کسانی به بانک‌ها معرفی شدند که بانک‌ها استنکاف کردند. بنابراین نباید این جریمه دریافت شود. این موضوع را یکبار در مردادماه با وزیر امور اقتصاد و دارایی مطرح کردیم. وزیر کتبا به ما رونوشت دادند و در این متن ذکر شده که در این مورد اختلاف وجود دارد و زمینه اجراییه صادر نشود اما سازمان امور مالیاتی به این موضوع عمل نکرده است. همکاران ما با ممیزان مالیاتی گفت‌وگو کردند اما واکنش آنها این بود که سازمان امور مالیاتی براساس قانون عمل کرده و از وزیر تبعیت نمی‌کند.

سهمیه ارائه تسهیلات دست‌نخورده است

دبیر کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی کشور تصریح کرد: «سهمیه ارائه تسهیلات برای نهضت ملی مسکن دست‌نخورده باقی مانده و بانک‌ها نباید متحمل جریمه شوند.» وی گفت: «اگرچه در بانک‌های خصوصی از نظر منابع در ضعف قرار داریم ولی قانون را اجرا می‌کنیم. در این کشور زندگی می‌کنیم پس باید قانون را رعایت کنیم. در نامه کتبی این موارد بیان شده اما به شرطی که تابع قانون عمل شود.» دبیر کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی ادامه داد: «مدتی است هجمه‌ای از سوی عده‌ای خاص با نیت خاص علیه بانک‌های خصوصی وارد می‌شود. اینکه بانک‌ها از نظر منابع در ضعف قرار دارند درست است. بانک‌ها براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا به پولی که از سپرده‌گذاران جمع‌آوری می‌کنند مقید هستند و این سرمایه را در بهترین محل سرمایه‌گذاری می‌کنند. این اختیار قانونی بانک‌ها با تسهیلات تکلیفی صرف شده؛ برای بانک‌ها تعیین می‌شود به چه کسی تسهیلات ارائه شود و به چه کسی وام اعطا نشود و درصورت ارائه با چه نرخی انجام شود. بانک به سپرده‌گذار سود ۲۲٫۵ درصدی (سپرده دوساله) پرداخت می‌کند، این درحالی است که از کسانی که وام دریافت می‌کنند بازپرداخت را به سود ۱۸ درصد دریافت می‌کنیم. این موضوع در قانون نیست و دولت هم قرار نیست این مقدار را جبران کند. در گذشته تبصره ۱۵ و تبصره ۳ بود که مبتنی‌بر آن ۵۰ درصد سود اعطایی این تسهیلات برعهده بانک بود. اما اکنون دولت تعهدی از بابت جبران ضررها ندارد. برای مثال من می‌توانم ۸۰ واحد از صد واحد پولی را که به‌عنوان سپرده از شما دریافت می‌کنم تسهیلات بدهم اما به ۱۰۰ واحد پول شما سود می‌دهم، در اینجا هم ۲۰ درصد کمتر است. اینها مواردی است که از طریق قانون تحمیل می‌شود و ما ناچار هستیم قانون را رعایت کنیم.»

درودیان: نقدینگی بانک‌ها در اختیار دولت است

حسین درودیان، اقتصاددان و نویسنده کتاب معماران پول در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهار داشت: «اساسا نظام بانکی ما ظرفیت آزاد تسهیلات‌دهی بسیار کمی دارد. به بیان بهتر، عمده تسهیلات نظام بانکی توسط بازیگرانی اعم از دولت و بانکداران خصوصی دریافت می‌شود و این بخش‌ها به صورت عمیق و ریشه‌داری ترازنامه بانک‌ها را به تسخیر خود درآورده‌اند. از سوی دیگر نیز بخشی از دارایی‌های بانکی منجمد یا سوخته است. به این معنا که یا تسهیلاتی وجود ندارد یا برنمی‌گردد، درنتیجه ظرفیتی برای ارائه تسهیلات باقی نمی‌ماند. اگر نظام بانکی بخواهد با وجود این مسائل تسهیلات قابل توجهی برای هر امری اعم از نهضت ملی مسکن ارائه دهد، باید نرخ رشد نقدینگی افزایش پیدا کند و حجم رشد گسترش ترازنامه بانک‌ها حجم بزرگی باشد. بانک مرکزی و دولت دو سال است که سیاست محکمی برای محدود کردن رشد ترازنامه بانک‌ها اعمال می‌کنند که با این وجود عملا سقف ارائه تسهیلات نیز محدود است. درنتیجه جایی برای ارائه تسهیلات با ارقام قابل توجه و اهداف تامین مالی، وجود ندارد. برای این مهم یا باید سقف ترازنامه بالا برود یا دولت از طریق اصلاحات، کسری بودجه خود و نیاز به استقراض از شبکه بانکی را کاهش دهد یا در حکم نوعی ملی‌سازی دسترسی بخش خصوصی در بخش بانکداری غیردولتی به تامین مالی بسته شود. راه‌حل دیگر نیز این است که دارایی‌های منجمد قبلی که مربوط به پرونده‌ها و ارقام بزرگ است که فقط ۱۰ درصد آن به شرکت ملی نفت بازمی‌گردد، تعیین‌تکلیف شود.»

عدم راه‌اندازی سامانه مطلقا بهانه است!

حسین درودیان درباره عدم راه‌اندازی سامانه وزارت راه و شهرسازی برای ارائه تسهیلات نهضت ملی مسکن افزود: «سامانه وزارت راه و شهرسازی بهانه است و مطلقا مشکل عدم ارائه تسهیلات، نبود سامانه نیست. اکنون تسهیلاتی به افرادی که تاییدیه بانک را دریافت می‌کنند، پس از قرار گرفتن در نوبت پس از ماه‌ها پرداخت می‌شود؛ چراکه بانک نمی‌تواند این حجم تسهیلات را با سقف کنترل ترازنامه پرداخت کند. از سوی دیگر نیز در شرایط کسری بودجه شدید دولت، دارایی بی‌کیفیت و منجمد بانک‌ها و تنگنای نقدینگی در ایران قرار داریم. اساس شبکه تامین مالی بانکی این است که ترازنامه بانک در اثر وام‌دهی به اشخاص منبسط شده و سپس به واسطه بازگشت وام توسط آن شخص منقبض شود. این امر سبب می‌شود مجددا زمینه برای ارائه تسهیلات به افراد دیگر هم فراهم شود. در یک نظام بانکی سالم، ترازنامه همیشه در حال منقبض و منبسط شدن موازی است. اگر ترازنامه شرکتی منبسط شود با وجود دارایی‌های موهوم و منجمد و تسهیلاتی که توسط دولت و بازیگران بانکی دریافت می‌شود و هیچ‌وقت برنمی‌گردد، این ترازنامه هیچ‌گاه از سوی محلی که منبسط شده، منقبض نمی‌شود. ارائه تسهیلات بلندمدت نهضت ملی مسکن نیز عاملی است که دوباره انبساط بدون انقباض تازه‌ای را به شرایط موجود اضافه می‌کند. طبیعی است شبکه‌های بانکی از حیث معیارهای سودآوری و معیارهای احتیاطی علاقه ندارند تسهیلات ارائه بدهند.»

چرا تامین مالی نهضت ملی مسکن دشوار شد؟

درودیان تکمیل کرد: «اکنون در کشور ما با توجه به قیمت مسکن اگر طرح‌های موجه ملی داشته باشیم که از جهت معماری، شهرسازی، مکان‌یابی و... طراحی شود کمترین نیاز را به توسل به بودجه و تامین مالی بانکی خواهیم داشت. برای مثال اگر یک طرح مسکن مدرن روی میز قرار بگیرد باید بتواند تامین مالی خود را از بازار و متقاضیان مسکن تامین کند. مردم حاضرند برای یک طرح ملی باورپذیر که به لحاظ کیفیت زندگی شهری خوب باشد، هزینه کنند. وابستگی به بودجه و تامین مالی بانکی به دلیل عدم جذابیت طرح مسکن است و می‌خواهیم با توسل به منابع عمومی و بانکی، این عدم جذابیت را جبران کنیم. حداقل در شرایط فعلی تامین مالی نباید از محل بانک‌ها باشد، مگر برای گروه و اقشار خاصی از جامعه، آن هم با این شرط که مابه‌التفاوت یارانه سود بانکی از سوی دولت جبران شود. این روش که تامین مالی کل طرح مسکن بر دوش نظام بانکی و بودجه باشد در شرایط کنونی غیرممکن است.»

جریمه اوضاع تسهیلات‌دهی را بدتر می‌کند

حسین درودیان در پایان گفت: «در رابطه با جریمه سنگین بانک‌ها باید پرونده به پرونده و بانک به بانک دلیل عدم مشارکت در ارائه تسهیلات نهضت ملی مسکن بررسی شود. مجموعا در فضای امروز اقتصاد ما یک تکلیف مالایطاق (بیش از توان بانک‌ها) برداشت می‌شود، مگر اینکه محدودیت یا قیود تسهیلات‌دهی تنزل پیدا کند. در شرایط کنونی تحت فشار قرار دادن بانک‌ها به واسطه جریمه ترازنامه بانک را تحت فشار قرار داده و امکان تسهیلات‌دهی را بیش از پیش کاهش می‌دهد. اکنون کشور باید در بخش مسکن یک پیشران مهم باشد. نمی‌توانیم مسکن حمایتی را به‌عنوان بخش اعظم و اصلی این پیشران اقتصاد قرار دهیم، نیاز است بخشی از آن حمایتی باشد. ضرورت دارد بخش اعظم طرح‌های مسکن به سمت طبقه متوسط جامعه باشد و برای فروش به خانوارهایی طراحی شود که تا حد خوبی قدرت تامین مالی و خرید دارند تا بتوانیم گروه اقتصاد پیشران را از منابع مردمی و بدون توسل به طرح وام نظام بانکی پیش ببریم؛ چراکه با ادامه دادن این شرایط شکست می‌خوریم.»

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم